بعد از وفات تربت ما بر زمین مجوی
در سینه‌های مردم عارف مزار ماست

LIBRARY OF CONGRESS
RECEIVED
FEB 28 192
DIVISION OF DOCUMENTS

آدرس : انجمن ادبی، جادهٔ ارک
عنوان تلگرافی: کابل انجمن
مخابرات ـ باشهزاده احمدعلی خان
(درانی) مدیر انجمن

کابل

مجلهٔ مصور ماهوار
ادبی ، اجتماعی ، تاریخی
تحت نظر انجمن ادبی نشر میشود
اول قوس ۱۳۱۲ هجری شمسی
۲۳ نومبر ۱۹۳۳ میلادی

اشتراك

کابل :	۱۲ افغانی
ولایات داخله	۱٤ «
« خارجه	نیم پوند انگلیسی
طلبای معارف	نصف قیمت

فهرست مندرجات

مضمون	صفحه
سانحهٔ جانکاه	
افغانستان امروز	٥
اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی تاجدار شهید افغانستان	١٦
دوره خدمات تاجدار شهید بحیثیت شاهی افغانستان	٢٦
صدارت عظمی	٢٩
وزارت حربیه	«
وزارت خارجیه	٣٠
وزارت داخلیه	٣٣
وزارت عدلیه	٣٤
وزارت مالیه	«
وزارت تجارت	٣٥
وزارت معارف	٣٦
مدیریت مستقلهٔ طبیه	٣٧
مدیریت مستقلهٔ پست ، تلگراف ، تیلفون	٣٨
مجلس محترم شورای ملی	«
مجلس اعیان	٣٩
ریاست بلدیه	«
شرکت تنویرات	٤٠
موسسات جدید عصر نادرشاهی	«
تاسیس فاکولتهٔ طبی	٤٤
رفق سناتوریم	٤٦
جاد های جدید عصر نادر شاهی	٤٦
بند ها و نهر ها	٤٩
تاسیس کلوب ها	٥٠
کورس های السنه	٥١
انجمن کشافان	«
تعمیر بالاحصار کابل	٥٤
ابلاغیهٔ رسمی شهادت شاه شهید و سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر خان	٥٦
مراسم تشییع جنازهٔ اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه شهید	٥٧
تلگرامهای واصله تعزیت و تهنیت	٥٩
تشرف هیئت سفرای دول متحابه مقیم کابل بحضور اعلیحضرت محمدظاهر خان	٧١
مفاد معروضات وفود ملت بحضور اعلیحضرت جوان بخت محمد ظاهر خان	٧٢
مفاد نطق شاه جوان بخت اعلیخضرت محمدظاهر خان	٧٥
مفاد نطق ایرادیه والاحضرت سردارشاه محمودخان غازی وزیرحربیه درمجلس عزاداری شاه شهید و تاج گذاری اعلیحضرت محمد ظاهر خان	٧٦
تعزیت نامهٔ متعلمین و اهل عرفان بحضور اعلیحضرت محمد ظاهر خان	٧٩
مفادنطق جوابیهٔ والاحضرت سردار شاه محمودخان وزیر حربیه	٨٢

مضمون	صفحه
خلص بیانیهٔ حضرت نورالمشایخ صاحب	۸٤
اعلان شرعی از طرف علمای اسلامی	۸۷
سواد تلگرام والاحضرت صدراعظم صاحب	۸۸
سواد تلگرام والاحضرت سردار شاه ولیخان	۸۹
ورود مسعود والاحضرت صدراعظم صاحب بمرکز	۸۹
تعزیت شاه خلد اشیان وتهنیت سلطنت اعلیحضرت محمدظاهرخان بحضوراشرف والاحضرت صدراعظم صاحب	۹۰
مفاد نطق والاحضرت صدراعظم صاحب	۹۱
تلگرام اعلیحضرت جارج شاه انگلستان	۹۵
تلگرام جوابیه اعلیحضرت محمد ظاهر خان	۹۵
تعزیت وتبریك نامه انجمن ادبی کابل بحضور اعلیحضرت جوان بخت افغانستان	۹٦
مراثی اعلیحضرت شهید و تهنیت جلوس اعلیحضرت محمد ظاهر خان	
جناب قاری عبدالله خان	۹۸
غلام حضرت خان شایق	۱۰۱
ترجیع بند قاری عبدالله خان	۱۰۲
ترکیب بند مستغنی	۱۰٦
مسد محمد سرور خان « صبا »	۱۱۱
تصحیح	۱۱٦

تصاویر :

	صفحه
ذات اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه جوان بخت افغانستان	۱
ذات اعلیحضرت محمدظاهرخان بمعیت ع، ج، والاحضرت وزیرصاحب حربیه غازی وع ، ج والاحضرت وزیر صاحب دربار	۱۵
موقع جنرالی اعلیحضرت شهید سعید	۱۷
موقع سپه سالاری اعلیحضرت شهید سعید	۲۱
موقع سفارت اعلیحضرت شهید سعید	۲۵
اعلیحضرت شهیدسعید حین پذیرفتن سلامی معارف	۲۹
اعلیحضرت شهیدسعید حین احوال پرسی نفری معارف	۵۵
مراسم تشییع جنازهٔ اعلیحضرت شهید سعید ۲ قطعهٔ	۵۷
« « « « موقع ورود بمسجد عیدگاه	٦۱
جنازهٔ اعلیحضرت شهیدسعید درحین ادای نماز جنازه	٦۹
ذات اعلیحضرت محمدظاهرخان موقعیکه از سلامخانه بگلخانه تشریف می برند	۷۷
مراسم تشییع جنازه اعلیحضرت شهید بعد از ادای نماز جنازه طرف مقبره	۸۱

ذات اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه جوانبخت افغانستان

کابل

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست
که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

نمرهٔ (۳۰) مجلهٔ کابل اینك لباس تعزیه در بر کرده و بالحن جگر خراش سوگواری بنظر قارئین عزیز میرسد ! چه مجله کابل که یکی از نشرات انجمن ادبي کابل و انجمن ازجملهٔ موسسات و یاد گارهاي دورهٔ درخشندهٔ زمامداری شاه فقید و تاجدار شهید و ادب پرور افغانستان (اعلیحضرت مغفور محمد نادر شاه غازي) است ، واین مجله و انجمن ادبي حیات یافتهٔ همت و نیروي آن پاد شاه بزرگ و فقید است البته امروز کار کنان آن بادیده اشکبار و قلب جریحه دار سطوري بیاد گار خدمات وزحمات وطن پرستانه آن قاید و مربی نجیب خود ترتیب داده و این نمره را تدوین خواهند نمود !

این نمره متذکر از واقعهٔ المناك و سانحه روح خراش شهادت و تذکار خدمات و فداکاری های مردانه و وطن پرستانه آ نفرزند یگانه و نامی افغانستان یعنی اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید و حیات بخشاینده

انجمن ادبی و مجله کابل است .

این نمره خبر شهادت تاجدار فقید خود را باتاثر و غمگینی متأسفاً بمشترکین اعلام میدارد : چه واقعه روح خراشي بر خلاف امید و توقع وطن پرستان و دوستان افغانستان بدبختانه رو میدهد که یك جهان امید ها و آمال ملی مارا بخاك یاس مدفون می سازد .

این بد بختی وطن عبارت از کیفیتی است که صرف برخلاف رافت ، جوانمردی ، قلب صاف وبي آلایش آن تاجدار رؤف زمینهٔ عذر وسفاکی را یك خائنی مساعد یافته و جان عزیز آن شهریار بزرگ را در معرض شهادت ویك ملتی را سوگوار میگرداند .

روز چهار شنبه ساعت (۳) بعد از ظهر ۱۶ عقرب بطور رسوم همه ساله محفلی باراده شاهانه در چمن مقابل قصر دلکشا ترتیب و ذات همایوني حاضر محفل شده میخواستند بعد از احوال پرسی طلاب مدارس ـ انعاماتیکه قبلا تهیه شده بود بدست حق پرست خود با طفال عنایت کرده و آنها را بقصد تحصیل و مجاهدات در تعلیم تشویق فرموده باشند : ولی (قاتل غدار) بغتتاً با تفنگچه که قبلا تهیه کرده بود بلا فاصله بوجود آن حقدارشریف وپرورش دهندهٔ نجیب خود فیر کرده وسه ضربت مدهش به قلب و سینه آن شهریاریکه آن قلب و سینه اش محفظه محبت ، احساس وطن دوستی و ترقی خواهی کشور افغانستان بود رسانید .

آن شهریار بزرگ پس از لمحهٔ شهید و طاهر روح مقدسش بآشیانهٔ

جنت پرواز کرده مملکتي را تعزیه دار و این ملت بیچارهٔ را یتیم گردانید.
(انالله و انا الیه راجعون) .

در عین واقعه وزیر کار آگاه و فرزند شریف و صادق افغانستان والاحضرت سردار شاه محمود خان وزیر حربیه که درین روز ها بغیبت والاحضرت ج ، ع ، ج سردار محمد هاشم خان وکالت صدارت عظما را هم دارا بودند و این مرد نجیب در شرافت و وطن دوستی و عقل و کیاست تالي برادر شهید و فقید خود اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی میباشند، محض مصالح ملت و مملکت و قدر شناسي ازان تاجدار رؤف و قاید بزرگ افغانستان فورا بوالاحضرت شهزاده محمد ظاهر خان فرزند لایق و رشید شاه شهید که بهمه خصایل و عادات خوب و نجیب، فرزند حقیقی و خلف الصدق صحیح پدر بزرگ خود هستند بیعت و ذات عالي شان را بامارت و سلطنت افغانستان بآن جمع وحاضر ینیکه ازصنوف مختلفه حضورداشتند معرفی فرمودندو چون این شهزاده جوانبخت جوان سابقهٔ روشن و قیمت بلندي مقابل نظر این ملت دارند خاضرین و بالاخره تمام ملت اعم از عساکر ، مامورین، علما ، مشایخ ، وسایر افراد ملت بطیب خاطر و نهایت رضامندی بذات والای شان بیعت کرده و در ظرف چهار روز از همه نقاط واطراف دور و نزدیك تقدیم بیعت بساحت ملوکانه پیوسته و بدل جان ملت افغانستان انقیاد این شهریار جوان بخت را گردن نهاده و بسلطنت شان تسلیم نمودند.

جنازهٔ آن شهریار شهید و حقدار بزرگ افغانستان از طرف اهالي و

عساکر مرکز بانهایت تجلیلات و احتراماتیکه نظیر آن را هیچ پادشاه متوفاي افغانستان ندیده بود مشایعت شده و درقبرستان اجدادی شان (تبه مرنجان) دفن گردید.

مراسم تاج پوشی شهریار جوان و پادشاه موجوده را در اوراق آتی خواهیم نگاشت.

ولي چون این نمره بیاد خدمات و پاس شرافت و احساس وطن‌دوستی شاه فقید اعلیحضرت محمد نادر شاه غازي ترتیب می یابد، لازم شمردیم حالات تاریخی و شرح قضایاي بد بختي و سعادت گذشته وطن را از عهد اول اسلام متذکر شده وآخراً ملاحظه کنیم که ایام زمامداری این شاه بزرگ چقدر بنفع و سعادت افغانستان تمام شده و این تاجدار لایق مصدر چگونه خدمات و کار هاي بزرگی بمملکت ما گردیده بودند.

افغانستان امروز

وطن عزیز ومامن شریف ما افغانستان که دست حوادث دهر خاك مذلت و بدبختی را از عرصهٔ متمادیست برروی عزت و آبرو ، امنیت و سعادت آن ریخته همان خاکی است که درقرون ٦ و ٧ اسلام مهد علم وفضل وسر زمین راحت و آسایش بوده ترقیات مدنی،اقتصادی ، علمی آن معروف جهان و هنوز صحایف تاریخ گذشته ادوار روشن و ایام مسعود آن را بوضاحت نشان میدهد حتی دنیای متمدن تا کنون ذکری در جراید خود شان ازان دولت از دست رفتهٔ ما مینمایند .

تمدن مشعشع و زیبای قبل از اسلام در افغانستان که زوایای تاریخ قدیم و آثار موجودهٔ و مدفونه در خرابه های این مملکت شاهد آن است ، عجالتاً ما از ذکر آن خاموش مانده و توضیح آن را برای وقت دیگری میگذاریم و صرف درینجا مختصر ذکری از ایام مسعود افغانستان بعد الاسلام بمیان خواهد آمد . کنون لازم افتاد ما باهالی وطن عزیز مخصوصاً طبقهٔ جوانان و اولاد امروزه مطالبی را تذکر نمائیم تا سبب ایقاظ و بیداری آنها شده و بدانند وطن عزیز از چه جهتی آنهمه مفاخر و ترقیات گذشته را مالك شده بود وسپس بچه علتی در ظرف یك مدت طولانی یعنی در طی مرور هفت صد سال بر جعت قهقرائی یامذلت حیاتی گرفتار آمده و آنهمه سعادت و نیکبختی را فاقد گردید .

مقصود ما دربن زمینه تاریخ نگاری و غیره نیست بلکه خواستیم سر ترقیات آندورهٔ های زیبا و مسعود وطن راازصحایف تاریخ گذشته جستجو کرده وعلت بدبختی و انحطاط مابعد را به هموطنان و اولاد های مملکت امروزه که مردان و زمامداران فردای این کشور خواهند بود بفهمانیم زیرا احوال زندگی و حیات مسعود و غیر مسعود ملل روی جهان مشابه باحوال شخصی است که چطور دارای صحت جسمانی بوده و بعد بچه علتی مریض و علیل میگردد ! گویا صحت مزاج شخص و سعادت حیات آن برای خوبی و بهبود احوال اجتماعات و بالعکس ضعف و بدبختی آن شخص بانحطاط جامعه تشبیه مناسب و دلیل قاطعی شمرده میشود لهذا بهمین نسبت ما بمطلب خود آغاز کرده و دلایل چندی خواه از نقطهٔ تاریخ باشد یا از شواهد و ظواهر محسوس بنظر قارئین عزیز درین اوراق مختصر خواهیم رسانید

و ضمناً بهموطنان محترم خاطر نشان خواهیم کرد که افغانستان امروزی ما در تحت رایت زمامدار دانا و قائد کار آگاهی مثل ذات همایون اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی شهر یار فقید چه مراتبی را گامزن بوده و در خلال یکعده اوقات طولانی و ادوار آخرین فلاکت و بدبختی گذشته، امروز درساحهٔ چگونه امن و خوش بختی رسیده است و ما اولاد افغانستان فعلاً بحکم وظیفهٔ وطن دوستی و وجدان دارای چه تکلیفی بوده و باید برای پیشرفت همین پلانیکه از طرف قاید نجیب مملکت ما وضع شده بود چگونه تاسی و پیروی کرده و این مقصود عمده را از پیش برده میتوانیم :

افغانستان دیروز قبل از استیلای عرب

افغانستان در عهد قبل از اسلام یعنی حدود قرن اول اسلام دارای یك حکومت مقتدر و مختار ملی بوده بنام کابل شاهان اهالی پیرو احکام و منقاد شاه ملی خویش و تمام افراد این کشور سلطان ملی را دوستدار ومحب بودند لهذا دران عصر که سیل لشکر جنگجوی عرب بنیان استقلال و قدرت قوی ترین دول عالم مثل حکومات روم و فارس را برکنده و بطرف شرق بلافاصله متمایل بود فقط اتحاد ملت و دولت افغان ازان قوهٔ بزرگ جلو گیری کرده و پنجاه سال تمام این تهاجم مهیب را در سرحدات غربی خود متوقف گردانید .

در اواخر قرن ۲ هجری هنگامیکه طوایف افغانی غور و هرات و بعضی سرداران بزرگ قوم از اتحاد مرکز مملکت و اطاعت و روابط دوستانهٔ شهریار ملی خود بیگانه شده ، بعضی نظر بتشرف دیانت حقهٔ اسلام و برخی بطمع جاه و مال مربوط امرای عباسی شده رخنهٔ باقتدار پادشاه مرکزی و اتحاد ملی خود ها وارد کردند حتی بزودی سرتاسر مملکت افغانستان محکوم فاتحین عرب گردیده دردو نیمقرن تمام یعنی عرصهٔ دوصدوپنجاه سال افغانستان ما در قلمرو خاك‌های جغرافیائی خود مالك یك حکومت واحد ملی نبوده و به تشکیل یکدولت آبرو مندی که زمام ادارهٔ کل مملکت بدست خود اولاد افغانستان بوده باشد موفق شده نتوانست .

در ضمن نهضت اسلام باین سرزمین اگر بعضی حکومات از قبایل مختلفهٔ افغانستان ظهور کرده است آنها هم بواسطهٔ تشتت عقاید و آرای عموم ملت به توسیع یك حکومتی که اقلاً جغرافیای افغانستان موجوده را حایز باشد کامیاب نشده حکومات آن حکمرانان بواسطهٔ

نداشتن استحکام ملی و اتحاد عمومی اهالی چون ستاره های سحری در قبال اوقات مختصری در خشیده ومحو گردیده اند مثل : طاهری ها ، صفاری ها ، سامانی ها و غیره بهر حال از آغاز این استیلا تا اوایل قرن چهار هجری ملت افغانستان علاوه براینکه در اثر نفاق های داخلی و عدم تمکین بیك پادشاه ملی مرکزی بلافاصله استقلال و حاکمیت شان را باخته و اقبالی برای شیرازه بندی کشور خود یافته نمیتوانستند ، فاقد دیگر مزایا ووسایل مدنی نیز شده ، درین مدت اقتصادیات ، تجارت ، صنایع ، عمرانات و غیره نیز به نهایت درجه خرابی و پستی رسیده بود .

عصر سلطان محمود غزنوی وتأمین سعادت عمومی

چنانچه در مبحث فوق گفتیم احساس لا مرکزیت و نفاق ملت نسبت بسلطنت قومی موجبات پریشانی و بد بختی عامه را از لحاظ تمدن و اقتصاد فراهم کرده و اقتدار ملت افغانستان را به کلی خسته نمود ، بالعکس در عصر زمامداری شاهنشاه بزرگ اعلیحضرت سلطان محمود غزنوی که هم ملت افغانستان در دهاو متاعب گذشته خیلی منز جرو خساره مند گردیده و طالب یك مرکز بااقتدار بودند و هم این سلطان بزرگ ووطن پرور حوائج ملت را از هرجهتی سنجیده و ذات خودش را برای تمرکزهمه رشته‌های در هم و برهم ملی مفید و موزون میدانست ، لهذا به امر زمامداری پرداخته ملت افغانستان که سراغ کفایت ووطن دوستی را در وجود این شهریار بزرگ داشته و برای سرپرستی وطن خراب وملت متفرق وپریشان خود بهتر از وکسی را نمیشناختند از صحاری وجبال افغانستان در خدمتش شتافته باعشق وعلاقهٔ مخصوصی فرمان این پادشاه را گردن نهادند .

در نتیجهٔ این اتحاد دولت وملت افغانستان آن روزه وتمکین واحترام عامه به شخص سلطان وقت سعادتی را مملکت دارا گردید که تاهنوز صفحات تاریخی ما از ذکر آنروز های مسعود ومترقی افغانستان روشن وموجب سربلندی و افتخار این ملت در داخله وخارجه شناخته میشود . کذا در عصر باقی سلا سلهٔ غزنوی وسلاطین غوری که در انقضای دوعصر تمام این ملت نجیب در تحت رایت این سلاطین شریف ملی خود به کمال عزت واحترام زیسته وشهر های افغانستان مهد علم و تمدن مجللی بشمار بوده و تاهنوز آثار برجستهٔ آن حاضر و شاهد مدعا میباشد نیز در تأثیر همین مطلب بوده است یعنی زمام داری شخص کافی و لایق ، اطاعت و احترام ملت نسبت بوی .

وقتا که ما آن روز های برجسته و مترقی افغانستان را در تاریخ تدقیق نموده و سرگذشت آن پیشرفت و ترقی وخوش بختی را معلوم میکنیم ؛ می‌بینیم فقط سبب کلی و وسیلهٔ یگانهٔ آن اتحاد دولت وملت آنروزه و عقیده و احترام و اعتماد ومحبت افراد جامعه نسبت بشخص سلطان وقت بوده است . گویا ارتباط و علایق صمیمانهٔ ملت و حکومت آنروزهٔ افغانستان چون سد آهنین محکمی نظام امنیت و تمدن مملکت را و قایه کرده دست حوادث سوء و پیش آمد ناهنجاری را مجال ایذا و مزاحمت نمودن نمیداد . آخراً همان ایام پر عظمت و مترقی و همان روز گار مجلل و در خشندهٔ افغانستان قرون ٦ ، ۷ هجری در اثر سانحهٔ نفاق اقوام داخلی که قسمتی در تحت رایت اخلاف غوری و بعضاً تابع حکومت ملوك بامیان مانده و قسمت های عمدهٔ نیز ازین اهالی در حصص جنوب وشرقی مملکت اسماً رعیت ورسماً بحال باغی گری وعلاقهٔ خود شانرا از مرکز سلطنت غور قطع کرده بودند ، آنحکومت ملی و شوکت قومی افغانستان لگدکوب سم ستوران اغیار واجنبی شده،زمانهٔ تورکان سلجوقی و خوارزم شاهی وعهدی هم چنگیزیان باتسلط قاهرانه باین مملکت فرمان روائی میکردند مخصوصاً قهاریت مغولهای چنگیزی و ارتکاب شان بآن اعمال وحشیانه از قبیل خرابی و احراق بلاد،قتل عام نفوس وغیره پاداشی بود که ملت افغانستان در نتیجهٔ نفاق های داخلی و خود سری و عدم علاقه داشتن بحکومت قومی خود بآن گرفتار آمدند ،آن زمانه‌ها یعنی ازآغاز استیلای قوم‌مغول تاعرصهٔ چهار صدسال دورهٔ خیلی منحوس و ایام پرشقاوتی بود که این ملت متحمل آن گردید چه ابداً درین دوره ملت افغانستان به تشکیل یك حکومت قومی که زمامدار آن از خود او لاد این کشور بوده و سعادت از دست رفتهٔ ایام پرافتخار غزنویان وغوریان را دوباره در افغانستان عودت دهند موفق نگردیده ذلت‌محکومیت حکام اجنبی را متحمل میگردیدند .

در آغاز قرن یازده هجری که باب توبه بر روی این ملت مفتوح شده و رحمت خداوندی گناه جهل و نفاق اهالی را عفو فرمود و ملت نیز در نتیجهٔ تحمل یك زمانهٔ طولانی ، بذلت وبد بختی تجربهٔ کاملی حاصل کرده و قیمت یك حکومت قومی را می فهمیدند دران موقع یك شخصیت بزرگ و داعی مدبر ولایق دوباره از افراد خود شان مثل اعلیحضرت احمد شاه کبیر قیام نموده و به تشکیل دو بارهٔ سلطنت وسیع وقویم کشور افغانستان آغاز نمود ، ولی موفقیت ها وپیشرفت سریع السیر حکومت آن پادشاه بزرگ را باید از نقطهٔ نظر تاریخ تدقیق

نمود که آیا کدام وسیله موجب آنهمه کامیابی او شده بود ؛ اعلیحضرت احمدشاه غازی و فرزند نامور آن اعلیحضرت تیمور شاه البته سلاطین باعزم ، پاك نفس ، شجاع ووطن دوست بودند و مزید باین صفات خیلی بخوبی از عهدهٔ ادارهٔ مملکت می برآمدند ولی چیزیکه زمینه را برای کامیابی و پیشرفت آنهمه خیالات و نقشه های بزرگ شان مستعد می نمود همانا اطاعت ، اعتماد ومعاضدت ملت افغانستان بوده ابداً یکنوع جریانات مخالفی که دلگرمی ومحبت این شهریاران عالی را اخلال کند از طرف اهالی ورؤسای ملی افغانستان مقابل شان ظاهر نمیشد بلکه اگر کدام متجاسری ارادهٔ بداندیشی را نسبت بحکومات موصوفه مینمود از طرف عموم ملت بانهایت تنفر واکراه تلقی شده حمایت و همراهی دولت خرد را بحیات و منافع شخصیه خود خیلی ترجیح میدادند ، از همین لحاظ عرصهٔ پنجاه سال خیلی ملت افغانستان بعزت و خوشی و کامرانی گذرانیده یکوجب از خاك های طبیعی و متصرفی شان نقصان نپذیرفت ، ولی همین ملت موقعیکه نیات و رفتار خود شان را تغییر داده و بحکومت پادشاه دانا و مقتدری که غربیان ناپلیون شرقش میخوانند یعنی اعلیحضرت شاه زمان به نفاق آغاز نموده و بین آن پادشاه مبرور و برادرانش آتش نزاع را مشتعل و بعنوان طرفداریها و ترجیح دادن یك بدیگر قیام ورزیدند ازان روز الی زمانه های نزدیك گذشته یعنی چند سال قبل بروز سیاه نشسته استقلال وطن را ضایع و مدنیت مملکت را خراب و از کشتار های عظیم ضرر بزرگی باجتماع ملت خود وارد کردند و بواسطهٔ همین گونه مشغولیت های داخلی سالیان متمادی ازقوافل ترقی و تمدن باز ماندند .

لهذا این مثالهای تاریخی بما ثابت و مدلل مینماید که موجبات صحیح و مسلم ترقی کشور ، امنیت عمومی ، آبادی بلاد ، سعادت اجتماع ، بسط تمدن و غیره وسایل خوشبختی عموماً در ملل شرق آنروزه یا افغانستان امروزهٔ ما (که از نقطهٔ ساختمان فکر و طرز معاشرت و سویهٔ اخلاق با افغانستان عصر احمد شاه تفاوتی ندارد) فقط و فقط مربوط بوجود یك پادشاه مقتدر دانا و وطن دوست و خوش سابقه میباشد .

طوریکه در خلال سطور گذشته گفتیم از نقطهٔ نظر ادارهٔ افغانستان کنونی ما با عصر احمد شاه ابدالی از لحاظ تحولات مدنی ، اخلاقی و علمی تفاوتی نکرده با که از جهت هنگامهٔ خون ریزی های داخلی و آمیزش طوایف اجنبی و غیره اکتساب عادات ردی و مضرات

اخلاقی هم نموده است البته ادارهٔ لازم دارد که آن عبارت از ارادهٔ شخص اول مملکت و استشارهٔ صنا دید و برجستگان ملت میباشد . در عصر شهر یاران بزرگ و نامی گذشته غالباً همین اقتدار کامله سلاطین و بطور غیر رسمی استشارهٔ بزرگان قوم چرخ های ادارهٔ مملکت را بکار می انداخت ولی امروز که افغانستان ما رسماً دارای مجلس ملی و اعیان مرکب از نمایندگان ملت و دولت و برجستگان است البته ما بیشتر امید وار شده می توانیم که کار های اداری و مطالب مملکتی ما نسبت به گذشته خوبتر و بهتر شده برود ؛ و با ثبات این مدعا کارنامه‌های قابل قدریکه درین چهارسال وچند ماه‌ایام‌تا-یس‌دولت‌محمد نادر شاه غازی‌شده‌است بهترین شاهد و مبین مدعا است .

فقط ما از تذکار مطلبی ناگزیریم که آن عبارت از اعتماد و همراهی ملت است با حکومت یعنی برای پیشرفت همین پروگرامیکه حکومت نادر شاهی تعیین فرموده و روز مره عملی شده رفته است قناعت و انقیاد داشته و نباید راه رفته را دو باره طی کنیم یا در قطع این طریق حیاتی حکومت فعلی خود را که پیر و افکار و عملیات صحیح شاه فقید است همراهی نکرده و به تنهائی بگذاریم .

یگانه موضوع مهم و نکتهٔ قابل تدقیق همین مطلب است و اگر برای این موضوع حالات گذشته و موجودهٔ چندی از ملل و ممالك معاصر را مثال بیاوریم بیمورد نخواهد بود :- همسایهٔ نزدیك ما ملت محترم ایران در سایهٔ هزار گونه مساعی و جان بازی بالاخره بقایم کردن حکومت ملی و تاسیس دارالشورا موفق شدند ۳ سال از عمر حکومت پارلمانی در ایران منقضی شد هر روز یك کابینهٔ جدید روی کار آمد . اعضای پارلمان تبدیل و ادوار مجالس تجدید میشد ولی روز مره به مشکلات سیاسی و اقتصادی ایران افزوده فغان وطن پرستان و فریاد ترقی خواهان بآسمان بلند می شد ولی روزیکه ملت ایرانی بانتخاب شخص کافی و کار دان و رجل مقتدری مثل اعلیحضرت پهلوی موفق شده و زمام ادارهٔ کشور خود را بکف او سپردند ، ایران کنونی در ظرف ده سال یا بیشتر از تحمیل خسارات نا جایز خارجه سبکدوش شده نایل نظم و ترقی داخله ، قشون مرتب ، امنیت عمومی و غیره گردیدند امروز می بینیم که هر نوع سعادت و خوشبختی در کشور ایران از نتیجهٔ کفایت و ابراز قابلیت تاجدار فعلی آن به عمل می آید .

کذا ملت تورك با وجود حکومت ملی وهزار گونه تدابیر عصری از بلیات مختلفهٔ که وجود مملکت شان را ا تیلا نموده بود تخلیص گریبان نتوانسته فقط دست قوی ونیرو مندی مثل مصطفی کمال لازم داشت تامملکت و ملت تورکیه‌را سرو صورتی بخشیده عظمت وافتخارات مفقودهٔ تورك را دوباره عودت دهد .

عقلای اداری وعلمی اجتماعی میگویند : پیشرفت وترقی ممالك وبهبود حال ملل وابستهٔ تغییرات رژیم حکومت و هیچگونه قوانین وتنظیمات اداری نیست بلکه سویه علمی واخلاقی اقوام باقتدار و خدمات زمامدارانِ جدی و دلسوز موجبات سعادت و خوش بختی ملل‌را فراهم می آورد ! این‌مسئله بقدری روشن و آشکار است که نظایر آنرا فعلاً در ممالك معروفهٔ مغربی هم دیده میتوانیم ! مثلاً درظرف یکمدت طولانی حکومت ایتالیا پارلمانی و زمام اداره بدست ملت بود ولی مملکت ایتالیار وزمره بضعف وانحطاط رجعت کرده موقعیت خیلی نازك و درهم‌را بین‌اقران پیدا کرده بود ، همینکه زمامدار دلسوز ومقتدری مثل‌موسیولینی پیداشد وملت بعدازتجربهٔ کمی دانستند که شخص‌وی برای‌پیشبرد مهمات کشور ایتالیا ورفع مشکلات آنها کافی ومقتدر است پس‌امر وفرمان اورا گردن نهاده باخیالات و پروگرامش همراه وامروز است که آنمملکت نایل ترقیات فوق‌العاده شده و ازجملهٔ دول درجه اول دنیا محسوب میشود .

مملکت جرمنی بعدازحرب عمومی الی سال گذشتهٔ جمهوری بودولی این جمهوریت بزرگ ازسلاسل معاهده ورسای تخلیص دست وپا نتوانستهٔ سرمایه‌های ملی نذرتاوان جنگ میگردید وجود احزاب وپارتی‌های مختلف سیاسی هنگامهٔ مدهشی‌را درآنمملکت برپا کرده خط مشی ملت وحکومت مغشوش و هر روز بسکته گرفتار میشد . امروز شخصیت فعال‌ومقتدری مثل‌هر هتلر زمام ادارهٔ وطن را در دست گرفته و مقتدرانه برای رفع نواقص ومشکلات جرمنی میکوشد حتی اخباریومی دنیا هرروز مژدهٔتازهٔ ازنظم واعتبار و بهبود اوضاع اداری وسیاسی آن‌سامان بعالم نشرمیکنند .

امیداست درایراد این‌مثالها خوانندگان اشتباه نکنند که ماطرفدار یگانهٔ رژیم مطلقیت واستبدادیم ! نی بلکه مامی‌خواهیم بهموطنان عزیز که تازه ازپرتوعصر درخشندهٔ حکومت فعلی بطرز اداره وچگونگی احوال سیاست مملکتی آشناشده و میشوندبواسطه اینکه درطرز تفکر و اندیشهٔ آنهااشتباهی واقع‌نشود میل‌داریم بگوئیم تشکیل وطرز تأسیس حکومات

تابع مقتضیات اخلاق واجتماعی اقوام است وهرقوم از لحاظ طرز تفکر وعقاید مخصوصه خود حکومتی می‌پذیرد که موافق بذوق وقناعت فکریه اکثراهالی آن مملکت بوده باشد .

پس اگرما درین مبحث واضح‌تر داخل شویم میگوئیم صرف نظر ازطرز واسلوب حکومات وچگونگی اخلاق وطبایع ملل تاریخی افغانستان فقط ماباید درزمینهٔ افکار و خواهشات ملت معاصر افغانستان وحکومات عصر حاضر آن بحث کنیم .

حکومت سابق حکومت سابق پیشتر ازاینکه اطلاعی ازاخلاق ، روحیات وطرزتفکر وخواهشات ملت خود بهم رساند فقط مقلد تمدن مغربی بوده ومی‌خواست تحول جدی درحال ملت ومملکت واقع کند در صورتیکه غالب وزرا وپارتی و دوستان شاه‌سابق همدرد وهم‌نوای ملت وقوت اداری او مرکب ازطبقهٔ قدیم وهم فکرسایر طبقات ملی بودند لهذا چون پروگرام دولت تماماً برخلاف تمایل ملت بود؛ ملت افغانستان از نهایت مجبوریت برعلیه او شوریده بخلعش قیام نمود .

حکومت سقو بقدریکه ملت ازامان الله خان افراط کاری دیده و اعمال اورا خلاف استعداد فکری ومنافع مملکتی میدانستند سقورا بهمان‌اندازه در حضیض پستی و تفریط دیده بقلع‌وقمع آن نیز اقدام ورزیدند ، گویا ملت نجیب افغانستان باوجود عدم‌اطلاع ازاوضاع جهان وفقدان علم‌ومعارف محض‌تحریك عقل سرشار طبیعی وذکاوت خداداد فهمیدند که نه‌حکومت افراطی نه‌زمامدار تفریطی بدردآنها خورده و مشکلات زندگانی شان‌را آسان میکنند .

هنگامیکه تاجدار بزرگ وقاید نیرومند دانا اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید طپایش و بدبختی ملت را در شکنجهٔ اشرار سقوی ملاحظه فرموده و برای استخلاص قوم خود از پنجهٔ ظلم و جهل قد مردی را علم و بنیروی بازوی توانا مملکت را ازان فشار بدبختی نجات ارزانی فرمودند ، برای انتخاب یك حکومت صحیح ملت را دعوت و نهایت آزادی و استقلال رای بخشیدند و ملت قدر شناس افغانستان اگر چه می بایست دراذای این خدمت بزرگ ونجات‌یافتن ازان بلیه‌سترگ بدون تفکر زمام مهام خودرا بکف با کفایت اعلیحضرت شان تسلیم کنند ولی با آنهم رجال معروفه مملکت خود را از روی اخلاق و سابقه و اندازهٔ کفایت و استعداد حکمرانی یگان یگان سنجیده و جز ذات همایونی هیچکدام را لایق

و فراخور اینمقام ندانستند یعنی سایر افراد ملت اگر بلحاظ خدمات برجسته و حسن سابقه تمکین بحکومت اعلیحضرت ممدوح نمودند ؛ عقلا و بر جستگان ملت از لحاظ دیانت ذات همایونی را شخص دیندار از لحاظ امانت و صداقت بکشور شخص اول امین و صدیق و از جهت مراعات به عادات و مقتضیات فکری و اخلاق ملت ذات بصیر و دانا و از جنبهٔ معارف دوستی و طرفداری به تمدن خوب عصر مروج و مربی یگانه دانسته و متیقن گردیدند که ذات همایون شان نظر باستعداد خداداد وفوق‌العادهٔ که دارند در حدود اعتدال و تدبر با مزاج قدیم و جدید ساخته وادارهٔ مملکت را بطوری خواهند نمود که افغانستان از افراط کاری در پرتگاه عدم سوق نشده و از تفریط هم در حضیض ذلت نماند .

سلطنت و زمامداری اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید حقیقتاً مرغوب و محبوب تمام طبقات ملت افغانستان واقع شد یعنی از نقطهٔ نظر روحانیون و علمای اسلامی این کشور احکام شریعت غرای احمدی که در نظر عقلا و متفکرین بهتر و برتر از هر قانون موضوعی امروزه دنیای متمدن است جاری شد ، قانون اداری ، معارف عصری ، اسباب و وسایل مدنی از نقطهٔ نظر و خواهشات جوانان جاری گردید ، حفظ مراسم و شئون ملیه که ملت افغانستان آنرا با جان و حیات خود برابر میدانند مراعات گردید . و الحاصل تفصیل کار نامه های درخشنده که درین موقع بوسیلهٔ آن حکومت دانا و مدبر عملی شده ما در فصل آتی متذکر شده عجالتاً بهموطنان عزیز اظهار مینمائیم ، حکومتی که مقرون بافکار و خواهشات عامهٔ ملت افغانستان است ، حکومتی که در دهای ملی ما را درمان میتواند ، حکومتی که محبوب جوان و پیر است ، حکومتی که با همین رویه و طرز عمل میتواند افغانستان را از حوادث ناخوب خارجی و داخلی حفظ کرده وسد بزرگی بروی اختلافات نظر طبقات ملت واقع نماید ، حکومت اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید بود و باز حکومت فعلی فرزند رشید شان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نجیب است . خوانندگان عزیز میدانند سوابق اشخاص و عملیات آنها چه درموقع اقتدار بزرگ چه در هنگام ماموریت های کوچك معیار خوبی ولیاقت آنهابشمار بوده وموجب قناعت واطمینان شده میتواند لهذا برای ثبوت مشروحات فوق لازم افتاد ما بهموطنان عزیز واولاد وطن دوست افغانستان افکار ونظریات وخدمات آن نابغهٔ بزرگ ودوستدار صمیمی وطن را ایضاح کرده و بگوئیم هموطنان امروز موقعی است که

دست حوادث بشدت موجودیت وسعادت فعلی ماراتهدید میکند ! پس اگرماخواسته باشیم بدست خود رخنهٔ برای نزول بلیات و حلول حادثات مشئومه وارد نکنیم باید واقعات تیره و نار و حادثات ناهنجار دهر را از نقطهٔ عقل و خرد سنجیده و برای تقویه و استحکام حکومت فعلی خود که ناشی از اراده و افکار ملت است کوشیده و در تحت رایت همین حکومتی که ما و پدران پیر وعلما وروحانیون ما دوستانه ومتحدانه درتحت رایت آن جمع شده میتوانیم باید وجود اینحکومت را از عطایای الهی شمرده و نگذاریم فتوری در ارکان و اساس آن واقع شود !

ضمناً باید ملتفت شد که در ملل عالم و متمدن امروزه ممکن است رجال لایق و قابل اداره زیاد پیدا شود ولی ملت ما بکلی فاقداین نعمت بوده وجز اتکال برجال محدودی دیگر وسیلهٔ ندارند .

در هنگام شورش خانمان سوز افغانستان ما دانسته و تجربه نمودیم که بچه اندازه فاقد رجال صحیح و توانا میباشیم زیرا هر شخصی که بوی امیدی میرفت منکوب قدرت اشرار شده و ما را بحال بیکسی گذاشتند فقط ذات مقتدر و نیر و مند اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی بود که دست حمایت‌از آستین مردی ومردانگی کشیده ومارا ازان مهلکهٔ مدهش نجات بخشید امروز باز کسی که میتواند کشتی شکستهٔ مارا بساحل مقصود رساند ذات لایق و توانای فرزند نجیب شان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه جوان خواهد بود !

امروز ما اولاد های مملکت که هنوز ابراز قابلیتی برای خدمت وطن نتوانسته ایم ، فقط میتوانیم در سایهٔ خدمت و اقدامات جدی این پادشاه جوان مفاخری برای اولاد و نسل آتیهٔ افغانستان حاصل کنیم ، امروز اگر چه افکار وطن دوستی و عزم ترقی خواهی این شهریار بهمه حال از تعاون ما و امثال ما بی نیاز است ولی برای اینکه ما در تاریخ تجدد و جوانان افغانستان عصر کنونی حصهٔ داشته باشیم البته ابراز فعالیت و خدمت و محبتی باینحکومت شریف لازم است تا ما ها هم در قبال خدام وطن یعنی رجال عصر موجوده بشمار آئیم .

آخراً برای توضیح مطالب متذکرهٔ گذشته که آیا برای افغانستان امروزهٔ ما چگونه عاملی کار کرده میتواند و بچه ترتیبی ما موفق باصلاحات امور کشور خویش گردیده و به بدبختیهای خود خاتمه داده میتوانیم ؟ این مطلب را باید توضیح نمود .

ذات اعلیحضرت محمدظاهرخان‌شاه جوان‌بخت افغانستان طرف‌راست همایونی ع ، ج ، والاحضرت غازی‌سردار شاه محمودخان
وزیر حربیه و سپه سالار طرف چپ ع ، ج ، والاحضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار

گفتیم ملل و ممالك جهان نظر بمقتضی طبایع و اخلاق و بقدر قناعت فکریهٔ خویش حکومتی تشکیل داده و در زیر رایت آن متفقاً جمع میشود .

ملت افغانستان ما طوریکه در بالا ضمن امثلهٔ تاریخی اشاره کردیم حکومتی می خواهند که اولاً زمامدار کل از روی نجابت و سابقهٔ روشن بر جستگی و ممتازیت قومی را دارا باشد، ثانیاً زمامدار افغانستان ، پیرو مذهب و متدین بوده و باخلاق شریفه متخلق باشد ، ثالثاً چون این ملت عموماً مردانه و شجاع و عفیف اند زمامداری را انقیاد و اطاعت میکنند که درین صفات نسبت بسایرین امتیاز داشته باشد و زمامداری که باین صفات آراسته است طبعاً قوهٔ امانت ، صداقت ، وطن دوستی ، ملت پروری در وجود او حکمفرمائی میداشته باشد .

پس حالا حکومت شهریار شهید خود مان را از روی همین هویت ممتاز قوی و حسن سابقه و عملیات شاندار وطن پرورانه و احساس نجیب دیندارانه دیدیم که باتمام آمال ونظریات ملت ما موافق بوده و انتخاب آن شهریار بزرگ را ملت ذکی افغانستان تماماً مقرون بعقل و مصلحت مملکت نموده و امید است امروز هم فرزند نجیب شان نیز بتواند ما و مملکت مارا در شهراه امن و عزت مثل پدر نجیب خود سوق دهد ، چه سوابق درخشندهٔ این تاجدار لایق همه دلایل امید واری و براهین عقیده مندی و تمسك کاملیست برای آنچه ما مکنون و منظور داریم ، ضمناً برای تثبیت مطالب گذشته و امید واری سایر هموطنان و هم تقدیر خدمات و مساعی وطن پرورانهٔ شهریار شریف اعلیحضرت محمد نادر شاه مرحوم مختصری از سوابق درخشنده و خدمات برگزیده و ذیقیمت شانرا درین اوراق مختصر متذکر می شویم . چه ما این نمره را بافتخار خدمات و سوابق مجلل آن شهریار فقید ترتیب داده ایم .

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی

تاجدار شهید افغانستان

اعلیحضرت محمدنادر شاه غازی فرزند سردار محمدیوسف خان مرحوم از بزرگترین رجال در بار اعلیحضرت امیرحبیب الله خان شهید ، نواسهٔ سردار یحیی خان مغفور نبیرهٔ سردار نامدار سلطان محمد خان والی افغانستان در کشمیر و برادر بزرگ مؤسس دوم سلطنت افغانی اعلیحضرت دوست محمدخان امیر کبیراست . در طائفهٔ محمدزائی افغانستان خانوادهٔ اعلیحضرت همایونی برجستگی و احترام داشته و همواره مصدر خدمات مهم و قابل قدری برای وطن و کشور خود شده اند .

از دیگر سووالدهٔ ماجدهٔ اعلیحضرت همایونی نبیرهٔ همان پادشاه بزرگیست که افغانستان در عصر زمامداری او باوج عزت و اعتلا رسیده بود یعنی اعلیحضرت احمد شاه غازی زمامدار و قائد کبیر یك و نیم صد سال قبل افغانستان .

اعلیحضرت همایونی را نظر بعلاقه وعشقیکه پدر معظم شان برای خدمت گذاری وطن عزیز خود داشتندبا نهایت درجهٔ صحیح و موزون تربیه نموده و عموم خانوادهٔمحترم شان مثل برادران و بنی اعمام ذات ملوکانه مطابق باخلاق شریفهٔ انسانی و مقتضیات مذهب منیف اسلامی و معلومات کافیهٔ عصری ازعلمای متبحر اسلامی و اساتیذ لایق داخلی و خارجی تعلیمات حاصل کرده بودند .

مخصوصاً چندین سال زنده گی و تعلقات معاشرتی ذات ملوکانه‌در دربار سلطنت عهد امیر حبیب الله خان شهید درکابل بروش جهانداری ، و طریق بزرگواری و فهمیدن از راه و رسم مملکت داری و تمام رازهای ملی و اخلاق و طبایع قوم را شناختن و سیلهٔ خوبی برای اکتساب و معلومات ذات همایونی بشمار میرفت .

مخصوصاً خانوادهٔ نجیب اعلیحضرت غازی در مرور چندین سال بطرزی امرار و معاشرت مینمودند که یکطرف بهیچوجه از اوضاع محیطی و معلومات عصری بی خبر نمانده و برای دولت و ملت خود منهمك خدمات و مجهودات می بودند دیگر سو بقدری از آمیزش غیر لزوم مردم این کشور آسوده و برکنار بودند که ابداً اخلاقیات مضرهٔ محیطی را کسب نکرده از هر گونه آلایشی محفوظ و مصئون ماندند مثلاً هیچکدام از هموطنان عزیز ما بیاد ندارند که این خانوادهٔ

ذات اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید

موقع جنرالی اردوی کابل سال ۱۲۸۷ شمسی

شریف مصدر امری ازامور خلاف مذهب و اخلاق شده باشند یایکنوع اذیت فکری و عملی شان بافراد جامعه رسیده باشد ، گویا حسن سلوك و اخلاق و عفت نفس و پاکدامنی را بین سایر طبقات افغانی این خانوادهٔ نجیب ممتازاً دارابودند .

آغاز خدمات رسمی اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی در مملکت

ذات همایونی همینکه ادوار طفولیت را الی سن رشد تماماً بتربیه و تعلیم و آموختن رسوم و عادات خوب و صحیحهٔ ملی صرف نمودند آخراً نظر بذوق طبیعی و مشق و ملکاتیکه قبلاً در امور حربی داشتند وهمیشه در در بار امیر شهید نسبت باصلاحات عساکر مملکت افکار و آرائی خوبی اظهار می نمودند لهذا در سال ۱۲۸۲ شمسی در یك دستهٔ سواران قشون شاهی بمنصب کند کمشری تعیین گردیدند و بالآخره از عهدهٔ ادارهٔ این دسته قشون معیت خود بدرستی برآمده نمونهٔ قابل قدری نسبت بتربیه و اصلاحات آن دستهٔ عسکر ظاهر و بحکومت وقت اندازهٔ لیاقت و قابلیت خود شانرا اثبات فرمودند گویا برای اظهار کفایت و قابلیت اعلیحضرت ممدوح رسمیت و منصب کند کمشری یکعده قشون شاهی یك زمینهٔ امتحان و آزمایش خوبی بود حتی در اثر همین مطلب بعداً برتبهٔ جلیلهٔ غند مشری تمام قشون خاصه منصوب و سپس در سال ۱۲۸۷ شمسی که اصلاحات و تنظیمات مرغوبی در قشون نموده و از طرف تمام دوائر عسکریهٔ افغانستان محل تقدیر و تمجید واقع گردیده بودند برتبهٔ رفیعهٔ جنرالی ارتقا یافته حوضهٔ مأموریت و خدمت شان درصنف عسکری وسیع ترشد و لی آن ذات کار آگاه و صاحب منصب قابل و فعال وطن درارتفاع هررتبهٔ بیشتر ابرازقابلیت و لیاقت فرموده و بیشتر موجبات خورسندی اولیای امور و انتظام عساکر مرکزی را فراهم می‌نمودند .

ابرازقابلیت ذات شاهانه در نخستین مطالب کشوری

در سال ۱۲۹۰ که از جملهٔ قوم سلحشور جنوبی طایفهٔ منگل نسبت بمظالم و اجحاف حکام محلی خود برعلیهٔ حکومت امیر شهید اعلان بغاوت نموده و مسئله بقدری وخامت پیدا کرده بود که باید تمام اهالی جنوبی درین اقدام منگلی ها شامل شده و نظر بنواقص و معایب مختلفهٔ ادارهٔ مرکز که البته از طرف قوای شورشی ها حکومت وقت سقوط میتوانست و اعلیحضرت حبیب الله خان شهید وارکان دولتش از وخامت امر دانسته وتماماً مایوس از فرو نشانیدن آن آتش شده

بودند ولی همان قائد دلاور داو طلب رفع شورش جنوبی شده وبا همان منصب جنرالی ویکمقدار از قشون معیت ذات شاهانه بمنطقهٔ شورش عازم وبایك تدبیر فوق‌العادهٔ اهالی را ساکت وتسلیم ساخته بدون اینکه خسارهٔ مالی و جانی باحدی واقع شود یابین ملت و حکومت تفاق تولید گردد کامیا بانه بمرکز عودت فرمودند ضمناً در اولین مرتبه یك ذاتیکه اهمیت مکاتب قومی را برای افغانستان احساس کرده و بتأسیس آن قیام فرمود ذات همایونی اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی بود زیرا پس از اینکه ذات همایونی از سمت جنوبی کامیا بانه بمرکز عودت میفر مودند یکعدهٔ زیاد از خانزاده ها و ملك زاده های آنسمت را بمعیت خود حاضر کابل ساخته ومکاتب قومی را که هم دارای نصاب علمی و هم عسکری بود برای شان دایر وازان مکتب ها در آینده نتایج مفیدی بعمل آمد .

والحاصل ذات همایونی دراذای آن‌خدمت بزرگ برتبهٔ نائب سالاری نایل شده و تنسیقات جدیدی درار دو های مرکزی بعمل آوردند، بالاخره حکومت امیر شهید نظر بملاحظهٔ آنهمه اصلاحات و ترقیات مهمی که در یك قسمت عساکر کابل شده بود مجبور گردید که زمام تمام قشون افغانستان را بکف با کفایت آن قائد قوی الاراده ودانای عسکری داده و ذات شان را بحیثیت سپه سالار و وزیر حربیهٔ افغانستان بشناسد .

خدمات مهمهٔ ذات همایونی در عهد زمامداری قشون مملکتی و آنهمه اصلاحات و ترقیاتی را که بصورت قشون عصری عساکر افغانستان در تحت نظارت و تربیهٔ شان حاصل نموده بود البته هموطنان در خاطر دارند که سوای همان قشون منظم وقشونیکه فعلاً در عصرتاجداری اعلیحضرت همایونی خوش بختانه تنظیم یافته دیگر هیچ ایامی افغانستان به تهیهٔ چنین قشون‌عصری موفق شده نتوانسته است .

قدم سوم در راهٔ تامین بزرگترین افتخارات ملی

هموطنان میدانند پس از سقوط استقلال وطن در سال ۱۲۵۷ هجری قمری که دو باره حکام افغانستان بتحصیل آن موفق شده نمیتوانستند و ملت ومملکت ما سال های متمادی باین اسارت وذلت مقید بودند آخراً در آغاز جلوس امان‌الله خان که حکومت برطانوی وی را مستحق سلطنت افغانستان ندانسته ورسمیتش را بسمت شاهی این مملکت نمی پذیرفت و وی‌مجبور باعلان جنگ شده قشوق مرکزی

وقشون متعینهٔ مشرقی را بمحاذات حرب سوق نمود وآنهمه قشون وقوت عسکری در جهات مشرقی شکست یافته تهانجات سرحد مشرقی تماماً بتصرف قوای خصم افتاده و حتی طیارات انگلیسی جلال آباد وکابل را هدف بمبارد قرار داده و حکومت امانی و ملت افغانستان آن اوضاع دالخراش را بارقت وتاسف معاینه میکردند در عین همان موقع یاس ونا امیدی که آن ذات لایق و سپه سالار مردانه و شجاع افغانستان صرف بحیثیت نفوذ و اعتبار شخصی و بکار انداختن قوای ملی نیز در جهات سمت جنوبی تعیین شده بودند برخلاف توقع عموم بزرگترین مراکز نظامی دشمن یعنی سنگر تل و وانا وغیره را اشغال فرموده وقوای خصم را برجعت وحکومت برطانی را بصلح وتسلیم استقلال کاملهٔ وطن مجبور نمودند .

گویا درین معرکهٔ هولناك چندین مطالب درسایهٔ شمشیر آن قائد غیور تأمین میشود: اول نجات مملکت از پیش قدمی ونفوذ عسکری دشمن خارجی دوم تامین رسمیت وسلطنت امان الله خان که حکومت برطانی اعتراف نموده و از عملیات خصمانه برعلیه پاد شاهی او خود داری نمود سوم حصول نعمت بس بزرگ و باقیمتی مثل استقلال کاملهٔ وطن که از عرصهٔ پانزده سال است ملت افغانستان در سایهٔ شمشیر ومردانگی آن قائد شرافت بخشای خویش بحصول آن نائل ومفتخر میباشند . میناریادگار درجادهٔ وزارت حربیه که حکومت امانی وملت افغانستان به تقدیر این خدمت بزرگ ذات همایونی تعمیر وبرپا داشته اند تاهنوز هر بینندهٔ حساس را تذکری ازان خدمت بزرگ ومفکورهٔ ازشرافت و وطن دوستی آن مرد بزرگ افغانستان میدهد .

دورهٔ خدمات کشوری واجتماعی ذات همایونی

۱ ـ اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی پس از ابراز این خدمت بزرگ یعنی حصول استقلال ملی گرچه دراوائل عهد حکومت امانی نسبت بامورعسکری افغانستان همان مجاهدات وتوجهات عالیه را نسبت به تنظیم امور قشونی افغانستان داشتند ولی درین موقع نظر بوظیفهٔ وزارت حربیه وشمولیت در کابینهٔ دولت راجع باصلاحات دیگر امور کشوری و اداری افکار و نظریات خیلی مدبرانه و حکیمانهٔ اظهار وهیئت دولت وشخص حکومت را مستفید میفرمودند حتی همان اصلاحات وحسن رویهٔ که درآغاز حکومت امانی مشاهده میشد گویا همه بقایی افکار ونظریات این حکیم دانشمند مملکت بوده است ، سپس اقداماتیکه شخصاً ذات ملوکانه درهمان عهد نسبت به اعمار واصلاح امورشهر ودوایر سمت مشرقی که در موقع محاربهٔ استقلال خرابی ونقصانات زیادی به آن واردشده بود به تلافی وتکافوی آن بذل مساعی

فرمودند همه درصفحات جراید وطن تاهنوز بتقدیر وطن دوستی وملت پروری ذات همایونی یادگار درخشانی میباشد .

۲ :بسال دوم حکومت امانی که اعزام هیئت های رسمیه درتحت ریاست بعضی وزرای دولت درولایات تعیین گردید ذات همایونی باعمال عهدهٔ وزارت حربیه وبصفت رئیس تنظیمه درولایت قطغن وبدخشان اعزام گردیدند .

هموطنان میدانندولایات افغانستان درانمواقع نظربعدم پرداخت مرکز وتسلط قاهرانه واحجاف حکام محلی بچه اندازه خراب و ملت پریشان بوده است مخصوصاً ولایت قطغن و بدخشان که اهالی بیچارهٔ آن همواره محکوم تعدیات بوده وعادتاً متحمل احجاف میگردیدند لهذا ذات همایونی درچنان ولایت خراب ودرهم موظف اصلاحات شده بودند .

خدمات و زحمت کشی های وطن پرورانهٔ آن شهریار شریف دران ولایت خیلی قابل وصف وازجملهٔ همان کار نامه‌های ذات همایونی بشمار میرود که همواره هموطنان امثال آن امور فوق العاده و کارهای درخشنده‌را ازان نابغهٔ مملکت خود مشاهده کرده‌اند چه اصلاحات امور معاشرتی ومدنی شهر واهالی تنظیم دوایر دولتی ، نظم واصلاح امور مالیات که ازصورت خس بری وجنسی بصورت نقدی تبدیل یافت وبعدازان به تمام افغانستان مالیات ازصورت جنسی به نقدی تبدیل گردیدو آسوده حالی زمین‌دار افغانستان ازهمان روز شروع شده وکذاتنظیم گمرکات ، اجرای قوانین دولتی که تازه‌وضع شده بود ، تاسیس مکاتب ، تعمیم مطبوعات ، اصلاح قشون وپولیس وغیره که هرکدام موقع وامرار مدتی لازم داشت همهٔ آنهارا درعرصهٔ یکسال وچندی ازقوه بمیدان عمل آورده اهل فساد و آنگونه اشراریرا که بهمدستی حکام خائن برمال وجان اهالی مظلوم مسلط میگردیدند بکیفر کردارشان رسانیده سر تاسر آنولایت را آسوده و خوشبخت فرمودند ، حتی تا امروز برادران آنولایت ما امتنان وشکریهٔ آن خدمات وطن پرستانه ذات همایونی را مینمایند .

کتاب رهنمای قطغن وبدخشان که مجموعهٔ تاریخی وجغرافی بلکه آئینهٔ سراپا نمای آن ولایت بشمار میرود محصول زحمات همان دورهٔ خدمات ذات همایونی که بصفت ریاست تنظیمیهٔ ولایت مذکور تشریف داشتند میباشد .

خسارات وطن ازدوری این قائد مدبر

هنگامیکه ذات ملوکانه این خدمت آخرین داخلی‌را بصفت رئیس تنظیمیهٔ ولایت خان آباد بانهایت شرافت و کفایت انجام داده و تشریف فرمای مرکز گردیدند ، موقعی بود که

ذات اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید

موقع وزارت حرب و سپه سالاری کل قوای عسکری افغانستان سال ۱۳۳۲ قمری

بعضی از اهل غرض فسادی در دربار کرده و افکار حکومت وقت را نسبت باوضاع اداری ، سیاسی و غیره ضروریات و احتیاجات ملی و مملکتی منحرف ساخته بودند گویا همان حکومتی که برای کار های خوب و مطالب سود مند مهمهٔ کشوری اظهار جدیت و عقیده می نمود تماماً متزلزل و معکوس شده و در روح مطالب اداری و اساسی مملکتی نفوذ مغرضانهٔ بعضی خائنین ومنفعت پرستان جا گزین گردیده بود . لهذا ذات همایونی که به هیچ وجه دیگر چارهٔ اصلاح فکر دربار و توجهٔ حکومت وقت را برای امور نافعهٔ ملی و اصلاحات اساسی امور وطن نمیتوانستند و هم در ضمن آن مجاری نا خوب یعنی تمایل بعضی از هیئت رسمی دولت بر ضد منافع صحیح مملکت خدای نا خواسته غباری بدامان پاك و بی آلایش شان نشستن ممکن بود لهذا ازین گونه قضایای مؤلم غمگین و ملول و حتی این تأثرات سبب بیماری جسمانی وجود مبارك همایونی شده عازم گردیدند که برای معالجه و ضمناً کناره شدن از محیط داخل مملکت بخارج تشریف ببرند ولی حکومت امانی ایفای وظیفهٔ سفارت افغانستان را در خارج بعهدهٔ ملوکانه تحمیل کرده و اعزام شدن شان را بممالك مزبوره بان شرط می پذیرفت لا بد ذات همایونی با وجود علالت مزاج و آن همه دل شکستگی قبول این ماموریت را فرموده به سفارت افغانی در پاریس اعزام گردیدند .

در ایام توقف پاریس با وجود همه گونه مایوسی از مجاری مرکز باز هم از ابراز علائق وطن پرستانه معطل نشده و پیشنهادات مهم و معقولی برای بهبود امور پولتیکی و اداری افغانستان بمرکز می فرستادند ولی مرکز مقابلهٔ نا خوب کرده و استقبالی که موجب دل گرمی و صمیمیت یك خادم صحیح وطن می شود نمی نمود ، بهر حال روز مره علالت مزاج همایونی رو باز دیاد گذاشته آخراً به قرار تصویب اطبای یورپ که محتاج معالجهٔ اساسی بودند استعفای قطعی خود شانرا بمرکز تسلیم و برای معالجه در جنوب فرانسه تشریف بردند .

آغاز بد بختی صریح وشدید وطن

درین موقع که نفوذ فکر و عملیات مستقیم یك فرد مجاهد و متفکر هوشمند وطن خواه یعنی اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی وزیر مختار و سپه سالار سابق افغانستان بکلی از دربار کابل معطل شده وذات همایونی بواسطهٔ حملهٔ بیرحمانهٔ مرض در یك گوشهٔ غربت و انزوا در خاك خارجه متوقف گردیده بودند ، حریفان دغل یا منفعت پرستان وطن فروش موقع را مغتنم شمرده از هر جانبی

برای چور و چپاول ملت و خرابی مملکت کمر بسته و بهر وسیلهٔ که ممکن می شد چشم و گوش حکومت وقت را بسته و به کمال وقاحت جلب منافع واحرازمواقع می‌نمودند و درهمین ایام بود که تعدی و مظالم مامورین بحد افراط رسیده و در تمام نقاط افغانستان ملت بستوه آمده بودند و همه طالب تبدیلی و بر انداختن حکومت وقت شده اظهار تنفر میکردند ، دیگر سو اعمال و پروگرام های حکومت مرکز بر خلاف مراسم و عادات ملی و مذهب محرك هیجان و اضطراب طبقات عوام و روحانیون و علمای مملکت شده و بالاخره هر طبقه از جهت علیحدهٔ به شکایت آغاز نمودند ، مثلاً علما از درد شریعت روحانیون از علت توهین تصوف و شعایر دینی ، رعایا از مظالم و احجاف حکام و مامورین ، جوانان صحیح از سوء اداره و باقی طبقات هر کدام از یك جهت معلومی ناراض و بد دل شده آخراً سازشی مغرضانه از طرف یکعده خائنین بر علیه حکومت واقع گردیده و برای پیشرفت مقصود خود دزد شریری مثل بچهٔ سقا را برای بر انداختن حکومت حاضر نمودند و همین که بچهٔ سقو بمیدان مبارزه حاضر شد چون عامهٔ ملت و عساکر ازحکومت ناراض و بد دل شده بودند هیچکدام در معرض‌مدافعه حاضر نشده آخراً امان‌الله خان بفرار مجبور و حکومت افغانستان نصیب سقو گردید .

وخامت کارحکومت گذشته نسبت به استیلای سقو

طبیعی در صورت ناراضی عموم ملت و قوای حکومت که باید هر قوت جزئی و کلی در افغانستان قابل اشغال سلطنت میگردید و از همین جهت بود که ملت از نهایت تاثر و ناراضی سقو را به امان‌الله خان ترجیع داده و زمام مهام خود را بدست آن دزد شریر سپرده و آخراً نادم شده بودند ولی زمامداری این دزد شریر از بزرگترین خطرات مهلك برای نابود ساختن استقلال و عظمت و شرافت افغانستان بشمار میرفت یعنی ارکان اقتدار حکومت سقو یك عده دزدان معروف و مشهور با الفسادی بودند که یك طرف برای اغراض حکومت غیر مشروع خود یك قوم بزرگ و شجاع افغانستان مثل اهالی سمت شمالی را بر باد می نمودند دیگرسو بین اقوام افغانستان و شمالی ها آتش جنگ و خونریزی را مشتعل ساخته روز مره به بر بادی وضعف قوا وسرمایه های ملی کوشیده راحت و امنیت مملکت را نابود کرده میرفت ، ولی با این همه چون در مملکتی مثل افغانستان در نتیجهٔ آنهمه بی مبالاتی و سوء ادارهٔ حکومت سابقه که ملت بجان رسیده و به خس و خاشاکی مثل سقو متوسل شده بودند البته آن دزد شریر در صورت موقع یافتن نظر با حساس و اقتدار جاهلانهٔ

خود هر گونه ضرر و نقصانی را که میتوانست نسبت به ملك وارد کند خود داری نمی نمود چه وجود سقو بلای بیدرمانی شمرده میشد بهر حال در جریان حکومت سقو مدعیان سلطنت در هر جا پیدا شده و بالاخره بواسطهٔ فقدان اعتبار و سوء شهرت سابقه بدست سقو محو و فرار گردیدند . آخراً قوهٔ اجباریهٔ سقو از لحاظ منفوریت رجال امان‌اللهی بی مانعی در تمام افغانستان تسلط یافته و بحیل مختلفی تمرکز نمودند . و هم نقاط مفتوحه یکی بعد دیگری با نواع شکنجه های اشرار معذب شده فاقد امن و هستی میگردیدند ، درین دورهٔ منحوس معارف بکلی خاموش ، جوانان و تعلیمیافته ها اسیر یافرار وطن شده لوازم ملت و سامان تعلیم هراج وحریق می شد ـ تشکیلات مملکتی برهم خورده اشراف ، معززین ، بر جستگان ملت مغضوب و محبوس و اوضاع عمومی مملکت بصورت قبرستان اموات تحویل یافته بود ، رقت و تاثرات رو باز دیاد گذاشته و مظالم دزدان در روح عامهٔ ملت موثر شده بود .

نجات وطن

در عین ذلت وبدبختی ، در موقعیکه یاس وحرمان سرتاسر مملکت را فرا گرفته و دست های عجز و تضرع باسمان بلند بود هنگامیکه نور امیدی در روزنه های آرزو نمی‌تابید ، درانموقع که خون های گلگون جوانان و وطن پرستان کوچه های شهر وخاك های زمین محبس را رنگین میساخت ، در همان ایام تیره و تاری که ملت افغانستان بتعزیهٔ کبرای نشسته زنها از فراق ابدی اولاد های جوان خود و اولاد های یتیم ازغم پدران شهید گریه وناله مینمودند ! آنروزیکه فرشتگان آسمان بدرد و الم و بدبختی ملت جوان و بیچارهٔ افغانستان میگریست ، در همان عهدیکه دشمنان بفضیحت و بدبختی‌مالب خندی میکردند و ما جز صبر و سکون یا باریدن قطرات اشك گلگون چارهٔ نداشتیم ؛ ناگاه دست نیرومند و قوهٔ توانائی از طرف جنوبی مملکت دراز شد ، خیال میکردیم خوابست یا عالم رؤیا ، چه سلطهٔ اشرار سقوی درد بیدرمانی بوده و نجات ازان مشکل مینمود دلها از بهجت می شگفت ولی مجال یقین نبود ! میگفتند همان فرزند مردانه و غیور افغانستان و همان ذات نجیب و وطن دوستی که در مواقع مختلفی چاره فرمای درد های ملی بوده است کنون باز بسروقت ملت و مملکت خود رسیده ولی ما مایوس بودیم چرا نظر بعشقی که باین مرد بزرگ مملکت خود داشتیم اطلاعات متواتره و کنج کاوی ها ما را مایوس ساخته و میدانستیم آنفرزند یگانهٔ افغانستان در نتیجهٔ بیرحمی و ظلم

و شقاوت اغیار وطن اسیر پنجهٔ مرض و در گوشهٔ مریض خانهای مغرب بیاد احوال زار وجسم بیمار وطن بستری شده اند .

ولی حقایق امر بر خلاف انتظار ما بود چه در شب ۱۵ ماه میزان سال ۱۳۰۸ کوس همت و مردانگی این قائد دلاور و این فرزند فوق العادهٔ افغانستان از زیر کوه های کابل بلند شده هلهلهٔ شادمانی فوق العاده از شهر و شهریان گوشه نشین بلند شد، دستها از پیر و جوان با سمان بالا گردیده موفقیت این اولاد شریف وطن خود را از خدا مسئلت مینمودند . چند ساعت مگر که شدید حرب بین قوای اعلیحضرت غازی و سقوی ها جاری بود فیر های مسلسل ماشین گن نعره های توپ های بزرگ کوه شکن از طرف قشون سقو شهر و کوهسار را بلرزه آورده بود ولی بمقابل نعره های شیرانه و حمله های دلیرانهٔ قشون اعلیحضرت غازی قلوب خستگان شهر را متسلی ساخته بطوری القا مینمود که گویا آیت فتح و ظفر حتماً در قبال مردی و مردانگی خویش دارند صبح شد و آثاری در شهر ازسقو و سقویان باقی نمانده بود و بر خلاف انتظار عموم حدس زده میشد که در معیت ملوکانه یکتعداد کافی قشون منتظم خواهد بود بالعکس فاتحین شهر عبارت از یك عده افغانان سمت جنوبی بودند که با اسلحه ناقص و اوضاع پریشان خود صرف سر مست محبت و تبلیغات و مدهوش امر انقیاد اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی شده و در تحت قوماندانی مرد دلاور و شجاعی مثل والاحضرت سردار شاه ولیخان فاتح کابل برادر کهتر ذات همایونی با عزم و همت مردانه از مرکز جنوبی الی شهر کابل قوای مدهشهٔ اشرار را بلا فاصله شکسته وکابل را فتح کرده بودند .

بعد از پیچیدن طومار سقو و سقویان این شهریار دلاور عازم مرکز شده و اهالی با ذوق و تشنگی تمام که بدیدار همایونش داشتند با ستقبال ذات ملوکانه شتافته و مشرف میگردیدند بالاخره مجلسی از صنادید و بزرگان و رؤسای قوم در حضور ملوکانه تشکیل یافته و ذات همایونی را نسبت باین خدمت بزرگ و بس ستوده تهانی و تبریك میگفتند و حضور همایونی بعامهٔ حاضرین اجرای این خدمت را بطور خیلی ساده و خالی از ریا تلقی و از حسن نیات وطن پرورانه برای نظم و ادارهٔ امور مملکت برؤسای قوم تکلیف فرمودند تا اسلوب و طرز حکومت و رئیس حکومت خود را تعیین کرده و بحضور

اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید

موقع سفارت افغانستان بدربار پاریس سال ۱۳۰۳ شمسی

همایونی معرفی نمایند یعنی میل داشتند موافق بآرای عموم ملت زمامداریکه تعین میشود اول کسی که بوی بیعت کند خود ذات همایونی خواهد بود ! ولی ملت قدرشناس و نجیب افغانستان درانموقع لکهٔ بتاریخ حق شناسی و وفاداری خود نگذاشته در اذای این خدمت بزرگ و ستوده مخصوصاً از نقطهٔ اعتمادیکه بکفایت و لیاقت و وطن دوستی و ملت پروری این قائد نجیب خود داشته و جز ذت همایونی او فراخور زمامداری کشور احدی را نمیدانستند لهذا بکمال محبت و میل و با الحاح و ابرام ذات همایونی را برای تصدیع امور سلطنت سنیهٔ افغانستان دعوت و بحضور مبارکش تقدیم بیعت نمودند . و این بیعت در تمام قلمر و مملکت بلا فاصله بکمال مسرت و خورسندی قبول شده و باتمام حقیقت و موذونیت سلطنت افغانستان بذات همایونی اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی مسلم گردید ,

دورهٔ خدمات ذات ملوکانه

بحیثیت شاهی افغانستان

برای اینکه ماهویت اخلاق واحساس وطن پرستی یك زمامدار نجیبی که فراخور مملکتداری واریکه پیرائی یك کشوری شده میتواند اظهار نموده و بگوئیم اعمال و سوابق و خدمات برجستهٔ اینگونه فرزندان بزرگ یك ملت چه در موقع اقتدار جزئی چه در هنگام مختاریت کلی همه شواهد و براهینی بشمار است که میتوان اولاد یك مملکتی بکفایت و لیاقت او عقیده مند بوده سعادت و ترقی آینده در خشندهٔ کشور خود را در قبال خدمت وزمامداری چنین قائدی امید وار انتظار باشند ؛ لهذا شمهٔ از سوابق آن تاجدار بزرگ و فقید افغانستان را بحث کرده و ضمناً بغرض تعقیب موضوع که لاحقه خدمات و احساس نفیس وطن پروانهٔ ذات همایونی برای برو مند ساختن آرزو ها و آمال ملی ما بوده و یك استناد قوی و دلایل قاطعی شمرده میشود شایران لازم افتاد مختصری هم از خدمات ذات همایونی را که درین ادوار کوتاه وایام معدود عصر زمامداری شان عملی شده ذکری ازان کرده باشیم .

امنیت وطن

در خلال شرارت سقو معلوم است مملکت دوچار چه نوع بدبختی و بحرانی شده برد چه نه تنها سقو مصدر آشوب وفتنه مملکت شده بلکه تمام طبقات متجاسره وشریر اهالی هرکدام با قوت های زیاد وکمی علم طغیان وخود سری را بر افراشته سلب راحت و امنیت از ملت کرده بودند ، ذات همایونی از اول جلوس به تسکین و امحای این گروه پرداخته ساحت مملکت را از وجود شان خالی گردانید حتی پس از محو شدن اشرار سقوی و ضمایم و بقایای بعد سقو دیگر اشراریکه در اثر تحریك بعضی مغرضین برای اخلال امنیت و تشویش حکومت در دیگر نقاط وطن مثل ابراهیم بیگ ، اتم بیگ ، دری خیل ها . تره کی ها و غیره قیام نموده بودند آنها هم بلا فاصله منکوب شده و امنیت کامله در سرتاسر وطن قایم گردید .

علاوتاً دشمنی ها و نفاق های داخلی اقوام که غالباً از عهد سلاطین سابق بر پا شده و در زمان شورش عمومی کسب شدت نموده بود و مولد بزرگ بدامنی وطن این مسئله شمرده میشد تماماً بحسن تدبیر و مساعی جمیلهٔ ذات همایونی اصلاح شده بین اقوام صلح و آشتی و مراوداتِ حسنه برادرانه قایم گردید که امروز بحمدالله تعالی تمام افراد ملت افغانستان خود شان‌را برادر صمیمی همدیگر میشناسند .

تأمین امور مالی و وسایل مملکتی

هموطنان میدانند بعد سقوط سقو خزائن و نقود دولتی و همه سامان و اسباب کار آمد اداره جات ، قور خانه و اسلحهٔ دولت و الحاصل آنچه دارائی حکومت گفته میشود همه بتاراج یغما گران و اشرار رسیده و اگر دو باره از اشرار چیزی حصول میشد آنهم مزد خدمت و مجاهدت قشون ملی سمت جنوبی میگردید گویا روزیکه ذات همایونی بمرکز ورود فرمودند دارائی ذات ملوکانه عبارت از قلعهٔ ارگ خشك و خالی کابل بود .

پس ازان که در اثر شمشیر و نیروی بازوی اعلیحضرت همایونی و برادران رشید شان و مساعی دگر خدام صحیح افغانستان مملکت مالك امنیت فوری شده و دوایر تشکیل و امورات بمحور خود تدویر نمود ، عواید دولتی مستقیما بخزانه جات مملکت وارد شده و از دستبرد اهل غرض مثل ایام سابق بر کنار میماند ، و هم صورت مصارف با یك سلیقهٔ موزونی اجرا شده دخل عواید مصروف تهیه وتدارك همان کار ها و وسایل ضروریه مملکتی میگردید که امروز در نتیجهٔ آن تدقیقات و سنجش های معقول الحمد الله خزاین ما دارای سرمایه های کافی و اسباب و وسایل اداری مملکت چندین مرتبه نسبت بحکومت گذشته بهتر و زیاده تر تهیه شده و معاشات مامورین کشوری و لشکری ما کافی تر و خوبتر نسبت بسابق اجرا میگردد با این که در مالیات و محصولات یك حبه بر علیه رعایا چیزی نیفزوده بلکه بعضی املاك دولتی با قوام یا اشخاصیکه برای وطن خدمت کرده اند از طرف دولت اعطا شده باز هم از لحاظ ربط و ضبط و انتظام اداری عواید گمرکی در تمام گمرکات افغانستان افزوده و مالیات املاکی و مواشی بدون باقی و تلفات بخزائن دولت میرسد گویا حسن مواظبت اولیای امور اقتصادیات دولت را امروز بحسن انتظام تأمین و اداره می‌نماید .

تنظیم عسکر

با وجودیکه در حکومت امانی بقدر بودجهٔ امروزهٔ وزارت حربیهٔ حاضره پولی تعیین می‌شد ولی هموطنان میدانند که آن پول ما بچه اوضاع هدر رفته و بروز معرکه نصفهٔ قشون غیرحاضر و سامان و تجهیزات حرب بکلی کمبود و ناقص بود ، حتی موضوع توپخانه های خریداری جدید دولت آنوقته بقدری مضحك است که توپ های هژده پن با گلوله های ۳۶ پن غازم مشرق شده و توپ های ۳۶ با گلوله های ۱۸ در مزار شریف قرار گرفته بود .

بهر حال چون یك مملکتی که مثل افغانستان دارای سرحد و ثغور پر آشوب و در داخله با هزار نوع مشکلات داخلی رو برو میباشد هیچگاه نمیتواند از وجود قشون کافی بمقصد امنیت مملکت مستغنی شود لهذا قائد خردمند و حکیم دانشمند ما اعلیحضرت غازی از اوایل جلوس شاهانه بتدارك وتنظیم قشون برای مملکت توجه فرموده اسلحه و تجهیزات عصری البسه و سامان مناسب را تهیه و تشکیل یك قوای مناسبی توجه فرمودند که امروز بحمدالله قشون ما از هر جهتی برای مدافعهٔ وطن آراسته وبصفات عسکریت پیراسته است ، قشون امروزهٔ ما بهیچوجه با قشون های گذشته سابقه ندارد چه این قشون منتخب از افراد صحیح و جوانان رشید واز اقوام شجاع ومعروف مملکت انتخاب شده همواره مصروف مشق وتعلیم ودارای لوازم وتجهیزات مکفی میباشند .

تعلیم گاه های مختلف برای هر صنفی تأسیس شده، مکاتب عسکری در کمال تنظیم وصاحب منصبان شجاع کار آزموده سابق و صاحب منصبان تعلیم یافتهٔ مکاتب داخله عسکری مکاتب ممالك خارجه تواماً شامل کار و تعلیم شده امروز بمعاونت خداوندی و حسن توجهات این شهریار دانا نظام افغانستان برای قوام امنیت وطن بکمال خوبی مکفی شمرده میشود .

اعلیحضرت شاه شهید افغانستان محمد نادر شاه غازی که بروز حادثه شهادت مقابل طلاب و مدعوین
تشریف آورده و رسم سلامی عموم را می پذیرند .

صدارت عظمی

این صدارت جلیله که امور تدویر آن بکف با کفایت شخص دانا وامین وصادق مثل ذات ج ع ج والا حضرت سردار محمدهاشم خان ودیعه شده ، ذات والا حضرت شان ازلحاظ شرف انتساب برادری باعلیحضرت غازی‌عنیأ پیروخصایل وصفات ممیزه و برجسته اعلیحضرت ممدوح بوده نسبت بوطن ، ملت ، و مملکت خودرا خادم صمیمی‌دانسته بانهایت صفای نیت و صمیمیت ابراز خدمت می‌نماید ! ازدیگرجهته‌نظر باطلاعات وتجربیاتیکه درامور مملکت داشته ودرزمانه حکومات سابق برشته های مختلف کشوری ، سیاسی و عسکری وظیفه دار بوده و بصیرت تامه درهر گونه امور دارند این‌عهده‌را به‌نهایت خوبی وبدرستی ایفامی‌نمایند .

لهذاذات والاحضرت‌شان‌نظربهمین خصایص معنوی ومعلومات‌اداری ازبدوعهده جلیلهٔ صدارت عظما امور وزارتخانها ودوایر مرکزی وادارهٔ ولایات ومحالات افغانستان را درتحت خیلی ضوابط معقوله اداره فرموده و کافه‌امور اتیکه درشعب اداری و وزارتخانها و ولایات آتیاً ذکری ازآنها خواهدشد همه بنیروی همت وحسن توجه ومساعی جمیلهٔ‌والا حضرت ممدوح صورت نظم و ترق حاصل کرده‌وامروز هرکدام بمحور صحیح‌خود دور می‌نماید امروزما وسایر دوستان صمیمی‌وطن بوجود همچه صدر اعظم شریف وخیرخواه افتخار کرده بقاوموفقیت شانرا از خدا تمناداریم .

وزارت حربیه

وزارت حربیه در دورهٔ نادر شاهی در اثر فکر رسای افسر بالیاقت و نیرومند خود والاحضرت شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر حربیه در حالیکه بعد ازانقلاب هیچ اساسی موجود نبود به تشکیلات وتأسیسات ذیل پرداخته است ،

« تشکیلات صحیهٔ ارد و، تعلیم و تربیه، تدارك و احضار اسلحه و تجهیزات، تأسیس و انشای تهانه جات، انشای قشله های نظامی بصورت عصری در بی مارو، جمع آوری عموم صاحبمنصبان، ترتیب وتنظیم بود جه بیك مقیاس صحیح، اصول اخذ عسکر بصورت اساسی، تهیهٔ و سایل نقلیه بطور عصری، ساختن شفاخانه های عسکری درمرکز و ولایات، تنظیم فابریکه های حربی، ترمیم وبکار انداختن قوماندانی طیاره که در اثر انقلاب بیك احوال اسف اشتمالی بربادشده بود، تشکیل ریاست قبایل، تعلیمگاه های ضابطان: (پیاده، سواری، طوپچی، جلب معلمین) تشکیل کندك مخابره، تشکیل سپورتها، افتتاح مکتب حربیه، تراجم کتب مفیدهٔ عسکری، »

هر یك ازین تشکیلات، و تأسیسات، عمرانات، ترمیمات، که والا حضرت سپه سالار غازی به آن توجه فرموده اند برای ترقیات عالم عسکری افغانستان از حتمیات بوده است، و نظر بکمی اوقات از اجرا آت عمدهٔ وزارت حربیه بحساب میآید.

وزارت حربیه از توجه و زحمت کشیهای خستگی ناپذیر وزیر حربیهٔ دانا والاحضرت شاه محمود خان غازی دارای یك ار دوی منظم که از همه جهت صاحب تعلیمات و لوازم عصری وروح عسکریت میباشد گردیده است.

مجالتاً وجود (۷۰) هزار عسکر تحت السلاح وتعلیمیافتهٔ فن حرب در افغانستان از بهترین نمونه های خدمت اینوزارت محسوب میشود.

وزارت خارجیه

و زارت امور خارجیه در دورهٔ سلطنت نادر شاهی موفق به جلب دو ستی و منا سبات صحیحهٔ دول متحا به گردیده و در ضمن دیگر امور قرار داد هائی را که برای دولت افغانستان از هر حیث مفید است عقد نموده.

اجمال اجرا آت و زارت خارجیه در عصر فرخندهٔ اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی قرار آتی است:

اول : تعرفهٔ رسمی شخصیت معنوی افغانستان به‌دول متحابه ذریعهٔ متحد المآل تلگرافی از طرف جنرال شاه ولیخان فاتح کابل بتاریخ ۲۰ میزان ۱۳۰۸ ش به وزارات خارجیهٔ دول متعاهد افغانستان .

دوم : تاسیس و تجدید روابط و مناسبات پس از انقراض حکومت سابقه در بد و جلوس اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی بادول متعاهد افغانستان و تصدیق معاهدات عمومیهٔ افغانستان در سنه ۱۳۰۸ .

سوم : عقد ، امضاء ، تصدیق ، تعاطی ، معاهدات : ـ سیاسی و مودت ، قرار داد ها ، موافقه ها ، مقاولات بادول متحابه ، موافقه قونسلوسی فیمابین افغانستان وترکیه به‌عصرحکومت نادر شاهی تجدیداً تصدیق وبه طی اجرا آورده شد .

۱ ـ عقد و تعاطی معاهدهٔ مودت فیمابین افغانستان و جاپان توسط ع ، ج و الاحضرت شاه ولی خان وزیر مختار سابق لندن و سفیر کبیر جاپان در لندن بتاریخ ۱۹ نومبر ۱۹۳۰ مطابق ۲۷ عقرب ۱۳۰۹ و بالآخره اعزام سفارت افغانی بدربار (توکیو) جاپان در سال حاضره (۱۳۱۲)

۲ ـ امضاو تعاطی : قرار داد راجع باعادهٔ مجرمین فیمابین افغانستان و ایران توسط ع ، ج فیض محمدخان وزیر امور خارجیهٔ افغانستان و ع ، ج خلعتبری سفیر کبیر سابق ایران در کابل بتاریخ ۲۵ جوزا سنه ۱۳۰۸.

۳ ـ تعاطی معاهدهٔ مودت فیمابین افغانستان و فنلاند توسط ع ، ج والا حضرت سردار محمد عزیزخان مرحوم سفیر کبیر ماسکو و ع ، ج ، وزیرخارجیه فنلاند اچ ـ ژ ـ ژان پروکوپه در شهر السنکی .

٤ — عقد و امضاء معاهدهٔ مودت فیمابین افغانستان و استونی توسط ع ، ج والاحضرت مرحوم سفیرکبیر ماسکو و ع ، ج آقای (باآیان لاتیك) و زیر امور خارجهٔ استونی در شهر تالین .

٥ — عقد و امضاء معاهدهٔ مودت فیمابین افغانستان و لیتوانی در شهر (کالونا) توسط ع ، ج ، و الاحضرت سفیر کبیر ماسکو و ع ، ج ، (داکتر داو ازاونیو) وزیر امور خارجیهٔ لیتوانی .

۶ — عقد و امضاء موافقت کمیسرا ن سرحدی افغانستان باایران توسط ع ، ج فیض محمدخان و زیر امور خارجیه وع ، ج آقای میرزا نصرالله خان خلعت بری سفیر کبیر سابق ایران درکابل .

۱ — عقد و امضاء و تعاطی معاهده راجع به بیطرفی و عدم تجاوز متقابله فیمابین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی توسط ع ، ج ، فیض محمدخان و زیر امور خارجیه و ع ، ج لیونید ستارك سفیر کبیر شوروی در کابل .

۲ — راجع به عقد معاهدهٔ مودت فیمابین افغانستان و حکومات : آستریا ناروج ـ سویدن ـ هالیند ـ دنمارك ، اعتماد نامهای صلاحیت عقد معاهده‌از حضور ملوکانه توسط و زارت امور خارجیهٔ افغانستان بوزیر مختار سابق برلین اعطا گردیده بود تابدول موصوفه عقد معاهده نماید .

۳ — معاهدات مودت که در شرف انعقاد است :

معاهدهٔ مودت باحکومت برازیل .

معاهدهٔ مودت باحکومت اسپین .

معاهدهٔ مودت باحکومت هنگری .

٤ — تعرف و تقرر نماینده گان سیاسی و قونسلوسی افغانستان بدول متحابه .

٥ ـ استرداد اراضی دو کالم .

٦ — تسویه و فیصلهٔ مسائل قرضهٔ حکومت آلمان .

۷ — ابتیاع اسلحه و آلات حربیه از جرمنی و فرانسه .

۸ — فیصلهٔ مسائل خریداری فابریکات از جرمنی و جمع آوری اسلحه و آلات حربیه که در زمان انقلاب بخارج برده‌شده بود .

۹ — استخدام مهندسین و ماهرین فن برای وزارت حربیه ، داخلیه ، مالیه ، معارف ، تجارت ، ریاست شورای ملی ، مدیریت مستقلهٔ طبیه ، مدیریت مستقله پست و تلگراف ، رفتی سناتوریم ، گوگرد سازی ، ریاست مطابع و صکوکات .

۱۰ — تشبث و داخل مذاکره شدن برای قرار داد پستی و تلگرافی بین حکومتین افغانستان و اتحاد جماهیر شورائیه که قرار داد مذکور از طرف مدیر مستقل پست افغانستان و نمایندگان پستی شوروی امضاء گردیده .

۱۱ — تثبت و داخل مذاکره شدن برای قرار داد پستی بین حکومت افغانستان و حکومت بریطانیا .

۱۲ — امضای معاهدهٔ مودت بین افغانستان و عراق بتاریخ ۲۰ دسمبر ۱۹۳۲ در طهران .

۱۳ — امضای معاهدهٔ مودت بین افغانستان و حجاز بتاریخ ۲۹ ذالحجه ۱۳۵۰ درمکهٔ معظمه.

۱٤ — عقد و امضای معاهدهٔ دوستانه بامصر و اعزام سفارت افغانی در قاهره .

۱۵ — عقد معاهدهٔ تعریف عدم تجاوز بین حکومات افغانستان ، شوروی ، ایران ، پولیند ، لتویا ، استونیا .

وزارت داخلیه

وزارت داخلیه بتأسی فرمایشات اعلیحضرت همایون غازی به کشیدن جاده ها در اطراف و اکناف مملکت سعی بلیغی بکار برده و در ایالات و محالاتیکه جاده بسی ضرور بوده و از مدتها توجهی بآن نشده بود باصول خیلی صحیح جاده ها ساخته شده و برای حمل و نقل اشیا و عبور و مرور اهالی تسهیلات فراهم گردیده است . شعبهٔ پولیس وزارت داخلیه نیز ترقیات شایانی کسب نموده و از هر حیث کار روائی پولیس قابل تمجید و تقدیر میباشد زیرا ادارهٔ پولیس بکشف بسی سرقتها و اسرار موفق گردیده و خیلی اموال دولتی را که در زمان انقلاب تلف شده بود با اموال رعیتی پیدا کرده و به مقاماتش سپرده ، بالخصوص بامور انضباطیهٔ شهر خدمات خوبی را انجام داده است . کذا در امور تقسیمات کشوریه تجدید نظر نموده ، بنقاطیکه علاقه داریهای جدید لازم می نمود تعیین و بعضی علاقه داری ها را که از روی مناسبت و ربط و ضبط اداره با ناحیه ها مغایر دیده می شد آن را مجدداً ترتیب و تشکیل نموده است .

تشکیل و تنظیم ۱۲ هزار پولیس سوار و پیاده در نقاط مختلفهٔ مملکت و ربط و ضبط صحیح آن یکی از خدمات خوب آن وزارت شناخته می شود .

وزارت عدلیه

وزارت عدلیه دراثر خیالات خدا پرستانه و شریعت خواهانهٔ ذات همایونی برای اعلای کلمةالله واجرای احکام نبوی کوشیده واحکام نافعه مطابق اوامرالهی نشر نموده است و بعضی کتب دینی را تشریح و ترجمه کرده و تشکیلات دوائر عدلیهٔ مرکز و ولایات را مجدداً اجرا و تنظیم و قضاتی فاضل و پاك نفسی در ولایات و محالات تعیین نموده و به امور حقوق و جزائی مطابق به مقررات شرع انور رسیدگی کرده دعاوی اهالی را مرتباً فیصله واجرا داشته است . تشکیل دوایر اصلاحیه در مملکت و اجرا آت خوبی که ازان به عمل آمده و موجب رفاهیت عامه گردیده است نیز به توجه ملوکانه از جملهٔ کار ها و مجهودات این وزارت می باشد .

وزارت مالیه

وزارت مالیه در اثرنیات اعلیحضرت همایونی که خواهان آسایش و آرامش عموم ملت افغانستان میباشند اوراق باقیات سنوات ماضیه را حریق نموده ، و در بعضی ولایات و محالات که مالیه بطور عادلانه وضع نشده بود مالیهٔ موزون تعیین کرده است ، و بمنابع دیگریکه ازان برای دولت ثروت حاصل می شود نیز توجه نموده و بتوسعهٔ آن کوشیده و دوائر وزارت را اصلاح و بعضی دائره های جدیدیکه لازم بوده است علاوه گردانیده و در حصول باقیات صحیح ذمگی اهالی سعی مخصوصی ورزیده است .

کذا به تنظیم امور محاسبات عمومی و تشکیل و ترتیب دوائر مالیاتی اعم از مرکز و ولایات پرداخته بودجهٔ دخل و خرج مملکت را همه ساله باندازه های صحیح و مناسب مقرون به مفاد مملکت ترتیب و تنظیم کرده بمجلس شورای ملی سپرده است .

زمینهائیکه قابل زراعت بوده و لامزروع مانده در باب مزروعی ساختن آن اقدامات ورزیده، و قنوات خراب را ترمیم نموده است، و زمین های چمنی را که قابل زراعت و بهزارها جریب میشود بقیمت نازل و مناسب بفروش رسانیده و ازین رهگذر بدولت و ملت فائده عاید گردیده است .

کذا جریمهٔ وجه مالیات که بوقت آن تحویل نشده بود معاف نموده ، و برای باقیدهان تسهیلات خوبی پیش نموده است .

وزارت تجارت

وزارت امور تجارت در عصر نادر شاهی ترقی زیادی در امور مربوطه یافته و معادن جدیدی که هر یك آن در حد ذات خود دارای اهمیت است کشف نموده و متخصصین ما هر نیز برای امتحان و تجربه از خارج جلب نموده است و هم برای نگاهداشت جنگلات و تکثیر آن مساعی مخصوصه بخرچ داده و منافع عمده ازان حاصل نموده است ، هکذا در ساختن بندها و کشیدن نهر ها ومشروب ساختن زمین های لامزروع تجاویز مفیده تقدیم و به تعمیر و آبادی آن ها آغاز و اقدام ورزید است .

شعبات مهمهٔ که در وزارت تجارت تاسیس گردیده بقرار آتیست .

تاسیس شرکت اسهامی - تاسیس شعبهٔ نقلیهٔ جهة تسهیلات مسافرت عمومیه و حمل و نقل سامان و لوازم سلطنتی ، تاسیس شعبهٔ تعمیرات در خود وزارت تجارت ، تاسیس مأموریت خزائن خارجی ، تاسیس شعبهٔ احصائیهٔ عمومی وترتیب واردات و صادرات مال‌التجارهٔ مملکتی ،ترتیب اتخاذ محصول نواقل موتر ، توسیع شرکت اسهامی بسرمایهٔ مکفی و موزون تجار وطنی .

تاسیس و تشکیل مدیریت تجارت در مرکز و زارت ، تشکیل اطاق تجارتی (و ظیفه این اطاق اجمالاً مراقبت و دقت در اوضاع تجارتی مملکت و اصلاح آن میباشد) موضوع اصول توزیع جواز نامهٔ تجارتی (که تجار داخله و خارجه در خاك افغانستان مکلف بداشتن

آن میباشند) ، تاسیس و تشکیل ادارهٔ نمایندگی تجارتی افغانی در لندن و پشاور ، تاسیس و تشکیل یك شعبهٔ تجارتی در مزار شریف ، فرستادن طلبه برای آموختن اصول شورت نمودن پوست قره قلی در لندن .

تاسیس و افتتاح فابریکهٔ صابونسازی ، تاسیس فابریکهٔ ترمیم موتر ، تیل کشی ، کانسروه ، جریان فابریکهٔ سمنت سازی ، جلب و استخدام متخصصین برای دائر نمودن فابریکهٔ سنگتراشی ، تکمه سازی ، نختابی وپنبه ریشی وپارچه بافی و فابریکه های قندهار نجاری، رنگمالی ، خریداری فابریکهٔ حفظ گوشت ، تاسیس کارگاه های بافت ، تاسیس کارخانهٔ خیاطی ، ساخت کارگاه‌های صنعتی بجهة محبوسین ، تبدیل کارگاه های دستکی باصول عصری ، تاسیس شعبهٔ حکاکی ، تاسیس فابریکهٔ جدید برق درگل‌باغ حفر ذخیرهٔ آب باصول فنی در جبل‌السراج بجهة فابریکهٔ برق ، تاسیس فابریکهٔ برق در قندهار و هرات .

وزارت معارف

دوائر داخلهٔ وزارت معارف و سامان و لوازم مکاتب وطن که در اثر شورش و ارتجاع بکلی تباه و اساس آن از بین رفته وتمام کتب درسی وغیر درسی حریق آتش بیداد گردیده بود در اولین روزی که‌پادشاه‌معارف خواهٔ ترقي پرور افغانیان برتخت سلطنت‌جلوس فرمودند ، بمعارف وطن توجه و دران وقت که خزانه بکلی از پول تهی بود با یکمقدار پول شخصي خود غمخواری بمعارف وطن نموده و تاکید کردند که از همه اولتر وزارت معارف را کشوده ، معلمین جلب و طلاب جمع آوری شوند .

بنابران نسبت بتوجهات ذات همایوني وزارت معارف مجدداً تشکیل یافت و موفق با حضار طلبهٔ مدارس گردید کتب درسی و غیره لوازم و سامان عرفانی را تهیه و معلمین فاضل را جلب کرده ، بآلاخره مکاتب بصورت عصری و منظم دایر گردیده درنتیجهٔ مساعی این‌وزارت

یك عده طلاب فارغ التحصیل گردید . و درین تازگی یك شعبهٔ دارالفنون از طرف ذات شاهانه افتتاح یافت .

دارالفنون درتاریخ افغانستان سابقه نداشته و اولین دفعه در عصر اعلیحضرت نادرشاه غازی افتتاح و تأسیس یافته است . تالیف وترجمهٔ بعضی کتب مفیده از شعبهٔ دارالتالیف این وزارت و تجدید نشر مجلهٔ شریفهٔ آئینهٔ عرفان از خدمات و زحمات قابل قدر این وزارت به شمار می رود .

اعزام یك عده محصلین در عصر همایونی باروپا و امریکا جهت کسب تخصیص در فنون عالیه بتوجه همایونی از خدمات این وزارت بشمار میرود .

مدیریت مستقلهٔ طبیهٔ

مدیریت مستقلهٔ طبیه در عصر نادر شاه توسعه یافته و موسسات جدیدیکه بحال وطن نافع بود افتتاح نموده و بعضی نواقص را اصلاح و تکمیل کرده است از آن جمله « تاسیس مکتب طبی معاون دکتوری که فن دکتری را می‌آموزند و دورهٔ تحصیل شان دو سال بوده وا کنون بدورهٔ ثانی شامل گردیده اند گویا طلاب این مکتب پس از اکمال دورهٔ تعلیمی بصفت دوکتور حتی متخصص می برایند » . مکتب کمپوندری : درین مکتب کمپوندر های موجودهٔ شفاخانه همه روزه بعد از فراغ کار رسمی خود بمعلمی کیمیا گر و کمپوندر ماهر خارجی اکمال تعلیم مینمایند، تحصیل این مکتب بقسم لیلی بوده تماماً حوائج لازمه از قبیل خوراك و موبل از طرف حکومت تهیه گردیده است .

تاسیس مکتب پرستاری ، تعلیم قابله ها بشفاخانهٔ مستورات ، دیسپانسر ها برای معاینه و تداوی مریضان، تحلیل و تجزیه وترتیب ادویات ، استخدام دوکتور های متخصص ، شفاخانهٔ مجانین ، تاسیس صنف دوم مکتب طبی ، کذا مدیریت مستقلهٔ طبیه در نظر دارد شفاخانهٔ را بصورت اساسی عصری مجدداً بنا و تعمیر نماید و در محالات نیز شفاخانه ها تاسیس نموده و شفاخانهٔ سیار در تمام قصبات بفرستد و مکتب آبله کوبی نیز دائر نماید . تنظیم و تشکیل

شفاخانه های مجانی عمومی در شهر کابل از قبیل شفاخانهٔ ملکی و مستورات و آبله کوبی فعلا که خیلی طرف استفادهٔ اهالی واقع شده از خدمات برجستهٔ مدیریت مستقله محسوب است .

مدیریت مستقله پست ، تلگراف، تیلفون

برای اینکه امور پسته باصول صحیحه در جریان افتد و کار تلگراف و تیلفون توسعه یابد ، مدیریت پوسته ، تلگراف و تیلفون از وزارت داخلیه منفك و به ادارهٔ مستقل تحویل و تشکیل گردید ، این مدیریت که داخل اتحادیه بین‌المللی پسته و تلگراف بوده از حقوق شمولیت خود استفاده کرده است ، و برای تنظیم پوست و تلگراف متخصصین از خارج استخدام نموده ، و با دول همسایه داخل مذاکره شده و به عقد معاهدات پستی و تلگرافی موفق شده است ، در اکثر ولایات و حکومات و دوایر جدیده تیلفون تمدید و تلگراف سیم دارو بی‌سیم کشیده است، درهمه ولایات فعلاً امور پوسته وتلگراف بصورت خوب در جریان است ، تلگراف خانه و پوسته خانه های جدید ساخته شد و تکت های پستی خیلی زیبا و قشنگ بطرز جدید بطبع رسیده ، برای سرعت رسیدن پوسته ها بولایات و محالات اتو موبیل خریداری گردیده و بواسطهٔ آن پوسته ها حمل و نقل میشود . و تمام لین های تیلفون و تلگراف اصولی تمدید گردیده نواقص آن اصلاح شده میرود ، امور پستهٔ هوائی از راه روسیه بذریعهٔ طیارات و پوستهٔ هند بوسیلهٔ موتر و پوسته های و لایات داخله بواسطهٔ مستخدمین پستی دایر است ، مدیریت مستقلهٔ پوست ، تیلفون ، تلگراف در عصر نادر شاهی مانند دوایر دولتی ترقی یافته و اصلاحات لازمه در آن بعمل آمده است .

مجلس محترم شورای ملی

مجلس مقدس شورای ملی از بدو تاسیس خود بلا فاصله به تدوین وتنظیم اصو لنامه ها ، وتصویب واصلاح الوائح وارده پرداخته ودر بودجهٔ مملکتی وار سی نموده است .

مجلس محترم شورای ملی و ظایف خویش را بوجه نیکو انجام داده است که از هیئت رئیسه و وکلای محترم ، دولت وملت کمال رضائیت دارند .

مجلس اعیان

گرچه در بدو جلوس ذات شاهانه مجلسی مرکب از شرفا و اعیان مملکت تشکیل یافت و در امور حکومت معاونتی مینمودند ولی از آنجا که حکومت متبوع در نظر داشت شورای ملی را تاسیس و سپس مجلس رسمی اعیان را افتتاح بفرمایند ، لهذا شورای ملی چندی بعد بارادهٔ سنیهٔ ملوکانه تاسیس یافته و بعد ازان مجلس اعیان که از موسسات جدیدهٔ این عصر است بتوجه و ارادهٔ سنیهٔ ملوکانه رسماً افتتاح گردید که مختصر شرح آن در موسسات عصر نادر شاهی ذکر یافته .

این مجلس مرکب از یکنفر رئیس و ۲ نفر معاون وفعلاً دارای (۳۸) نفر اعضا وبقدر لزوم منشی واجزا می باشد .

رئیس مجلس و اعضا عموماً از فضلا و اشراف و معز زین لایق و محترم مملکتی است . از بدو تاسیس خود این مجلس خیلی بجدیت بکار ها آغاز کرده و در حدود و ظایف رسمیهٔ خود مصدر افادات و خدمات خوبی شده است .

ریاست بلدیه

تشکیلات بلدیه در عصر نادر شاهی بقدر کافی توسعه یافته و بکار های سود مند عموماً بقرار ذیل پرداخته است :

ترمیم و تعمیر مساجد شریف و زیارات متبرك و تهیهٔ فرش و تنویر مساجد ، کشیدن جاده ها و ترمیم شوسه های سابقهٔ شهر ، تعمیر و ترمیم منازل اشخاص ناتوانی که دارائی نداشتند ، تعیین نرخ ارزاق و تهیهٔ آن و تقسیم آب بشهر بقدر ضرورت ، ساختن مار کیهتا ، تعمیر عمارات شخصی موافق دستور دائرهٔ مهندسی بلدیه وساختن آن باصول عصری ، و مسدود نمودن زیرد کانی های مضر صحت ، و تشکیل مدیریت احصائیهٔ مولو دات و و فیات و منع تعمیرات جدید در دامنه های جبال آسمائی و شیر دروازه ، و معین نمودن کرایهٔ گادیهای کرائی و نظافت جاد های بین شهر و فراخ نمودن بازار ها و معاونت مساکین و سر پرستی دارالایتام . کشیدن جادهٔ جدید وعمارات و دکاکین بطرز مرغوب عصری در کنار دریا حد اندرابی و فراخ کردن جادهٔ مذکور که حصهٔ سرك داخل شهر را باخارج شهر بهم ربط میدهد .

شرکت تنویرات

این شرکت ازمدتی است در کابل تأسیس یافته وازطرف فابریکهٔ بزرگ الکتریکی دولت بان امداد کرده میشود .

این موسسه ازسابق نواقصی داشته وبحال بی ترتیبی مانده وفاقد ادارهٔ فنی وغیره بوداما در ینوقت شرکت تنویرات بمدد معاونت دولت رفع نواقص نموده ادارهٔ محاسبهٔ اصولی دائر ودائرهٔ فنی تشکیل و ماهرین فن استخدام کرده است . این های عمومیه اصلاحات اساسی یافته و سامان ضروریه تکمیل شده است .

اندازهٔ مصرف الکتریك منازل سابق ازین درتحت سنجش نبوده برای معلوم شدن مصرف الکتریك درعموم منازل (میتر) نصب گردیده ودرتمام استیشن های برق در شهر تیلفون نیز نصب شده تاازحادثات فوری جلوگیری بعمل آید .

گویاشرکت حاضرهٔ تنویرات بایك نظام مرتب وربط و ضبط جدی امور تنویرات شهری را دایر کرده درحسن مجاری فابریك الکتریك جبل السراج ازقبیل ساختن ذخیره آب کافی بمقصد کمك کردن بفابریکه درموسم زمستان ودیگر اصلاحات لازمهٔ آن ازطرف مهندسین این شرکت توجهات مهمی بعمل می آید ، شرکت تنویرات قبلا عمارت موزونی برای محل ادارهٔ خود نداشت حالتاً بتوجهٔ حکومت متبوع عمارت خیلی زیبا وآبرو مندی تعمیر کرده است .

موسسات جدید عصر نادرشاهی

اعلیحضرت همایون غازی پس ازنجات بخشیدن مملکت بسی موسسات مفیدرا تشکیل داده اند که برای ترقی افغانستان هرکدام آن خیلی مفید ودرتاریخ این سرزمین حایزمقام عالی میباشد .

اول تشکیل صدارت عظمی است : بتاریخ ۲۲ عقرب ۱۳۰۸ سال اول جلوس شاهانه ارادهٔ سنیه بتاسیس آن ظاهر گردیده وفرمانیکه راجع بآن اصدار یافته است مضمون آن قرار آتی است :

جناب عالیقدر جلالتمآب سردار اعلی محمد هاشم خان ! ازانجائیکه بلطف ومهربانی خداوند جل وعلی شانه افغانستان از انقلاب خانمانسوزي نجات یافت و ملت غیور

کابل P. 40 شماره 6 1332

افغانستان مرا به پادشاهی خود انتخاب نمود ازینرو میخواهم افغانستان بعد امروز یك مملکت مترقی و باساس دین مقدس اسلام همیشه متین و مستحکم باشد و ادارهٔ امور جهانبانی این مملکت از پیشتر بهتر اجرا شود مسئولیت اداري نزد ملك و ملت نسبت باشخاص معین باشد و ملت مسئولیت اشخاص را واضح بشناسد و بتوانیم اصلاحات امور را بآسانی بدون اخلال عمومی حاصل کنیم لازم دیدم که موافق باصول دین مقدس اسلام و مطابق به عقل و تجربه که در دیگر ممالك متمدنه امروز اسباب سهولت را فراهم کرده صدر اعظم انتخاب و تعیین کنم و صدر اعظم کابینه خویش را تشکیل کرده بحضورم معرفی کند .

شما را که شخص با دیانت و در ملت خود بحسن اخلاق و فعالیت مشهور و معروف می بینم بصدر اعظمی این وطن انتخاب نمودم ، لهذا بخداي قادر توانا توکل کرده کابینهٔ خود را تشکیل و بحضورم معرفی کنید .

از تاریخیکه صدارت عظمی در وطن تاسیس و زمامدار کابینه شخص پاك نفس و مرد فعال وطن دوست و خوش سابقه مثل وجود والاحضرت سردار محمد هاشم خان تعین گردیده روز مره امور بمحور صحیح خود دور کرده وی بینیم مامورین دولت بانهایت جدیت و پاك نفسی مصروف خدمت میباشند .

دوم جمعیت العلما : این موسسه از بیست نفر علمای متبحر پاك نفس جید القریحهٔ افغانی تشکیل یافته است مرام این جمعیت سنجش طرق صحیحه ایست برای اعلای کلمة الله و منشورات و موعظات حسنهٔ اسلامیه از برای رفع تعدیات و تجاوزات و اطلاع از عقاید صحیحه و شیوع امر معروف و نهی عن المنکر و تعیین درجات علمیهٔ علما و عدم مداخلهٔ نا اهلان در ساحت مقدس شرع انور ، نشر صحایف هفته وار و مجلهٔ ماهوار و ترجمهٔ بعضی کتب مفیدهٔ دینی و اخلاق و تردید عقاید باطله و کشودن باب مراسلات باجمعیت العلماء مصر ، شام ، هند و بر بعضي کتب و مجلات اظهار رای کردن و در وحدت ملي کوشیدن کذادر حفظ حقوق ملت

و دولت توصیه نمودن و دراطراف شجاعت، همت ، صدق ، خلوص ، ثبات ، استقامت ، خدمت خلق الله ، رافت ، شفقت ، عدل،احسان ، استقلال فکری و غیره مقالات ترتیب دادن .

مرام نامهٔ جمعیت العلما در بدو جلوس شاهانه تدوین وتصویب گردید و در اول جوزا ۱۳۰۹ رسماً این جمعیت افتتاح و آغاز بکار نموده است .

سوم مجلس عالی شورای محترم ملی

مؤسسهٔ عالی مجلس شورای محترم ملی در تاریخ افغانستان سابقهٔ ندارد، به تاریخ ۱۸ سنبله ۱۳۰۹ شورای ملی تاسیس و بتاریخ ۱٤ سرطان ۱۳۱۰ ذات همایونی رسماً مجلس شورای ملی را بدست حق پرست خویش افتتاح و یکی از بهترین عمارات دولتی را برای آن اختصاص فرمودند .

شورای محترم ملی دارای (۱۱۱) نفر نماینده گان ملت است و هیئت رئیسه از خود نماینده گان انتخاب میشود .

از آغاز تاسیس تاکنون مجلس شورای ملی ما مختارانه در امور راجعهٔ خود کوشیده و حضور همایونی بصورت یك قائد اجتماعی و لیدر ملی همواره برای ترقی فکر و عملیات نماینده های ملت صادق خود کوشیده و مساعی جمیله را بکار برده اند تااین مجلس بصورت مجالس شورای ملی دنیای متمدن از عهدهٔ وظیفهٔ خود براید .

چهارم مجلس اعیان

بانی و مؤسس این محفل عالی نیز ذات شوکتمآب اعلیحضرت محمدنادر شاه غازی میباشد چه از حیث وطن پروری و ملت خواهی خویش که فراهم آوردن اسباب رفاه جامعه و بهبود امور مملکت را همیشه مطمح نظر ملوکانه میدارند در برج میزان ۱۳۱۰ بتاسیس و تشکیل مجلس موصوفه عزم و اراده فرموده رئیس و اراکین مجلس از اعیان و اشراف مملکت که اشخاص بصیر و مامورین بزرگ صاحب تجربهٔ سابقه بوده و سزاوار عضویت این محفل بودند تعیین و بتاریخ ۲٤ عقرب ذات همایونی در قصر دلکشا این مجلس را رسماً افتتاح فرمودند .

پنجم مجلس اصلاح و ترقی عسکری :

این مجلس در سال (۱۳۰۸) تشکیل گردیده و مرکب است از صاحبمنصبان باتعلیم و تربیه و باتجربه ، این مجلس راجع به ترقیات عسکری افغانستان پیشنهادات نافعه و نظریات مفیده بوزارت حربیه هروقت تقدیم میکنند ، و بعضی کتب مفیدهٔ عسکریرا نیز ترجمه و تالیف مینمایند.

ششم ریاست فیصلهٔ منازعات تجاریه: این موسسه در سال (۱۳۰۹) تشکیل گردیده رئیس و اعضای آن از اشخاص تاجر و کار آگاه میباشند، درین موسسه هرگونه دعاوی تجارتی حل و فیصله میگردد، و شعبات جداگانه در ولایات مملکت نیز دارد.

هفتم شرکت اسهامی این اولین موسسه ایست که در افغانستان به عصر درخشندهٔ اعلیحضرت همایونی تاجدار غازی قائد اعظم افغانستان در کابل دایر گردیده، و تسهیلات به امور تجارتی و بروات معاملاتی بخشیده است عجالتاً مؤسسهٔ شرکت اسهامی با یك سرمایهٔ معتنابه در کابل مصروف کار و شعبات آن در ولایات و خارجه افتتاح یافته است. عمارت بزرگ و متین هم در شهر کابل بتوجهٔ همایونی برای این شرکت تحت تعمیر است.

هشتم دارالایتام: دارالایتام بتاریخ ۲۲ ثور ۱۳۰۹ تاسیس یافته اطفال بی سرپرست، درینجا تربیه و پرورش میشوند، این مؤسسه دارای تمام لوازمات ضروریه برای اطفال یتیم است و بودجهٔ مناسبی دارد این اطفال در مکتب صنایع نفیسه شامل تعلیم و تحصیل اند.

و برای مساکین شهری نیز مدد معاش منظور است که از طرف ریاست بلدیه به ایشان پرداخته میشود و هم در نظر است دارالمساکین علیحده تاسیس شود. این دارالایتام موسوم به یتیم خانهٔ نادری و در آغاز جلوس شاهانه صرف به پول شخصی ذات ملوکانه دایر شده الی دو سال تمام مصارف آن را شخصاً ذات همایونی تادیه می‌نمودند.

نهم دارالمجانین درسال ۱۳۱۰ ازطرف ذات شاهانه دار المجانین تاسیس گردیده ودران تمام اسباب رفاهٔ مجانین مهیابوده وازطرف متخصصین معالجهٔ مجانین بعمل میآید.

دهم انجمن ادبی هرات: نیز از موسسه های عصر فرخندهٔ نادرشاهی است که درسال ۱۳۱۱ تشکیل گردیده مجلهٔ نیزازین انجمن ماهوارنشر میگردد وصفحات آن بقسمت های تاریخی وادبی مزین است.

یازدهم انجمن ادبی قندهار: نیز در سال ۱۳۱۱ تشکیل گردیده و موسوم به (جرگه کوتی دپشتو) میباشد مرام این انجمن نشریك مجلهٔ علمی، ادبی، اجتماعی، تاریخی

درزبان افغانی وتدوین لغات افغانی. وفراهم کردن کتب وترجمهٔ کتابهای درسی وتاسیس یك کتابخانهٔ افغانی میباشد .

دوازدهم انجمن ادبی در کابل: انجمن ادبی کابل درسال ۱۳۱۰ تاسیس شد ، مقصد از تاسیس این انجمن اصلاح وتوحید سبك ادبیات واتخاذ اسلوب نگارش وروشن ساختن تاریخ مشاهیر رجال ومفاخر گذشتهٔ وطن است .

ضمناً برای تصحیح و تصدیق کتب مولفه یامترجمهٔ ادبی وتاریخی این انجمن درخور صلاحیت خود کمك واظهار عقیده نموده وازین راه بمطبوعات وطن عزیز خدمت مینماید .

علاوتاً مجلهٔ ماهواری بنام « مجلهٔ کابل » ازین انجمن نشریافته نمونهٔ از وظائف وآمال قلبی این انجمن شمرده میشود .

انجمن ادبی ازبدو تاسیس تاحال بتالیف وترتیب واصلاح بعضی کتب نافعه پرداخته وبمطبوعات وطن خدمتی کرده است ، آخراً سالنامهٔ حاوی از اطلاعات مفیدهٔ داخلی وخارجی ومعلومات متنوعه وفوتوهای رجال وطن وباقی مشاهیر دنیا ترتیب ونشر نموده در نظر دارد هرسال یك جلد سالنامهٔ کابل را بهموطنان عزیز تقدیم کند .

گویا تاسیس انجمن ادبی درافغانستان ازاقدامات ادب پرورانهٔ آن تاجدار شهیداست .

تاسیس فاکولتهٔ طبی

مملکت افغانستان یکی از تاریخی ترین ممالك آسیائی و از قرن های قدیمی منشاء و مظهر تمدن های مشعشعی بحساب رفته است ، معلوم است هر تمدن بر اساس علوم و فنون قایم بوده قیمت و وسعت این تمدن ها نیز باندازهٔ حدود معارف آن متناسباً آشکار گردیده است افغانستان قدیم بعد ازانکه اولین نمونهٔ ادبیات خویش یعنی کتاب اوستا را در صحنهٔ مشرق تقریباً سه هزار سال پیشتر انتشار داده و در دورهٔ یونانیان تمدن باختری را بظهور آورده از آسیای وسطی بسط داد وقتی که بزرگترین مکاتب صنایع مستظرفهٔ عالم را در قلب خود گندهاریا (ولایت کابل و جلال آباد و پشاور) ایجاد نموده و این همان دارالفنونی است که صنعت تفیس گریکو بود یك از اینجا در سر تاسر مشرق زمین انتشار میافت و آوازهٔ این صنعت هنوز در گوشهای ملل متمدنهٔ جهان طنین انداز است بعد ازانکه تمدن قدیم افغانستان

با قرن اولیهٔ مسیحی یکجا باختتام رسید و دین اسلام در صحنهٔ مملکت قدم نهاد باز ملت افغانستان باپاك ترین عناصر آریا بایجاد یك تمدن جدید اسلامی قد علم نمودند و درین راه زحمت ها کشیده بلاد وطن را مرکز علوم و فنون قرار دادند ازانجمله است دارالفنون های که درعلوم شرقیه عربیه در بلخ وهرات وغزنی یکی پی‌دیگری تاسیس گردید این دارالفنون های افغانستان در آنعهد تا ظهور بلیه مغول یعنی قرن ۱۳ مسیحی مرجع محصلین آسیای میانه حساب میشد ، در هنگامیکه مغل در سرتاسر قسمت های معمورهٔ آسیا حکومت مینمود باز میتوان اکادمی نگارستان هرات را در قرن پانزدهٔ مسیحی بمثابهٔ آخرین دارالفنون صنعتی آن زمان در افغانستان شمار کرد .

از قرن (۱۷) که علوم و فنون متنوعه تمدن جدیدی را در ممالك غرب فراهم میکرد و بدبختانه ملل آسیا در گرداب غفلت ونفاق غوطه ور بودند وطن افغانستان نیز گرفتارانقلابات و محاربات عظیم و کشمکش های سیاسیات داخله و خارجه بوده دیگر موقعی نیافت تا قامت فراز کند و قدمی در راه این تمدن جدید بر دارد ، در قرن ۱۸ مسیحی دولت شهنشاهی افغانستان هنوز مشغول جهانکشائی بوده که قرن نوزده رسیده وسلطهٔ مغرب درممالك جواراوپهن گردید ازان بعد است که تا نیمقرن پیشتر دیگر افغانستان را جنگهای خارجه وداخله مجالی برای نشر علوم و معارف نداد . دراوقات آخری اعلیحضرت شیر علیخان پادشاه افغانستان فرصتی جسته و دستی بتاسیس مکاتب جدید و نشر مطبوعات یازید ولی این دوات مستعجل بود که در فرصت کمی از نظرها پنهان ومملکت دوباره دچار بحرانات سیاسیه وگرفتاریهای زایدالوصفی گردید.

در مرور سالهای سابق افغانستان خود را بمراحلی از داشتن بدارالفنون ملی دور و محروم میدید ، خوشبختانه در اختتام اغتشاشات داخلی سال ۱۳۰۷ هجری و طلوع دولت درخشندهٔ نادری دیده شد مقدمات تاسیس دارالفنونی در مملکت افغانستان تهیه شده وارادهٔ سنیهٔ شاهانه (۲۳ ـ حوت سال ۱۳۱۰) راجع به تخصیص عمارات دارالامان برای دارالفنون افغانستان ، در اول عقرب سال جاری از قوه بفعل آمده و افتتاح شعبهٔ از دارالفنون بنام « فاکولتهٔ طبی » در قصر دلکشا رسماً بعمل رسید . افتتاح فاکولتهٔ طبی دارالفنون افغانستان یکی از آن کار های فوق‌العادهٔ تاریخی حکومت نادر شاهی است که نه تنها نسل حالیهٔ وطن بلکه تاریخ آیندهٔ مملکت نام آن را با شکران مؤجد تاجدار او در ردیف بهترین واقعات قرن بیست افغانستان نقل و تذکار خواهد نمود .

رفقی سناتوریم

در جملهٔ دیگر شعبات عمرانی مملکت ؛ اعلیحضرت همایونی برای بهبود صحت ملت عزیز خویش بتاسیس و تعمیر یك سناتوریم عصری که دارای جدید ترین لوازم استراحت است اقدام فرموده و برای این مؤسسه املاك و اراضی شخصی خویش واقع علی آباد را که در عوض جانبازیهای رشیدانهٔ خود در موقع حرب استقلال مکافات یافته بودند تخصیص داده اند ، این موضع یکی از مواضع خوش آب و هوای چهار دهی کابل و بریك سطح مرتفع واقع و دارای سه قنات میباشد که مساوی باآب پغمان است .

عمارت سناتوریم یکی از مقبول ترین عمارات عصر جدید و باغ قشنگی در کابل بوده و بهترین موقعیت برای سناتوریم دارد ، پول تعمیر ومصارف آنرا که یك ملیون افغانی می شود ذات شاهانه از مبلغ شخصی خود اعطا فرموده اند .

این عمارت سه منزله بنا گردیده ، و برای شصت نفر مریض اسباب ولوازم راحتی مکمل دارد باغش خیلی قشنگ بنا یافته و جاد های مقبولی دارد ، فوارهٔ بس موزون و مرغوب ، وچمن های زمردین وخیابانهای نظیف او بهجت خیز است .

این سناتوریم در افغانستان بهترین موسسه ایست که از طرف اعلیحضرة محمدنادرشاه غازی برای گرفتاران امراض ساریه تاسیس گردیده است .

افتتاح رسمی این سناتوریم در برج سنبلهٔ سال جاری بدست حق پرست همایونی صورت گرفته ومریض ها داخل گردیدند .

جاده های جدید عصر نادرشاهی

همه کس میداند که طرق وشوارع در مملکت باعث آبادی واز دیاد ثروت بوده وتسهیلاتی در امور حمل و نقل تجارتی و سوق الجیشی پیش میکند و برای عابرین رفاه و آسایش می بخشد چون حکومت دانا وترقی پرور ما به تمام ترقیات این وطن توجهٔ مخصوصی داشتند ، از آنرو به شوارع و جاده های سهل العبور نیز توجه فرموده اند ، لهذا شوارع یکه در دورهٔ سلطنت اعلیحضرت نادر شاه در اطراف و اکناف مملکت کشیده شده باطرق سابقه که ترمیم وتوسیع یافته است ذیلاً شرح داده میشود :

کابل :

جادهٔ باغ علیمردان که یکی از معابر بزرگ شهر است باصول صحیح تعمیر وپخته کاری شده.

۲ ـ جادهٔ ارگ از حد پل باغ عمومی الی بازار ارگ جدید پخته کاری گردیده .

۳ ـ جادهٔ شهر آرا از چهار راهی و لایت کابل الی عقب دیوار منزل والاحضرت وکیل صاحب ترمیم وپخته کاری شده .

٤ ـ جادهٔ بین بازار جدید حد اندرابی باصول منظم پخته کاری و از جملهٔ جاده های جدیدیست که ساخته شده است .

٥ ـ جادهٔ گذرگاه بطور درست وخوب ترمیم وپخته کاری شده .

سمت شمالی :

۱ ـ از جادهٔ عمومی خط جدید الی شکر دره حد سرای نورك ساخته شده .

۲ ـ « « « « « گلدره حدود ده نو .

۳ ـ « « « « « ده فرزه .

٤ ـ « « « « « از چهاریکار الی دوات شاهی .

٥ ـ از انتهای جادهٔ بگرام الی قلعهٔ سید هاشم .

٦ ـ از شوخی الی کوتل سولانك .

۷ ـ جادهٔ بولغین از جوی نو آباد الی مرکز حکومتی محلی .

۸ ـ جادهٔ بزرگ شمالی پخته کاری شده .

سمت مشرقی : ۱ ـ جادهٔ مشرقی حدود بندر خورد کابل و کوتل بلوتك که قبلاً باصول درست ساخته نشده و اسباب اتلاف بسی مسافرین میگردید ، کنون باصول صحیح ترمیم و جدید ساخته شده .

۲ ـ از حدبلول بطرف اشپان الی تنگی حصارك جادهٔ جدید شاخته شده .

۳ ـ از گندمك الی کندی خیل جادهٔ جدید آباد گردیده .

٤ ـ ازدشت فتح آباد الی کجه به تله و از کجه بوزیری شوسهٔ جدید کشیده شده .

٥ ـ از هده الی تنگی آگام جادهٔ جدید ساخته شده .

٦ از ثمر خیل الی مزینه و حصار شاهی جدید ساخته شده .

٧ از مارکوه به شنوار خط شوسه جدید برده شده .

٨ — از شیوه الی اسمار شوسهٔ جدید آباد گردیده .

٩ — جادهٔ مشرقی از طرف بتخاك نیز کار جاریست .

١٠ کار سرك تورخم نیز جاری است .

هزاره جات : ١ — از بامیان الی یکه اولنگ شوسهٔ جدید کشیده شده .

٢ — از سر چشمه الی جوقرل جدید جاده تعمیر گردیده .

جاده هائیکه جدید در لهوگرد کشیده شده : ١ — از پل برکی برك الی قریهٔ برکی راجان و مرکز حکومتی .

٢ — از برکی راجان الی شاه زار و چرخ .

٣ — از حصارك الی زرغون شهر .

٤ — از برکی راجان و چرخ و کوتل معروف خرپچك به خروار و بندزنه خان و از آنجا به غزنی جاده وصل میشود .

٥ — از جادهٔ لهوگرد جادهٔ جدید بطرف تنگی وردك ساخته شده که درحد شیخ آباد به جادهٔ بزرگ قندهار وصل گردیده است .

قندهار : — جادهٔ قندهار بطرف قلعهٔ جدید قرار فنی پخته کاری میشود .

هرات : — جاده جدید از هرات الی بالامرغاب و از میمنه الی بالامرغاب ، و از میمنه بطرف مزار شریف الی حدود شبرغان احداث گردیده ، مخصوصاً جادهٔ جدید و مهمی که بارادهٔ ملوکانه از خود هرات الی دولت یار آخرین سرحد شرقی هرات و گرماب هزاره کشیده شده این سرك خیلی مهم و قابل تمجید و از یادگار هاي برجستهٔ عصر نادر شاهی محسوب می شود .

جادهٔ شکاری : — این جاده مخصوصاً اهمیت فوق العادهٔ دارد زیرا علاقه جات شمال هندوکش را با جنوب مربوط میسازد و یکی از کارهاي بزرگ عصر نادر شاهی است .

مزار و مضافات آن علاقهٔ قطغن و میمنه که از حیث حاصل خیزی غله و مال مواشی از قبیل گوسفند ،اسپ ،و اموال تجارتی مانند پنبه ، پوست ، پوست قره قولی ، پشم ، پسته و غیره خیلی توانگر است ولی سلسلهٔ جبال برف گیر و صعب‌المرور هندوکش در ایام زمستان و چندی از ماهای بهار مانع عبور و مرور عابرین و رسیدن اشیا و اموال ازانجا بسائر علاقه جات میشد ، و مشکلاتی در امور تجارت پیش میکرد ، و استفادهٔ لازمه بعمل نمی آمد لهذا حکومت متبوعهٔ ما به کشیدن این جاده امر فرموده و اینك بتوجهٔ مخصوص اعلیحضرت همایونی تاجدار نامدار ما جادهٔ شکاری تعمیر و اختتام پذیرفته و حاضراً موتر ها و لاری ها بکمال سهولت بین ولایات شمالی مملکت و کابل عبور و مرور می‌نمایند . در عصر برجسته نادر شاهی اولین بار است که مسافرت بین کابل و مزار در ظرف یکشب یادوشب و روز انجام میشود .

بر علاوهٔ جاده های قندهار ، هرات ، میمنه ، مزار ، قطغن و بدخشان در سائر نواحی وطن عزیز جاده های نوین دیگری هم درشرف تاسیس است مثل بین خان آباد ومزار ، میمنه و مزار ، و غیره .

بند ها و نهر ها

درعصر شهریار شهید که تمام وسائل آبادی مملکت و ترقی زراعت در نظر گرفته شده بود برای کشیدن نهر ها و ساختن بند ها و مشروب ساختن اراضی لامزروع توجه به ساختن بند ها و نهر هائیکه در ذیل ذکر میگردد اجرا آت شده است .

در ظرف این مدت قلیل بعضی از ین بند ها و نهر ها عنقریب تمام میشود و ملت ازان مستفید میگردد ، و کار دیگر بند ها و آنهار در جریان بوده نظر بتوجه ومساعی اولیای امور به همین نزدیکیها تمام میشود :

۱ : درزنه خان غزنی برای آبیاری (۹۷۷ ، ۱) جریب زمین بساختن بندی اقدام شده و پول کافی برای آبادی آن منظور گشته .

۲ : در سر خاب لهو گر نیز بندی ساخته میشود که (۹۰۰۰) جریب زمین ازان مشروب میگردد و این بند اهمیت زیادی برای آبادی سرخ آب دارد نقشه و اندازهٔ مصارف این بند تماماً از طرف حکومت تدارك گشته و تاحدی آباد هم شده .

۳ : بند خروار (۳۰۰۰۰) جریب زمین را آبیاری میکند ، این بند نیز از یادگار های برجستهٔ دورهٔ نادر شاهی است .

٤ : دوقرغهٔ پغمان بندی زیر تعمیر است و ازان (۲۵۰۰۰) جریب زمین سرسبز میگردد ، این بند دربین پغمان و کابل در حد قرغه ساخته میشود و یکحصهٔ بزرگ اراضی لامزروع را صالح الزراعت میگرداند .

۵ : بند سرده غزنین نیز یکی از کار های مهم عصر همایون نادر شاهي بحساب میرود (۱۰۸۰۰۰) جریب زمین در تحت آن قابل زراعت میگردد .

٦ : بند سراج غزنین قابل آن دیده شده که (۱۵ ، ۱) متردیگر دیوار مذکور بلند شود زیرا بواسطهٔ این ارتفاع (٤۵۰۰) جریب زمین دیگر نیز تحت آبیاری می آید .

۷ : نهر سراج جلال آباد که ۱٤ هزار جریب زمین در تحت آن آباد و آبیاری میشود از سالها خراب و نیم کاره مانده در عصر اعلیحضرت همایوني یکمقدار پول بکفی برای آبادی و تکمیل آن منظور و مجدداً بکار افتاده حال در شرف اتمام است .

۸ : برای رفاهٔ مسافرین کاریز خیرآباد در علاقهٔ مزار شریف ساخته شده .

۹ : احداث یك نهر جدید درد که : دکه سرحد مهم سمت شرقی افغانستان است ، دریای بزرگ کنر بدون آنکه زمین های بایر آنجارا مشروب کنداز (دکه) عبور کرده به هند میریزد اینك در عصر اصلاح پسند نادر شاهي نهر جدیدی که کلیه زمین های خشك و بایر آنجا را مشروب خواهد کرد از دریای مذکور جدا گردیده و کار آن درشرف اتمام است .

تاسیس کلوب ها

اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی تمام شعب ترقی ملت را در نظر گرفته و وسایل تعالی ملت و مملکت را فراهم و بهمین منظور برای تولید حس اتفاق و استحکام معاشرت اخلاقی و ادبی و تربیهٔ بدنی بتاسیس کلوب ها امروار ادهٔ سنیه شاهانهٔ شان صادر گردیده و در عصر تاریخی نادر شاهی کلوب های ذیل که هریك دارای مرام بسی عالی میباشد تاسیس یافته است :

۱ : کلوب وزارت حربیه ۲ : کلوب وزارت خارجیه بنام (محفل ستور) ۳ : کلوب وزارت معارف .

تاسیس کورسهای السنه

برای مامورین دوائر دولتی و باقی ارباب ذوق که میل لسان خارجی دارند ، در سال گذشته کورسهای السنهٔ ذیل بارادهٔ دولت متبوعه از طرف وزارت معارف مجانی تاسیس یافته یکعدهٔ بزرگ افراد حساس و علم دوست وطن داخل این کورسها شده و مشغول تحصیل اند .

۱ کورس زبان پشتو .

۲ کورس زبان فارسی برای خارجیها که مستخدم دولت میباشند .

۳ کورس لسان آلمانی .

٤ کورس لسان فرانسوی .

۵ کورس لسان انگلیسی .

انجمن کشافان

یکی از موسسات مهم عرفانی که در عصر درخشان نادری بروی کار آمده است انجمن کشافان افغانستان است که بفرمان مبارك نمبر ۲۲۵۲ ذات همایونی تاسیس شده ، مقاصد این انجمن این است که اطفال افغانستان را بدون تشخیص قوم و حیثیت امداد کند تا آنها بتوانند افراد صحیح وطن خود شده در عین زمان تابع فرائض خداوندی و شریعت بنوی (صلی الله علیه و سلم) بوده به ملت خود وفادار باشند ومفاد شخص خود را برای مفاد اجتماعی ایثار کنند ، و از بدی افکار و افعال سوء اجتناب ورزند .

روح این مسلك همانست که بچه ها به تعهد شخصی در تحصیل معاش خود اقتدار پیدا کنند وابداً منحصر برامداد دیگران نباشند برای قیام صحت خوب اقسام سپورتها بکنند .

در مملکت خود ، ماحس کرده میتوانیم که از کدام پهلو فکراً و اخلاقاً و من حیث صحت عمومی پست شده میرویم و اگر بخواهیم بچه صورت میتوانیم این نقایص را دفع کنیم همان است که اسباب ترقیات ماضیهٔ اسلام را با طرز زندگانی موجوده تطبیق داده پروغرام صحیح تعلیم و تربیهٔ اسلامی ـ اخلاق ـ مدنی را حسب ارشادات ذات ملوکانه در لباس کشافی وزارت جلیلهٔ معارف به افغانستان معرفی کرده از طلاب مکاتب مرکز (کابل) یکعده متعلمین را برضا

و رغبت خود جمع آوری نموده به لباس مخصوص کشافی بار اول بتاریخ ۲۳ میزان ۱۳۱۰ در جشن نجات وطن در معرض نمایش گذاشت .

نظریهٔ وزارت معارف اینست که اساس اخلاق صحیح اسلامی ، ایثار ، حلم و صداقت را از ایام طفولیت به طرز تعلیم مخصوص در قلوب اطفال جای بدهد درینجا تذکار میکنیم قبل ازین که یکنفر داخل این مسلك میشود وعدهٔ آتی را میدهد : ـ

به شرف اسلامیت وانسانیت خود قسم میخورم : ـ

۱ ـ متابعت فرائض خداوندی . شریعت غرای محمدیص ، احکام پادشاه و خدمت مملکت را میکنم .

۲ ـ درهمه وقت به بنی نوع بشر امیداد میکنم .

۳ متابعت اصولنامهٔ کشافی را مینمایم .

اصولنامهٔ کشافی مشتمل برده مواد آتی است .

۱ ـ شرف کشاف را اعتماد باید کرد (زیرا که کشاف همه وقت راست میگوید) .

۲ ـ کشاف وفا دار پادشاه ومملکت خویش، آمران، والدین، بالا دستان خودمیباشد.

۳ ـ فریضهٔ کشاف است که خودش مفید وبر دیگران امداد برساند .

٤ ـ کشاف رفیق همه کس و برادر هر کشاف دیگر میباشد بدون لحاظ اینکه موخرالذکر چه حیثیت دارد .

۵ ـ کشاف حلیم میباشد .

٦ — کشاف برحیوانان مهربان میباشد

۷ — کشاف احکام مشروعهٔوالدین ، دلسگی مشر ومعلم خودرا بدون عذر تعمیل می کند .

۸ — کشاف درجمیع مصائب قوی دل و صابر میباشد یعنی مصیبت که به او می آید بکمال صبر آنرابرداشت می کند .

۹ — کشاف مقتصد میباشد .

۱۰ — کشاف درافکار ، کلام وافعال خودپاك میباشد .

پس اگر بنظر دقیق تعلیم کشافی دیده شود معلوم میگردد که اصولنامهٔ کشافی مبنی بر اساس صحیح اسلامی واخلاقیست .

موسسه‌های صنعتی که در عصر همایون نادرشاهی تأسیس یافته

۱ ـ فابریکهٔ صابون سازی : درماه‌دلو ۱۳۰۹ تاسیس ودرماه جوزا ۱۳۱۱ افتتاح گردیده دارای (۱۲) پایه‌ماشین سیستم جدید است که می‌تواند روزانه (۳۰۰۰) قالب صابون بسازد .

۲ ـ فابریکهٔ ترمیم موتر : بتاریخ ٦ سنبله ۱۳۱۰ تاسیس و بتاریخ ۱۰ حمل ۱۳۱۱ افتتاح گردیده دارای (۱۸) پایه ماشین بوده هر نوع ترمیمات موتر را میتواند .

۳ ـ فابریکهٔ کانسروه : (حفظ میوه و غیره) در ۱۵ سنبله ۱۳۱۱ تاسیس و در ۱۰ اسد ۱۳۱۱ افتتاح گردیده (۱۰) پایه ماشین های جدید و یك عدد دیگ بخار دارد و برای اقسام میوه و سبزیجات و انواع گوشت قطی میسازد .

٤ ـ فابریکهٔ تیل کشی : در٦ سنبله ۱۳۱۰ تاسیس و در ۱۰ حمل ۱۳۱۱ افتتاح گردیده دارای (۱۱) پایه ماشین میباشد و از اقسام دانه های نباتی روغن میکشد .

۵ ـ فابریکهٔ تکمه سازی : در اول قوس ۱۳۰۹ به کار افتاده دارای (۱۲) پایه ماشین و یك عدد دیگ بخار است واز هرنوع مواد ازقبیل شاخ، استخوان هرقسم تکمه ساخته‌می‌تواند.

٦ ـ فابریکهٔ نجاری مرکز : در اول قوس ۱۳۰۹ بکار آغاز نمود و در ۷ میزان ۱۳۱۱ عدهٔ ماشین ها زیاد گشته فعلاً (۲۵) پایه ماشین دارد اقسام موبل (چوکی میز و غیره) به کمال نفاست و متانت در فابریکهٔ مذکور ساخته می شود .

۷ ـ فابریکهٔ جراب و بنیان بافی : در قوس ۱۳۰۹ بکار آغاز نمود (۱٤۹) پایه ماشین جراب و (۱۰) پایه ماشین بنیان و (٦) پایه ماشین دوخت و نخ باز کردن و غیره موجود دارد از نخ و سند و پشم جراب ، بنیان ، مفلر ، جاکت های زنانه و غیره بافته می تواند .

۸ ـ فابریکهٔ نختابی و پارچه بافی : در ۸ سنبله ۱۳۱۱ در جبل‌السراج تعیین یافته (۵۱) پایه ماشین پاك کردن و آماده ساختن پنبه و (۱۹) پایه ماشین نختابی و (۳) پایه ماشین بیلن و مشله و (۵۰) پایه ماشین بافت و (۱۰) پایه ماشین رنگ آمیزی و اتو و غیره دارد، سان ،کشمیرهٔ نخی ، جوت ، جیم ، تسرنخی ، تکه های پیراهنی و غیره دران ساخته‌میشود .

۹ ـ فابریکهٔ پشم تابی و پشمینه بافی : این فابریکه به قندهار تعیین یافته .

۱۰ فابریکهٔ نجاری دارالامان : این فابریکه دارای (۱۳) پایه ماشین نجاری میباشد که

در ابتدا بذریعهٔ موتر های تیلی گردش داشته و در ۱۵ عقرب ۱۳۱۱ وسعت یافته و موتر برقی دران نصب گردیده .

تعمیر بالاحصار کابل

مقام برجسته و تاریخی بالاحصار کابل را هر فرد حساس این جامعه میداند که در زمانه های ٦۰ سال قبل دارای چگونه آبادی و افتخارات بوده و چگونه رجال و طبقات ممتاز ملت ما دران اقامت گزین شده اند و بالآخره در اثر تصادف حوادث ناهنجار دهر ایام سعادتش نقصان پذیرفته و بواسطهٔ انتحار نمایندهٔ دولت انگلیس حریق و خراب شده و سالهای متمادی این شهر تاریخی بحال خرابی و ویرانی افتاده و بصورت مزبلهٔ تحویل شده بود .

از زمامداران سابق هیچکدام در فکر آبادی و تجدید این بنا که بشئون و احترام ملت عزیزما علاقهٔ بزرگی داشت نیفتاده و ابداً مورد اعتنائی نمیشد .

حضور اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی که همواره بافتخارات وعزت و آبروی ملت خود طرفدار بوده و به اینگونه مطالب نافعهٔ اجتماعی و عمران و آبادی وطن توجه و مساعی جمیلهٔ بکار برده اند لهذا نخواستند این داغ تحسر در قلوب ملت شان باقی مانده و این شهر تاریخی بحال اسف آور خرابی افتاده باشد ، بنا بران در آغاز سال جاری ۱۳۱۲ بتجدید تعمیر آن قد مردی ومردانگی را علم و نخست بحیثیت یك فردعمله بذات همایون خود شان بکار آغازفرمودند اینك بطوریکه هموطنان عزیز دران جا برای تفریح رفته و ملاحظه میکنند همان بالاحصار مخروبه و مزبله در ظرف ٦ ماه بگلستانی تبدیل یافته و دو باره موقعیت زیبای تاریخی خود را احراز کرده است ، تعمیر عمارات مکتب حربیه در انجا که از نفیس ترین فکر و ارادهٔ ملوکانه است نیز بوضع نیم کاره رسیده و امید است بهمین جدیت و فعالیتیکه درینقدر مدت قلیل کار های تسطیح و ساختن شوسه ها و احداث باغ و اشجار و گل کاری های بالاحصار صورت گرفت این تعمیر نیز به سرعت انجام پذیرفته و چراغ روشنی دران شهر زیبا محسوب شود .

حاضراً کار ها و اموریکه در بالاحصار جاری بوده و نقشه های مهمی که در نظر است امید میرود بالاحصار برخلاف آبادی سابقهٔ خود و دیگر تفریح گا های موجودهٔ معروفی که درکابل و نواحی آنست این نقطه بمراتب بهتر و خوب تر ازان ها بعمل آید .

اعلیحضرت شهریار شهید محمد نادر شاه غازی که بروز سانحهٔ مؤلمهٔ شهادت در چمن دلکشا
برای تقسیم انعامات طلاب تشریف برده اند .

گرچه در اوراق گذشته آنچه از کارنامه ها و خدمات محسوس آن شهریار فقید بما معلوم بود ذکری کرده و در قید نگارش آوردیم . ولی مقام خدمت گذاری و مقدار شرافت و لیاقت آن تاجدار مغفور بالاتر ازان است که قلم ناتوان ما آن را بدرستی تشریح کرده و موقعیت بلند و قیمت واقعی آن نابغهٔ بزرگ را توضیح نماید .

فقط باید با نهایت رقت و تاثر اعتراف کنیم که مملکت بد قسمت ما یکدولت بزرگ و یك موهبت شریف آسمانی را فاقد شده و هیچ وجه ازین خسارهٔ مهم را جبیره کرده نمیتواند .

ولی خدای متعال مثل ذات اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه جوان و فرزند صالح ازان شهریار فقید یادگار نجیب و باز مانده شریفی بملت ما عنایت فرموده که فقط امروز وجود مبارك این شهریار جوان و باقی خانواده نجیب و برادران رشید و صادق آن شاه مغفور است که قلوب جریحه دار ملت ما را مرهم داری کرده و اسباب صبر و تسلیت می شوند .

ما از خدای متعال عمر و اقبال تاجدار کنونی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نجیب را مسئلت نموده موفقیت و سعادت ذات همایونی و باقی خانواده شریف شان را میخواهیم . و آخراً درود و تحیات بروح مبارك آن شهریار شهید و تاجدار فقید خود میفرستیم .

یوم چهارشنبهٔ ١٦ عقرب
١٣١٢ ش

بسم الله الرحمن الرحیم

مطابق ١٩ شهر رجب
١٣٥٢ ق

ابلاغیهٔ رسمیهٔ شهادت شاه شهید

وسلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر خان

خلد الله ملکه و سلطنته

. . . . . .

اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه پادشاه غمخوار ما وشما وتمامی ملت افغانستان دریوم چهار شنبه ١٦ عقرب بساعت سه بجهٔ بعد از ظهر در احاطهٔ قصر دلکشا از دست یکنفر جانی و خائن غدار بزخم تفنگچه شهید اکبر گردیدند - انالله و انا الیه راجعون - بر حسب امر شریعت غرا این خادم اسلام و تمامی مشایخ گرام و علمای اعلام و وزراء و مامورین و عساکر و رعایای مرکز کابل به ذات عالی شهزاده محمد ظاهر خان فرزند ارشد اعلیحضرت غازی و شهید رحمت الله علیه بیعت نموده و بدل و جان ربقهٔ اطاعت این پادشاه جوانبخت را که خدای عالم یار و مددگار شان باد بدوش قبول گرفتند . این ازطرف اعلیحضرت ممدوح قبول و بروز مذکور اعلیحضرت شان بپادشاهی افغانستان شناخته شدند .

باین ذریعه شما غربزان را ازین قضیهٔ واقعه مستحضر گردانیده برایتان امر میدارم که بیعت اهالی وعساکر و مأمورین آنجا را بنام اعلیحضرت محمد ظاهر خان استحصال وارسال حضور داشته و مدت سه روز در آنجا فاتحهٔ اعلیحضرت غازی شهید را بگیرید .

وکیل صدر اعظم
وزیر امورحرب « شاه محمود »

تشییع جنازهٔ اعلیحضرت تاجدار شهید افغانستان بطرف مسجد عید گاه

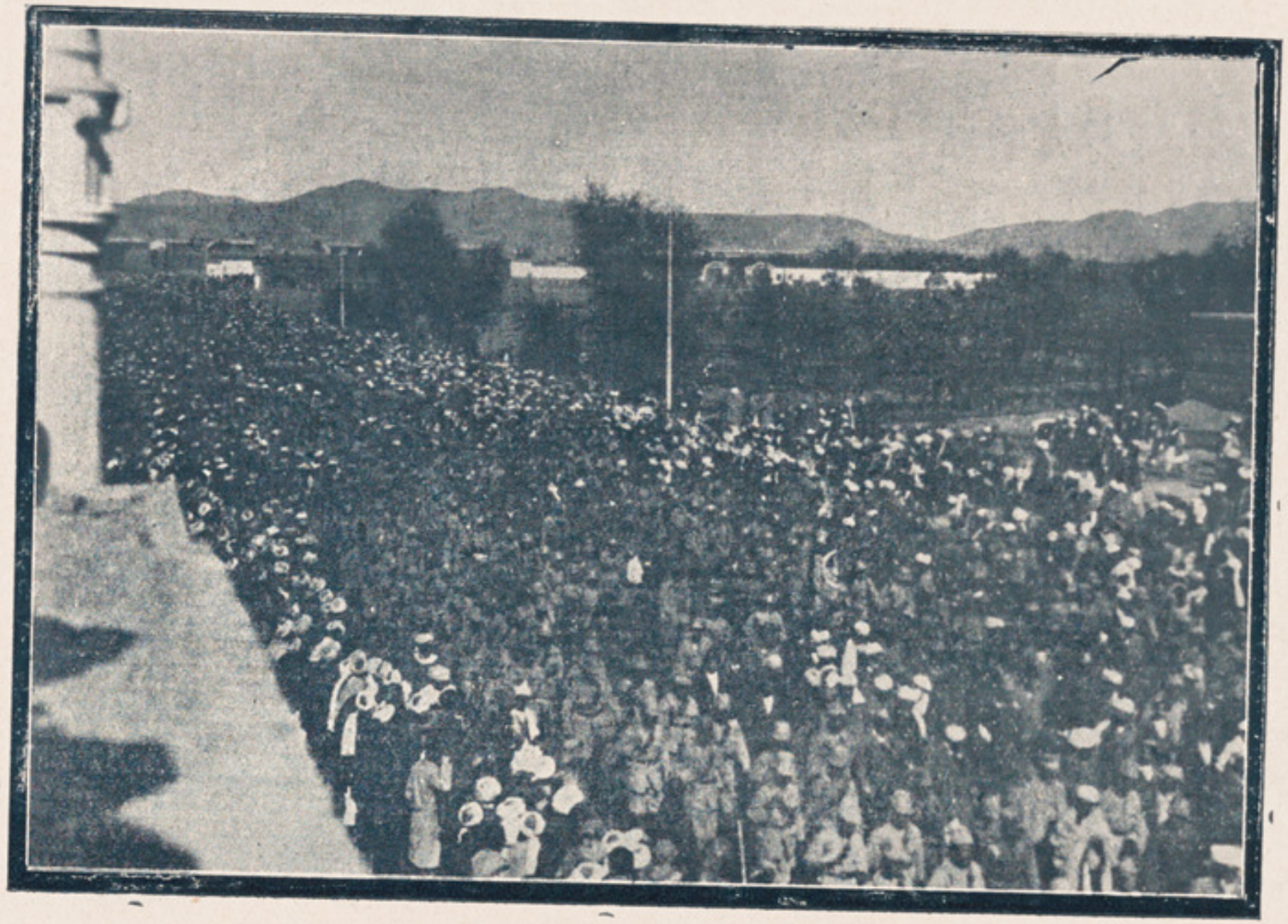

تشییع جنازهٔ اعلیحضرت شهید سعید محمد نادر شاه غازی بطرف مسجد

مراسم تشییع جنازه اعلیحضرت غازي

محمد نادر شاه شهید غفر الله له

مراسم تشییع جنازه و تدفین آن شهید راه سعادت مملکت افغانستان که در روز پنجشنبه ۱۷ عقرب گرفته شده بود : در روز مذکور بدون آنکه از طرف دوائر رسمیه اعلامی شده باشد عموم طبقات فوج فوج و گروه گروه چون سیلاب مواجی در اطراف سرك سمت شرق ارگ وطول جادهٔ استقلال و وزارت حربیه و مسجد عید گاه ـ بایك عالم تأثر واندوه دیده میشدند که از تقدیم بیعت باعلیحضرت محمد ظاهر خان در سلام خانه فراغت یافته و بطرف مسجد عید گاه برای ادای نماز جنازهٔ آن شهید سعید راه خدمت و طن می شتافتند ، از جلو در وازهٔ شرق ارگ الی مسجد عید گاه وتپهٔ مرنجان افراد قطعات عسکری و صنوف متعددهٔ اهالی درحالیکه تماماً غوطه خوار امواج حزن واندوه والمفوق العاده بوده اند ، دیده میشدند عساکر ـ با فاصلهٔ مختصری ازهم ایستاده و تفنگ های خودرا بعلامت تعزیت معکوساً بدوش افگنده بودند ـ ومقرر گردیده بود که جنازهٔ آن پادشاه معظم وشهیدراه وطن بحمل موتر به مسجد عیدگاه (جهت دای نماز جنازه) و از آنجا بعدفن آبائی شاه شهید ـ بتپه مرنجان نقل داده شود همان است که درساعت ۱۱ ـ روز جنازهٔ آن شهید سعید بحمل موتریکه به اقسام گل ها تزئین شده ـ وقار و عظمت مخصوصی بخود گرفته بود ـ از ارگ خارج ودرحالیکه درجلو آن قطعات عسکری با علم های شریف و به عقب آن وزراء ، معین ها ، رؤساء و اعضای مجلس اعیان و شورا ، جمعیت العلماء و مشایخ و علما و صاحبمنصبان بزرگ نظامی و ملکی با یك عالم اندوه و تأثر و آه وفغان آنرا مشایعت میکردند ـ به تأنی طرف مسجد عیدگاه بحرکت افتاد و درعرض راه بر جنازهٔ مبارکهٔ شاه شهید از هر طرف گلها نثار و غلغله های تکبیر و تهلیل آمیخته با غریو و فغان شنیده میشد ، و بهمین ترتیب به ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه به دروازهٔ مسجد عیدگاه واصل و درین موقع از طرف قطعات عسکری با نوای موزیکه و آداب عسکری ـ ادای سلام و احترام گردیده و موتر حامل جنازهٔ آن شهید سعید جنت مکان در میان غریو و فریاد و فغان عموم طبقات داخل محوطهٔ مسجد عیدگاه (که سرتاسر آن از منتظرین صلوة جنازهٔ شاهانه

مملو بود) گردیده و بدوش صاحبمنصبان بزرگ نظامی وعلمای محترم به محل ادای نماز جنازه نقل داده شد ـ و نماز جنازهٔ آن شاه شهید و سعید به جمعیت کثیری [که نظیر آن تا کنون در آنجا دیده نشده و گویا که ملائك از آسمان جهت اشتراك در نماز جنازهٔ ایشان نازل شده بود] به بهترین طرزی ادا گردید ، در خاتمهٔ نماز جنازه و تلاوت ادعیهٔ طولانی کثیره بر روح آن شاه شهید و سعید و ذکر آن محاسن و مزایای تاریخی و اسلامی و خدا شناسی و ملت پروری و وطن دوستی وخدمات عالی ذات شهریاری که درطول حیات درخشان شان برای ملك وملت افغانستان انجام داده اند و اینکه آن جنت مکین طوریکه درین دنیای فانی پادشاه معزز و معظم بودند در عقبی نیز در زمرهٔ سلاطین شهداء شامل شدند ولی افغانستان ازین ناحیه بواسطهٔ اقدام یك شقی سیه روز کار خسارهٔ زیادی کشید که تلافی آن بجز ازینکه ما دست بیعت را بفرزند ارشد این شاه شهید ، اعیحضرت محمد ظاهر خان داده ایم و بخاندان شریف نجیب شان یك اخلاص و اعتماد کاملی بدل می پروانیم ، بدیگر صورت ممکن نیست ؛ از زبان حقائق ترجمان جناب مستطاب نورالمشایخ صاحب به لهجه و آهنگ مخصوص رقت آوری که عموم حضار را بگریه در آورده بود ؛ بیانات مهیج وموثر دیگری نیز ایراد گردید و عموم علما ، فضلاء ، امنا ، و معاریف ملکی و نظامی حتی عموم طبقات ملت مناقب ومزیای عالیه اخلاق ومراتب خدمت گذاری و جان نثاری ودیانت پروری و ترقی خواهی آن شاه شهید و سعید را تذکر نمودند ، بعد از ادعیهٔ کثیره بر روح مبارك آن شاه شهید جنت مکان وبقای عمر و اقبال اعلیحضرت محمد ظاهر خان تاجدار جدید افغانستان بهمان تجلیل و احترامات فوق‌العاده جنازه آن شاه شهید راه سعادت و مفخرت مملکت افغانستان را به موتر حمل و بطرف تپهٔ مرنجان با یك آداب و احترامات مجللی نقل دادند ـ لدی الوصول به دروازهٔ مسجدعیدگاه مجدداً قطعات عسکری مراسم سلام واحترامات شایانی‌را ایفا کردند وموترجنازه با تجلیل و وقار مخصوصی بحرکت افتاد برای اجرای مراسم تدفین آن تاجدار با فضل و تاریخی افغانستان، جمعیت کثیری ازطبقات مختلفه در قلهٔ تپهٔ مرنجان واطراف آن مشاهده می شد، عندالورود به حدود مدفن ، جنازهٔ آن شهید سعید بدوش علمای محترم وصاحب منصبان عسکری ومعاریف ملی که هرکدام ازیکدیگر برای تشرف جستن بآن پیشی می گرفتند ـ به مدفن نقل وبر طبق مقررات اسلامی ، آن فخر تاجداران افغانی راکه طول حیاتش را یك سلسله مجاهدات و خدمات تاریخی در راه حصول سعادت خاك افغانستان تشکیل میداد و اخیراً در راه خدمت همین خاك جان عزیز خود را باخت بظهر پنجشنبه که شب جمعهٔ محمدی (ص) آنرا استقبال کرد ، بخاك سپردند .

تلگرامهاي واصلهٔ تعزیت و تهنیت

تلگرام اعلیحضرت پهلوي شهنشاه ایران

بعنوان اعلیحضرت محمدظاهر خان شاه افغانستان

« از خبر وحشت اثر شهادت اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی نهایت متأثر شدم و بقلب »
« مملو از حزن و الم تسلیت صمیمی خود را بآن اعلیحضرت و خانوادهٔ سلطنت اظهار صبر و »
« شکیبائی شانرا درین حادثهٔ مولمه از خداوند متعال مسئلت می نمایم . « رضا شاه پهلوی »

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمد ظاهرخان شاه افغانستان

بعنوان اعلیحضرت پهلوی شهنشاه ایران

« ازاظهار تأثرات قلبی آن اعلیحضرت نسبت به سانحهٔ شهادت حزن انگیزاعلیحضرت پدرم »
« خیلی متأثر شده صمیمی ترین تشکرات خویش و خانوادهٔ شاهی را بآن اعلیحضرت اظهار و »
دوام صحت و سلطنت شانرا از خداوند متعال مسئلت می نمائیم . » « محمد ظاهر »

تلگرام جلالتمآب رئیس جمهور پولند

بعنوان اعلیحضرت محمدظاهرخان شاه افغانستان

« از خبر سوء قصد جنایت کارانهٔ که منتج بخاتمهٔ حیات اعلیحضرت محمد نادرشاه گردیده »
« عمیقاً متأثر گردیده ازاعلیحضرت شما متمنیم که در عین زمان مراتب تسلیات خیلی صمیمانه و »
« دعا های پرحرارتی را که در موقع تاج پوشی اعلیحضرت شما نسبت به سیادت شخصی وعظمت »
« سلطنت وترقی افغانستان اظهار میدارم ، بپذیرند . « اگناس موسیکی »

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

بعنوان جلالتمآب رئیس جمهور پولیند

« از همدردی پر حرارت جلالتمآب شما نسبت به سانحهٔ درد انگیز شهادت اعلیحضرت »
« پدرم عمیق ترین احساسات خویش را بآن جلالتمآب اظهار و ضمناً از احساسات صمیمانهٔ »
«جلالتمآب درموقع تاج پوشی مان تشکرات خویش را اظهار داشته سعادت و تعالی ملت و مملکت »
« شانرا مسئلت می نمائیم . « محمد ظاهر »

تلگرام اعلیحضرت امپرا طور جاپان

بعنوان اعلیحضرت محمدظاهرخان شاه افغانستان

« اینك باضطراب تمام ازسوء قصدیکه منجر به شهادت اعلیحضرت پدر نامدار و محترم »
« شما گشته مطلع شده بکمال عجله مراتب تسلیت صمیمانه ام را به اعلیحضرت شما »
« اظهار مینمائیم » . « هیرو هیتو »

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

بعنوان اعلیحضرت امپرا طور جاپان

« ازمراتب تسلیت وهمدردی اعلیحضرت شما که بمناسبت شهادت اعلیحضرت پدر شهیدم »
« ابراز فرموده بودید باکمال امتنان اظهار تشکر میداریم » « محمد ظاهر »

تلگرام اعلیحضرت فواد پادشاه مصر

بعنوان اعلیحضرت محمد ظاهرخان شاه افغانستان

« باتألم ترین اضطراب خبرسوء قصد پرجسارتی راکه منجربه خاتمهٔ حیات پدرنامداراعلیحضرت »
« شما شد ، گرفته باتسلیات صمیمانه شدید ترین مراتب رقت و ودادم را میفرستم ، خبر جلوس »
« اعلیحضرت شما به تخت افغانستان حزن وملال خاطرم را تسکین بزرگی داده پر حرارت ترین »
« دعا های خودم را راجع به سعادت و ترقی ملت افغان تحت قیادت اعلیحضرت شما ابراز »
« میدارم » . « فواد »

تلگرام جوابیه اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

بعنوان اعلیحضرت فواد شاه مصر

« ازهمدردی مهربانانهٔ آن اعلیحضرت درموقع سانحه غم انگیز شهادت پدرم کمال تشکر »
« داشته ضمناً از حسن احساسات پر محبت آن اعلیحضرت نسبت به جلوس ما به تخت شاهی »
« افغانستان اظهار امتنان و دوام سلطنت و ارتقای ملت نجیبهٔ شان را از خدای متعال »
« مسئلت مینمائیم » . « محمد ظاهر »

مراسم تشییع جنازه اعلیحضرت شهریار شهید موقع ورود بمسجد عیدگاه جهة ادای نماز جنازه

تلگرام جلالتمآب فان هندنبرگ رئیس جمهور آلمان

بعنوان اعلیحضرت محمد ظاهرخان شاه افغانستان

از خبر مدهشهٔ شهادت اعلیحضرت پدر شما محمدنادر شاه خیلی متاثر و متالم گردیدم ، من با علیحضرت شما احساسات صمیمی وهمدردانهٔ خود را از تمام قلب تقدیم مینمایم . »

«فان هند نبرگ »

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

به عنوان جلالتمآب فان هندنبرگ رئیس جمهور آلمان

« تلگرام همدردی مهر بانانهٔ آن جلالتماب را نسبت به سانحهٔ مؤلمهٔ شهادت پدر محبوبم گرفته مقابلتاً تشکرات و احساسات صمیمانهٔ خود مانرا بجلالتمآب شما اظهار میداریم » .

« محمد ظاهر »

تلگرام جلالتمآب رئیس جمهور دولت فرانسه

به عنوان اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

« از اطلاع اینکه پدر نامدار شما اعلیحضرت محمدنادر شاه در اثر سوء قصد پر جسارت به شهادت رسیدند عمیقانه متأثرشده با علیحضرت شما مراتب عمیق رقت خودم را بیان و از سهم بزرگیکه بمآتم افغانستان و خاندان شاهی گرفته‌ام اطمینان میدهم . «البرت لوبرن»

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمدظاهر خان شاه افغانستان

به عنوان جلالتمآب رئیس جمهور دولت فرانسه

« از پیغام همدردی پرلطف جلالتمآب شما که درین موقع غم انگیز شهادت پدر محبوبم فرستاده‌اید متحسس گردیده خودم و خاندان شاهی و ملت افغانستان بهترین تشکرات و احساسات خویش را بجلالتمآب شما اظهار میداریم » . « محمد ظاهر »

تلگرام دوم جلالتمآب رئیس جمهور دولت فرانسه

بعنوان اعلیحضرت محمد ظاهر خان ، شاه افغانستان

« بکمال عجله درموقع تاج پوشی اعلیحضرت شما شدید ترین مراتب تبریکات و دعا های صمیمانه را که نسبت به سعادت شخص شما و ترقی افغانستان می پرور انم ، ابراز میدارم . »

« البرت لوبرن »

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

بعنوان جلالتمآب رئیس جمهور فرانسه

« از تبریکات و احساسات مودت کارانه جلالتمآب شما که در موقع تاجپوشی ما بسلطنت افغانستان ابراز فرموده اید ، صمیمی ترین تشکرات خویش را به جلالتمآب شما اظهار داشته سعادت شخص شما و ملت نجیبهٔ فرانسه را تمنا مینمائیم . » « محمد ظاهر »

تلگرام وزارت امور خارجهٔ دولت شاهنشاهی ایران

بعنوان وزارت امور خارجهٔ افغانستان

« واقعهٔ فجیع شهادت اعلیحضرت محمدنادر شاه غازی موجب نهایت تأسف و تأثر گردید تسلیات صمیمانهٔ خود را درین مصیبت عمیق اظهار می دارم » « وزیر امورخارجه کاظمی »

تلگرام جوابیهٔ وزارت امور خارجهٔ افغانستان

بعنوان وزارت خارجهٔ دولت شهنشاهی ایران

« پیغام همدردی مهر بانانهٔ شمارا درین موقع درد انگیز شهادت پادشاه محبوب افغانستان گرفته بهترین تشکرات خویش را بجالتماب شما تقدیم می کنیم » . « کیفل وزارت امور خارجه غلام یحیی »

تلگرام وزارت امورخارجهٔ المان

بعنوان وزارت امور خارجهٔ افغانستان

« از فاجعهٔ که نسبت به شهادت اعلیحضرت محمد نادر شاه پیش شده من وحکومت من بشما وحکومت افغانستان همدردی واحساسات خود را تقدیم میکنیم .

« وزیر امور خارجه فون نویرات »

تلگرام جوابیهٔ وزارت امور خارجیهٔ افغانستان

بعنوان وزارت امور خارجهٔ آلمان

« از مراتب تسلیت واظهار احساسات دوستانهٔ جلالتمآب وحکومت شان نسبت به شهادت غم انگیز اعلیحضرت محبوب افغانستان محمدنادر شاه ، خودم وحکومت افغانستان بهترین تشکرات خویش را به شما وحکومت بهیهٔ آلمان اظهار مینمائیم » .

« کفیل وزارت امور خارجه غلام یحیی »

تلگرام وزارت امور خارجهٔ جاپان

بعنوان وزارت امور خارجهٔ افغانستان

« باغصه واندوه شدید خبر حزن انگیز سوءقصد پرجسارتی را که منتج بشهادت اعلیحضرت محمد نادر شاه پاد شاه افغانستان گردید گرفته بکمال عجله از طرف حکومت امپراطوری تسلیات خیلی صمیمانه ام را به جلالت مآب شما ابراز میدارم » .

« وزیر امور خارجه کوکی هیروتا »

تلگرام جوابیهٔ وزارت امور خارجهٔ افغانستان

بعنوان وزارت امور خارجهٔ جاپان

« از اظهارات پرلطف خیلی همدردانهٔ جلالت مآب نسبت به سانحهٔ مؤلمهٔ شهادت پاد شاه محبوب افغانستان خیلی متحسس شده تشکرات صمیمانه ام را به جلالت مآب شما وحکومت امپراطوری جاپان تقدیم میدارم » . « کفیل وزارت امور خارجه غلام یحیی »

تلگرام وزارت امور خارجهٔ دولت علیه عراق

بعنوان وزارت امور خارجهٔ افغانستان

« بجلالتمآب شما تأثرات وتعزیت عمیق خود وحکومت عراق رادرین ضیاع بزرگ قوم افغان نسبت به شهادت اعلیحضرت محمدنادر شاه تقدیم میدارم » . «وزیر امور خارجه نوری السعید »

تلگرام جوابیهٔ وزارت امور خارجهٔ افغانستان

بعنوان وزارت امور خارجهٔ دولت علیهٔ عراق

« از اظهار تاثرات جلالتمآب شما و حکومت علیهٔ عراق درین مواقع الم انگیز شهادت پاد شاه محبوب افغانستان بهترین احساسات وتشکرات خود را تقدیم می کنیم » .

« کفیل وزارت امور خارجه غلام یحیی »

تلگرام وزارت امور خارجهٔ دولت علیهٔ مصر

بعنوان وزارت امور خارجهٔ افغانستان

« به نسبت تخت نشینی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از جلالتمآب شما خواهشمندم که خواهشات پرحرارت حکومت مصر را نسبت به سعادت اعلیحضرت و امنیت ملت افغانستان بآستان تخت پرشکوه اعلیحضرت خویش تقدیم فرمائید » . « وزیر امور خارجه عبدالفتاح یحیی »

تلگرام جوابیهٔ وزارت امور خارجهٔ افغانستان

بعنوان وزارت امور خارجهٔ دولت علیهٔ مصر

« از اظهار احساسات پرلطف حکومت علیهٔ مصر و آن جلالت مآب نسبت به تاجپوشی اعلیحضرت اقدس محمدظاهرشاه عمیق ترین تشکرات خویش‌را تقدیم کرده سعادت وارتقای ملت ومملکت مصر را از خدای متعال مسئلت میداریم » . « کفیل وزارت امور خارجه غلام یحیی »

تلگرامهای تعزیت و تهنیت

مامورین و اتباع افغانی از خارج

تمام نمایندگان افغانی مقیم دول خارجه و هیئت اداری شان و افغانانیکه در نقاط خارج مقیم اند ، توسط تلگراف‌های متعددهٔ خود ها با کمال تأثر واندوه به نسبت شهادت اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی پادشاه خیر خواه و محبوب خویش بحضور اعلیحضرت همایونی محمد ظاهرخان پادشاه افغانستان ، مراتب تعزیه و سوگواری خود ها را اظهار و هم نسبت به جلوس میمنت مانوس پادشاه جوان بخت خویش ابراز تهنیت و تبریکات تقدیم و بیعت نموده اند ، و هکذا از طرف عموم دوستان افغانستان و خاندان شاهی افغان مقیمین خارج تلگرافات‌متعددی پی‌هم رسیده و میرسد که جوابهای هر واحد آنها از مراجع مربوطه علی‌حسب‌مراتبهم اعطا شده .

تلگرام جلالتمآب موسیو شولتس رئیس جمهور سویس

بعنوان اعلیحضرت محمدظاهر خان شاه افغانستان

ازخبر شوم‌سوء قصدیکه باحساسات محبت فرزندی‌شما صدمه وارد کرده مملکت‌شما را از وجود پادشاه‌بصیری محروم ساخت عمیقاً متغیر شده ، مراتب تسلیات انجمن اتحادیه‌را بشما اظهار مینمایم‌ودرعین‌زمان درین‌موقع تاج‌پوشی‌شما‌پرحرارت ترین تمنیات‌را که راجع بشما وملت‌شما می‌پرورانم ابراز میدارم . « موسیو شولتس »

تلگرام جوابیه اعلیحضرت محمدظاهر خان شاه افغانستان

بعنوان جلالتمآب موسیو شولتس رئیس جمهور سویس

ازپیغام پرحرارت آن‌جلالت‌مآب وانجمن اتحادیهٔ سویس نسبت‌بشهادت پدرمحبوبم احساسات عمیقانهٔ خویش را ابراز و ازتمنیات دوستانهٔ شان درموقع تاج‌پوشی مابهترین تشکرات قلبیهٔ خود وملت افغانستان‌را اظهار داشته سعادت شخص جلالتمآب وملت‌نجیبهٔ سویس راتمنا داریم .

« محمد ظاهر »

تلگرام جلالتمآب موسولینی صدراعظم ووزیر خارجهٔ دولت شاهي ایطالیا

بعنوان وزارت امور خارجهٔ افغانستان

ازضیاع المناك اعلیحضرت پادشاه نادرشاه متأثر شده ، ازجلالتمآب شما خواهشمندم نزد اعلیحضرت متبوع وخاندان شاهی وحکومت ترجمان احساسات من باشید .

« صدر اعظم ووزیر امورخارجه موسولینی »

تلگرام جوابیهٔ وزارت امور خارجهٔ افغانستان

بعنوان وزارت امورخارجهٔ دولت شاهی ایطالیا

ازاظهار احساسات همدردانهٔ جلالتمآب شمابواقعهٔ مولمهٔ شهادت پادشاه محبوب افغانستان متشکر شده تبلیغ مراتب قدر دانی اعلیحضرت متبوع و خاندان شاهی و حکومت افغانستان را بجناب عالی وساطت مینمائیم . « کفیل وزارت امورخارجه غلام یحیی »

تلگرام تعزیت اعلیحضرت امیر غازي شاه عراق

بعنوان اعلیحضرت محمد ظاهرخان شاه افغانستان

« به کمال تألم خبر حزن آور ارتحال اعلیحضرت پدر عالی همت شما را گرفته بکمال عجله مراتب منتهای رقت خود را اظهار و اعلیحضرت شما را از سهم خیلی صمیمانهٔ که به ماتم خاندان شاهی و ملت شما گرفته ام ، اطمینان میدهم . » « غازی »

تلگرام جوابیهٔ تعزیت اعلیحضرت محمد ظاهرخان شاه افغانستان

بعنوان اعلیحضرت امیر غازی شاه عراق

« از پیغام همدردی پر لطف اعلیحضرت که درین موقع غم انگیز شهادت پدر محبوبم فرستاده اید متحسس گردیده خودم و خاندان شاهی وملت افغانستان بهترین تشکرات و احساسات خودمان‌را باعلیحضرت شما اظهار میداریم . » « محمد ظاهر »

تلگرام تهنیت اعلیحضرت امیر غازی شاه عراق

بعنوان اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

در موقع صعود اعلیحضرت شما به تخت سلطنت متمنیم لطف فرموده مراتب تبریکات و دعا های قلبي را که راجع بسعادت شخصي و ترقي ملت شما می پردازم بپذیرید . « غازی »

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

بعنوان اعلیحضرت امیر غازی شاه عراق

« از تبریکات و احساسات دوستانهٔ آن اعلیحضرت که در موقع تاج پوشی ما بسلطنت افغانستان اظهار فرموده اند تشکرات صمیمانهٔ خویش را باعلیحضرت شما اظهار داشته سعادت شخص شما و ملت نجیبهٔ عراق را مسئلت می نمایم . » « محمد ظاهر »

تلگرام جلالتماب رئیس‌الوزراي ایران

بعنوان والاحضرت صدر اعظم صاحب

« خبر بسیار ناگوار قتل اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی موجب کمال انزجار و اسباب نهایت افسوس واندوه دولت شاهنشاهی گردید بدین وسیله مراتب تسلیت صمیمانه و شرکت دولت ایران را درین مصیبت عظمی به تاسفات و تألمات قلبی خود بحضرت والا عرض میدارم . » «فروغی»

تلگرام جوابیهٔ والاحضرت وزیرصاحب حربیه وکیل صدراعظم صاحب

بعنوان جلالتمآب رئیس الوزرای ایران

« از مراتب همدردانه و مودت کارانهٔ دولت شاهنشاهی ایران و اظهارات دوستانهٔ ذات والای شما نسبت بشهادت اسف اشتمال پادشاه معظم و محبوب افغانستان اعلیحضرت محمدنادر شاه باکمال امتنان متشکر شده آرزو های صمیمانهٔ خود را برای اعتلای دولت شاهنشاهی و سعادت ملت نجیبهٔ آن ابراز میکنم » . « کفیل صدراعظم شاه محمود وزیر حرب »

تلگرام جلالتمآب عصمت پاشا رئیس الوزراي حکومت بهیهٔ ترکیه

بعنوان والاحضرت صدر اعظم افغانستان

بسبب ار محال اعلیحضرت همایون نادر شاه تاثرات قلبیه و تعزیت صمیمی ترین حکومت جمهوریه را به حضور ذات دولت شما عرض میدارد . « عصمت »

تلگرام جوابیهٔ کفیل والاحضرت صدراعظم افغانستان

بعنوان رئیس الوزرای جمهوریت تورکیه

ازاظهار تعزیت وهمدردی حکومت جمهوریهٔ تورکیه نسبت به‌شهادت پردردپادشاه‌محبوب افغانستان اعلیحضرت محمدنادرشاه متحسس ومتشکر شده آرزو های بی‌آلایش خودرابرای‌سعادت حکومت تورکیه وتعالی ملت نجیب شان ابراز میکنم . « شاه محمود وزیر حرب و کفیل صدر اعظم »

تلگرام وزارت امور خارجهٔ دولت بریطانیا توسط وزارتمختاري بریطانیا متعینهٔ دربار شاهی کابل

بعنوان وزارت امور خارجهٔ افغانستان

« از شنیدن خبرقتل جنایت آمیز اعلیحضرت محمد نادر شاه ، پادشاه دولت بهیهٔ برطانیه بی اندازه متأثر و مضطرب و مغموم گردیده و میخواهد اظهار تسلیت و همدردی خیلی صمیمی خود را بادولت علیهٔ افغانستان و تمام ملت آن مملکت اظهار بنماید . »

« در عین حال آرزو دارند که تبریکات و خواهشات صمیمانهٔ خود شان را برای مداومت خیریت و عافیت افغانستان تحت سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر خان تقدیم نمایند .

تلگرام جوابیهٔ وزارت امور خارجهٔ افغانستان

بعنوان وزارت امور خارجهٔ دولت بریطانیا

« پیغام همدردی آنجلالتمآب را مبنی برابراز تأثرات صمیمی حکومت اعلیحضرت پادشاه بریطانیا نسبت بواقعهٔ مؤلمهٔ شهادت اعلیحضرت پادشاه معظم افغانستان محمدنادرشاه شهید گرفته ، خیلی متحس ومتشکر گردیدم و درکمال عجله احساسات حکومت شاهنشاهی را بحکومت متبوع خویش رسانیده درعین حال مراتب تبریکات و خواهشات صمیمانهٔ حکومت اعلیحضرت پادشاه بریطانیارا نسبت بمراسم تاجپوشی اعلیحضرت همایونی محمدظاهر خان پادشاه افغانستان اظهارنمودم شرف دارم که مراتب تشکرات واحساسات بسیار دوستانهٔ حکومت شاهانهٔ اعلیحضرت محمدظاهر خان وملت افغانستان را بحکومت اعلیحضرت پادشاه بریطانیا وملت شان برسانم » .

تلگرام وزارت مختاري افغاني ازلندن

مارشل کورد پیلو ماتیك ازطرف شاه انگلستان بسفارت آمده نسبت بواقعهٔ حسرت آور اعلیحضرت شهید اظهار تاسف وهمدردی نموده وجلوس اعلیحضرت محمدظاهر خان را تبریك وتهنیت گفته اند .

تلگرام وزارت امور خارجهٔ تورکیه

بعنوان وزارت امورخارجهٔ افغانستان

بهسبب خبر ارتحال همایونی که باتأثر عظیم مطلع شدهام حسیات تعزیت کارانه امرا به جناب عالی بذات دولت ، بامسارعت عرضمیدارم　　« توفیق رشدی »

تلگرام جوابیهٔ وزارت امورخارجهٔ افغانستان

بعنوان وزارت امور خارجهٔ تورکیه

از پیام همدردی لطف کارانهٔ جلالتمآب شما نسبت بسانحهٔ پر درد شهادت اعلیحضرت محمدنادر شاه پادشاه محبوب افغانستان مراتب امتنان خویش‌را به جلالتمآب شما تقدیم میکند .

(کفیل وزارت امور خارجه غلام یحیی)

تلگرام تعزیت اعلیحضرت شاه ایطالیا

بعنوان اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

« از اعلیحضرت شما متمنیم لطف فرموده شدید ترین مراتب تسلیاتم را نسبت به ضیاع حزن آور پدر نامدار شان قبول فرمایند . » « و یکتور اما نوئیل »

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر خان

بعنوان اعلیحضرت شاه ایطالیا

« از پیغام محبت آمیز اعلیحضرت شما نسبت به سانحهٔ حزن انگیز شهادت پدر معظم مان ، بهترین احساسات خویش‌را بآن اعلیحضرت اظهار میداریم . » « محمد ظاهر »

تگرام تهنیت اعلیحضرت شاه ایطالیا

بعنوان اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

« در موقع صعود به تخت سلطنت از اعلیحضرت شما متمنیم لطف فرموده بهترین آرزو ها را نسبت به سعادت شخص و مملکت شان قبول فرمایند . » « و یکتور اما نوئیل »

تگرام جوابیهٔ تهنیت اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

بعنوان اعلیحضرت شاه ایطالیا

« از تمنیات پر لطف آن اعلیحضرت که در موقع تاجپوشی ما بسلطنت افغانستان ابراز فرموده‌اند تشکرات صمیمانهٔ خویش را اظهار نموده سعادت شخص اعلیحضرت و مملکت شان‌را تمنا مینمائیم . » « محمد ظاهر »

تلگرام تهنیت جلالتمآب صدر اعظم ایطالیا

بعنوان وزارت امور خارجهٔ افغانستان

« از جلالتمآب شما خواستارم مهربانی‌فرموده آرزوهای‌خیلی صمیمی‌مرا به اعلیحضرت‌شاه نسبت‌به آتیهٔ‌مسعودوسعادت سلطنت‌شان برسانید. » « صدر اعظم ووزیر خارجه موسولینی. »

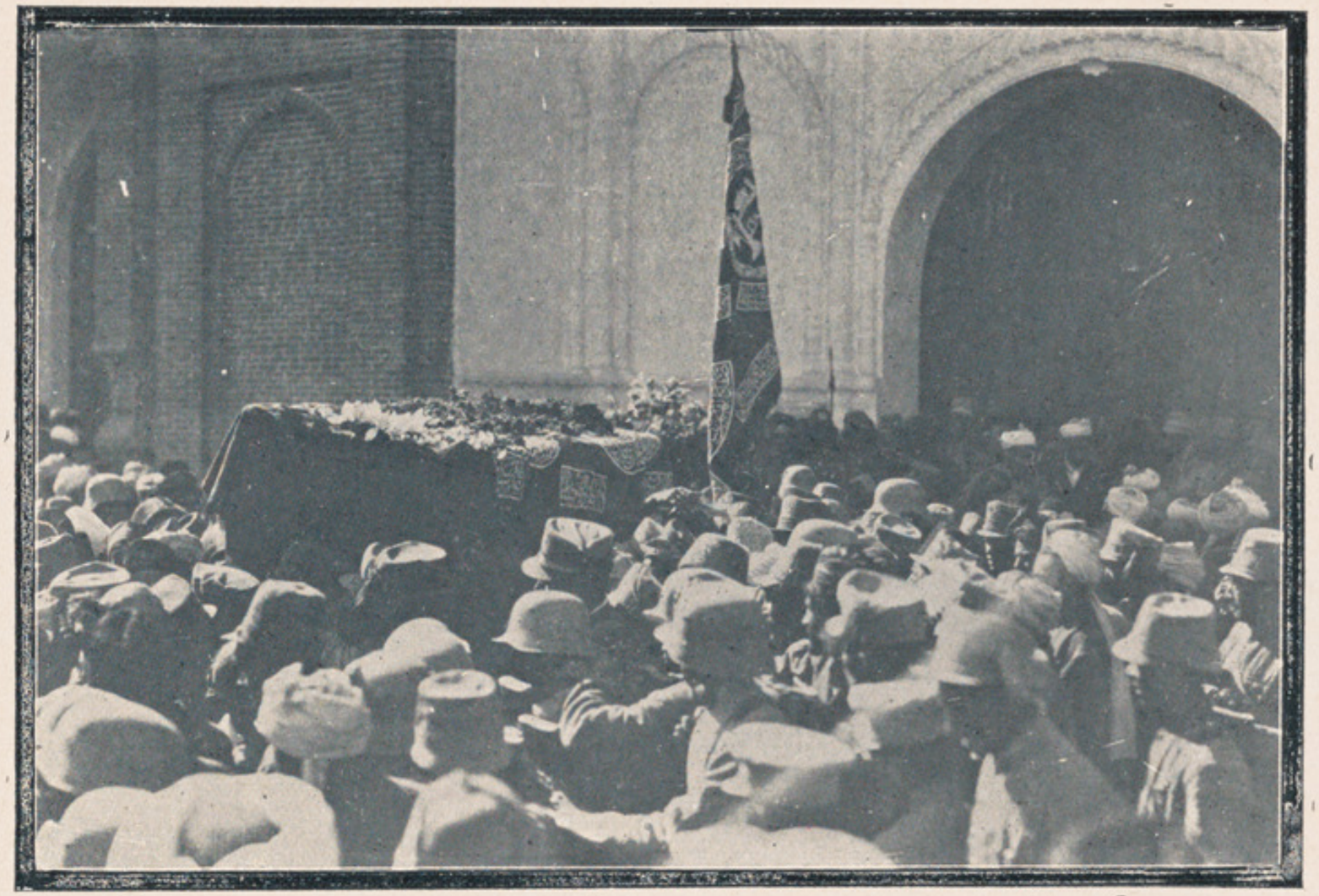

جنازهٔ تاجدار شهید افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی در مسجد عید گاه موقع ادای نماز

تلگرام جوابیهٔ تهنیت وزارت امور خارجه افغانستان

بعنوان جلالتمآب صدر اعظم ایطالیا

« حسیات مودت کارانهٔ جلالتمآب شما را نسبت به‌جلوس اعلیحضرت محمد ظاهرخان به‌حضور شاهانه شان رسانیده مراتب ممنونیت ذات ملوکانه و بهترین تمنیات خودم را به جلالتمآب شما اظهار مینمائیم » . « کفیل وزاتخارجه غلام یحیی »

تلگرام جلالتمآب رئیس الوزراي حجاز

بعنوان وزارت امور خارجهٔ افغانستان

« حکومت علیحضرت با تاسف زیاد توطئهٔ واقعهٔ شهادت محمد نادر شاه را شنیده ومراتب تسلیت خود را تبلیغ داشته در عین زمان نسبت به تخت نشینی مسعود اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تبریك گفته برای ملت افغانی امنیت و سعادت را خواستار است . »

« رئیس الوز را و وزیر امور خارجه فیصل »

تلگرام جوابیهٔ وزارت امور خارجهٔ افغانستان

بعنوان جلالتمآب رئیس الوزرای حجاز

« از مراتب همدردی صمیمانهٔ جلالتمآب شما و حکومت علیه حجاز نسبت به واقعهٔ الم انگیز شهادت پادشاه محبوب افغانستان متأثر و از تبریك جلالتمآبی که بمناسبت تاجپوشی اعلیحضرت محمد ظاهر خان پادشاه افغانستان اظهار فرموده اید تشکرات صمیمانهٔ خودم را باتمنیات سعادت ملت نجیبهٔ حجاز به تقدیم میرسانم . » « کیفل وزارت خارجه غلام یحیی »

تلگرام تعزیت و تهنیت شاه و ملکهٔ بلژیك

« اعلیحضرتین شاه و ملکهٔ بلژیك تلگراماً مراتب تسلیت وتبریك صمیمانهٔ خود شان را بحضور اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان توسط وزارت مختاری بلژیك متعینهٔ طهران (که امورات مرجوعهٔ افغانستان را هم انجام می دهد) بوزارت امور خارجهٔ ما ابلاغ نموده اند که ازطرف وزارت امورخارجهٔ افغانستان‌هم جوابیهٔ مبنی براظهارتشکر اعلیحضرت محمد ظاهرخان شاه افغانستان از اعلیحضرتین شاه و ملکهٔ بلژیك توسط وزارت مختاری موصوف مخابره شده است .

تلگرام اعلیحضرت شاه حجاز

بعنوان اعلیحضرت محمدظاهرخان شاه افغانستان

« خبر شهادت اعلیحضرت برادر ما والد شما باعث اسف عظیم گردید از خداوند التماس میکنم تا شما خلف نیك او در تائید روابط بین‌المسلمین باشید و بشما نصرت فرماید . »

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

بعنوان اعلیحضرت شاه حجاز

« از ابراز تأثرات قلبی شما نسبت بشهادت اعلیحضرت پدر معظم مان خیلی متأثر گردیده بهترین آرزو های خود را راجع به سعادت شما و تعالی ملل اسلامی اظهار می نمائم . »

تلگرام تبریکیهٔ جلالتمآب غازی مصطفی کمال رئیس جمهور تورکیه

بعنوان اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

« در موقع جلوس اعلیحضرت شما به تخت سلطنت تبریکات خیلی صمیمانه و دعای خود مان را نسبت به سعادت شخصی‌اعلیحضرت شما وسعادت وترقی ملت برادر خود افغان‌ابرازمیدارم » .

تلگرام جوابیهٔ تبریکهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

بعنوان جلالتمآب غازی مططفی کمال رئیس جمهور تورکیه

« ازتبریکات پر حرارت جلالتمآب شما که در موقع تاجپوشی ما فرستاده اید کمال تشکر داشته صمیمی ترین آرزو های خود مانرا نسبت بسعادت شما و تعالی ملت برادرخود مان‌تورکیه اظهار می نمائیم » .

تشرف هیئت سفرای دول متحابه مقیم کابل

بحضور اعلیحضرت محمد ظاهر خان پادشاه افغانستان

رؤسای نمایندگان هیئت سیاسی دول متحابه مقیم دربار شاهی کابل روز سه شنبه ۲۲ عقرب طوریکه ازطرف وزارت جلیلهٔ خارجه تعیین وقت شده بود، بصورت مجموعی در قصر دلکشا بحضور شاهانه مشرف وحضوراً رسم تعزیت وتهانی و تبریك خود هارا بعرض ملوکانه رسانیده و جواباً نطق غرائی را از طرف ذات اشرف شاهانه بجواب نطق شیخ السفرا استماع نمودند .

بیانیهٔ هیئت سیاسی

بحضور اعلیحضرت همایونی

اعلیحضرتا !

از طرف هم قطاران محترم و از جانب خودم ، افتخار دارم باعلیحضرت شما عمیق ترین احساسات همدردی ومراتب تسلیات مارا در سوگواری عظمی اعنی فقدان وضیاع اعلیحضرت پادشاه محمد نادر شاه که اعلیحضرت شما و افغانستان را متالم گردانیده است ، تقدیم داریم .

امید داریم که تمام این همه مظاهرات همدردانهٔ که باعلیحضرت شما از همه اطراف میرسد الم و اندوه شما را تااندازهٔ تسکین وبار طاقت و توان فرسائی را که باعلیحضرت شما نسبت باین سانحه تحمیل میشود ، تخفیف نماید اعلیحضرت شما را درین موقع جلوس تان به تخت افغانستان سلام نموده آرزو های دوستانهٔ مانرا که برای ترقی وپیشرفت کامل تمام امور وکار روائیهائیکه بمقصد تحکیم دولت افغانیه واستقلال آن و سعادت ملت افغان دارند ، ابراز واظهار میداریم .

نطق اعلیحضرت بجواب سفرای دول خارجه

جناب شیخ السفرا !

از احساسات همدردی شما و همقطاران محترم تان که درین موقع غم انگیز سانحهٔ شهادت پدر معظم ما نسبت بما ابراز فرمودید کمال تشکر داریم .

فی‌الحقیقت این صدمهٔ جانکاه برای ما و مملکت ما اسباب آنچنان کدورت و تأثراتی است که فراموش نخواهد شد ، اما خیلی خوش وقتیم که معاضدت و وفا داری بسیار صادقانهٔ ملت ما وهم مظاهرات پرلطف دول دوست و متعاهد افغانستان ، موجب تخفیف این صدمهٔ ناگوار واقع و تاحدی باعث تسلی ما شده است .

ضمناً از اظهارات دوستانه و نیات خیر خواهانهٔ تان نسبت به جلوس ما به تخت شاهی افغانستان اظهار قدر دانی و امتنان نموده از اینکه باتائیدات الهی که آرزوی یگانهٔ ما تشئید وتائید مناسبات صمیمانهٔ افغانستان مستقل بادول دوست اوست ، بشما اطمینان داده خواهشهای نیك خود مانرا برای سعادت ملل و ممالك شما اظهار میداریم .

مفاد معروضات وفود ملت

بحضور اعلیحضرت شهریاری

پادشاه معظم !

باور خواهید فرمود که حادثهٔ شهادت الملك اعلیحضرت شاه‌شهید رحمةالله‌علیه چنان صدمه ولطمهٔ روحی به طبقات ملت قدردان افغانستان وارد نمود ، که به محض استماع آن خواب‌وخور بر ما ملت حرام شده - باعجلت و بی صبری تمام برای بیعت و اطاعت به اعلیحضرت شما که فرزند ارشد آن شاه بزرگوارید - و یقین داریم که احساسات وطن خواهی و خدمت در راه اسلامیت را ازپدروالا خویش گهر بارث برده ایدبریك دیگر سبقت می‌جستیم - بعد از اتمام بیعت ها بلا فاصله براه افتیده - و اینك امروز که بحضور شما پادشاه محبوب خود مشرفیم ؛ آن احساسات پاك و بی آلایش اقوام خود را که از یکطرف سبت به فقدان تلافی نا پذیر اعلیحضرت شاه شهید که یگانه بهی خواه و غمخوار ما قوم بودند - مجروح وفوق العاده مکدر گردیده وازجانبی نسبت به تخت نشینی وجلوس میمنت مانوس اعلیحضرت شما که مرهم جراحات قلوب ماست مسرور و خورسند شده اند ، بحضور شما ترجمانی میکنیم .

اعلیحضرت معظما ! ما عموم اقوام افغانستان بخوبی بخاطر داریم که پدر معظم شما ، درموقع جهاد استقلال درجبههٔ جنوب مملکت قدمردانگی را علم نموده ؛ استقلال افغانستان را به فضل

ایزدی تحصیل کردند ، و فرق وطن را به آسمان مجد و شرف رسانیدند و خوب بخاطر داریم که در تمام ادوار مانند یکفرد عاشق مجد وطن ومملکت ، سعادت وطن وهموطنان را نصب‌العین قرار داده ـ و نقد حیات خود را بار ها برای حصول آنمطالب مقدس به قربانگاه حقیقت تقدیم نمودند .

اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید آنراد مرد بزرگوار و غیور و فدا کار راه حقیقت و اسلامیت بود که در موقع بحران و انقلاب افغانستان باتن علیل و جسم نا توان بامداد ما ملت خود رسیده ـ و کشتی حیات ما را که در قعر امواج مدهش و هولناك انقلاب مشرف به فنا بود ، به ساحل نجات رسانید وطوری بمداوای جراحات وصدمات مملکت پرداخت ، که در مدت کمی آنهمه صدمات تلافی و مملکت با اوضاع اطمینان بخشی در راه ترقی و تکامل جلو افتاد .

اگر آنهمه اصلاحاتی را که در مدت چهار سال زمامداری آن پادشاه مصلح وطن دوست وشهید در شعبات حیاتیهٔ مملکت ما پدید آمده متذکر شویم ـ برای تذکار آن کتاب ضخیمی لازم است ؛ اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید چنان خدمات فوق‌العادهٔ برای افغانستان در طول حیات خود انجام داده اند که ملت افغانستان الی‌الابد از اعطای پاداش آن بر آمده نمیتواند .

اعلیحضرتا ! شما خوبتر مطلع اید که رجال بادیانت و مردان عاشق راه اسلامیت ـ همواره به سابقهٔ احساسات عالیهٔ خود برای حصول‌مجد وحفظ شرف عالم اسلام ـ جان‌های خودرا وقف نموده اند، یك نگاه بتاریخ عالم اسلام کافیست تا ثابت نماید آنهائیکه برای حصول سعادت و مفخرت عالم اسلام آرزو و آمال ممتدی داشته اند ، و دائماً در راه حصول آن کار میکردند ـ خار چشم معاندین سعادت اسلام گردیده و به اقدامات خائنانه آنها در راه خدمت بعالم اسلام شهید گردیده اند ـ حضرت عمر فاروق‌حضرت عثمان وحضرت‌علی رضی‌الله عنهم ـ همه پیشوایان وراد مردان غیوری بودند که حیات خود هارا برای تحصیل مجدوعلو مقام عالم اسلام وقف نموده ودرین‌راه از دست بدخواهان اسلامیت شهید گردیدند ، بعاملت خوبتر معلوم شده است که رفتار و مشی آن شاه شهید سعید کاملاً به نقش قدم و رویهٔ پیشوایان سلف اسلام بوده و نصب‌العین شان حصول سعادت و مفخرت افغانستان و عالم اسلام بود ـ و وجود مبارك شان خار چشم دشمنان سعادت و راحت این مملکت اسلامی گردیده شهید اکبر شدند ـ البته این

ضیاع بزرگ مصیبت کبرائی برای ملت افغانستان است اما تنها چیزیکه ما را درحدوث این واقعهٔ هائله و مصیبت عظمی تسلی روحی می بخشد بیعت و اطاعت به سلطنت اعلیحضرت شما که فرزند آن راد مرد والا گهرید میباشد - ملت افغانستان در طی تحولات وطن خود بخوبی دانسته اند که خدمت گار و غمخوار واقعی این ملت اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید و دودمان نجیب او هستند ، بنابران همیشه نسبت به خاندان « نادری » علاقه مند و فدائی خواهند بود ودر مقابل هر قطرهٔ خون آن شاه شهید که درراه خدمت مملکت نثار شده ، ملت افغانستان حاضر است که در تحت اوامر اعلیحضرت شما و دودمان عالیشان نادری خون هزار ها نفوس خود را در راه سعادت مملکت بریزد ، اگر شما که شهزادهٔ والا گهر و فرزند رشید آن شاه شهید و نامور و صاحب تعلیم و تربیه و اخلاق و مزایای عالیه اید و خدمات مهمه در وزارت حربیه و معارف در مدت کمی برای مملکت انجام داده اید و برادران غیور و بصیر اعلیحضرت شاه شهید که هر کدام زعیم خیر خواه ملی و خدمات مهمه برای مملکت ما انجام داده اند وباقی دودمان « نادری » که هر کدام به احساسات وطنخواهی و خدمت در راه مملکت مجهز اند - و به نزد ما ملت این همه عملاً ثابت شده (خدانخواسته) نمیبودند ما ملت حاضر بودیم که بیك کنیز کور و غلام لنگ اعلیحضرت شاه شهید که یقین داریم احساسات عالیهٔ وطن پروری به اثر خدمتگذاری آن شهید سعید در نهاد آنها هم تزریق شده ، اطاعت می نمودیم امروز موجب فخر ما ملت است که به چون شما فرزند رشید آن شاه محبوب و شهید راه خدمت مملکت خود بیعت می نمائیم .

شهریارا ! ما عموم اقوام افغانستان خدای قدوس و رسول کریم اورا ناظر حال خود گرفته تعهد می کنیم که اعلیحضرت شما را مانند اعلیحضرت شهید اولی الامر صحیح و شرعی و پدر معنوی خود دانسته و طوریکه بزیر رکاب اعلیحضرت شهید در راه حصول سعادت و مفخرت مملکت خود خون های خود را نثار نموده و بادنی اشارهٔ شان حاضر بودیم که جان‌های خودرا دراجرای اوامر شان قربانی کنیم اینك در راه اجرای اوامر ودساتیر شما هم که فرزند آن پادشاه نامور واولی الامر صحیح مائید حاضریم که اموال و اولاد و جان های خود را نثار و قربان نمائیم .

اعلیحضرتا ! ما از جانب خود و عامهٔ ملت افغانستان بحضور شما اطمینان میدهیم که ملت افغانستان هیچگاه آن خدمات وفدا کاری های اعلیحضرت شاه شهید و خاندان نجیب اورا فراموش نمی کنند و همیشه برله این دودمان عالیشان درراه حصول مقاصد عالیهٔ اسلامیت خواهانه حاضرند ، خون‌های خودرا بریزند . و از خدا بقای عمر واستحکام سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه را خواسته امید وارند که در ظل عاطفت اعلیحضرت شما بآمال و مقاصد ترقیخواهانهٔ که شاه شهید بخاطر داشتند نائل گردند .

مفاد نطق شاه جوانبخت

اعلیحضرت محمد ظاهر خان

برادران و فرزندان عزیزم !

ازین احساسات نیك و باخلوصیت شما نسبت بخود و اظهار مراتب تأثرات تان نسبت به سانحهٔ شهادت پر ملالت پدر غمخوار ماو شما اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید که بهترین مناظر همدردی و غم شریکی وعلاقمندی ملت را نسبت به اعلیحضرت شهید تصویر میکند ، اظهار خورسندی میکنم — واقعاً چیزی که مرا و عموم خاندان ما را درین واقعهٔ هایله بیشتر تسلی روحی میبخشد — مراتب تأثر و اظهار همدردی و غم شریکی شما عزیزان و برادران و عامهٔ ملت است !

برادران عزیزم ! بطوریکه به عموم افراد شما ملت معلوم است اعلیحضرت پدر شهید و بزرگوار ما و شما در طول حیات پر مفخرت شان در راه خیر و سعادت مملکت افغانستان کوشیده و همیشه اظهار میفرمودند که من آرزو دارم در راه حصول مفخرت و مجد این خطهٔ اسلامیه مال و هستی و حیات خود را نثار نمایم — ذات همایون شان به سایقهٔ احساسات عالیهٔ وطن پرورانه همواره در مواقع خطرات حیاتیهٔ مملکت افغانستان دارائی و هستی و نقد حیات خود را تقدیم نموده و خدای تعالی آن قربانی های ذات شاهانهٔ شان را قبول و در بسا مواقع آنها را واسطهٔ نجات و رهائی مملکت و صدمات قرار داده بود .

چون ذات همایونی اعلیحضرت شان بر روی همان افکار و آمال عالیهٔ وطن پرورانه در راه خدمت گذاری مملکت افغانستان شهید اکبر گردیدند . بنابران اسباب مزید علو مرتبت شان محسوب میشود - تمام موجودات این عالم محکوم مرگ و فنا است طول و قصر ایام بنظر مرد عاقل و فکور تفاوتی ندارد اما خوشا بآن مرگ و فقدانی که در راه حصول سعادت مملکت و وطن اسلامی باشد - اینچنین مرگ ها در حقیقت مرگ نیست بلکه زندگانی جاودانی است که ذکر خیر و محاسن شخص در طول قرون در بین مردم میماند .

از ابراز احساسات نیك و علاقه مندی مفرط تان که بمن اظهار - و مرا به پادشاهی خود بر داشته اید اظهار تشکر کرده و می گویم که من حیثیت خود را بیش از یك خادم صحیح وفداکار شما قوم نمیدانم وبا توفیق ایزدی امید وارم که برحسب وصایای قبلهٔ امجد اقدس شهیدم

اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید پادشاه مصلح و خیر اندیش افغانستان و همدردی وتعاون شما اقوام و دارالشورای ملی و کابینهٔ وزرا و مامورین صادق ملکی و نظامی و افراد عسکری خدمات مهمی بر حسب مقتضیات منافع عالیهٔ مملکت نموده بتوانم - و به اتحاد فکر و عمل شما قوم این مملکت را که از هر حیث محتاج مزید اصلاح و ترقی است به درجات بلند ترقی و تکامل صحیح نائل گردانیم - در خاتمه امید وارم که فضل ایزدی شامل حال ما بوده وماوشما را در راه انجام خدمات عالیهٔ مملکت و وطن موفقیت نصیب فرماید .

مفاد نطق ایرادیه و الاحضرت سردار شاه محمود خان غازی

وزیر حربیه در مجلس عزا داری شاه شهید افغانستان و تاجگذاری

اعلحضرت محمد ظاهر خان

برادر های عزیزمن !

سانحهٔ مدهشهٔ شهادت پدر غمخوار ما و شما اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید نه تنها بر تمام ما وشما و قاطبهٔ افراد افغانستان بلکه بر عموم عالم اسلام و مشرقیان یك امر نهایت تلخ و واقعهٔ نهایت جان کاه است .

ازین وضعیت پراز تالم و تأثر افراد عسکری و ملکی ملت افغانستان نسبت به شهادت شاه شهید و از ابر از خلوص ارادتمندی عمومی ایشان بفرزند ارشد آن شاه شهید اعلیحضرت محمد ظاهر خان (که بمنزلهٔ مرهم قلوب جراحت رسیدهٔ ما ثابت شده اند) بکلی اطمینان حاصل نمودم ، همچنانکه دلهای افراد خاندان آن شاه شهید از شهادت پر ملالت آن منبع دیانت و سیاست و معدن کیاست و شجاعت مجروح و ریش گردیده ، دلهای قاطبهٔ افراد ملت نیز پر از ملالت و اندوه و غم است .

باری این وضعیت اخلاص کارانهٔ ملت افغانستان که بلند ترین مراتب انسانیت و دینداری و اخلاص مندی و وفاشعاری شانرابه خدام حقیقی مملکت ایشان نشان میدهد ، یکی از عنایات بی غایات الهی است ، زیرا می بینیم هر فرد ملت باندازهٔ ما و حتی بلند تر از مادر این غم و الم واقعهٔ هائلهٔ شهادت اعلیحضرت شاه شهید حصه گرفته اند اعلیحضرت شاه شهید همچنانکه در ادوار حیات و زنده گانی خویش بهترین فرد مملکت و خادم حقیقی ملت خود را ثابت نمودند ، همچنان ملت وفا شعارش نیز خود ها را بهترین ملت قدردان و احسان شناس

ذات همایون اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که از سلام خانه بعد عرض تهنیت و اظهار همدردی مامورین
و اهالی تشریف فرمای قصر گل خانه میشوند

تثبیت کردند و ازین طرز عمل خود بدنیا خاطر نشان نمودند که ملت غیور افغانستان یك ملت زنده ویك قوم حر و آزاد و خدمت شناس فهمیده است .

این قدردانی ملت و احسان شناسی ایشان بما اطمینان کلی میدهد که ذرهٔ از خدمات خدمتگاران صمیمی این ملت و فدا کاران حقیقی شرف و اعتبار این مملکت در نزد افراد ملت افغانستان بهدر نمیرود این و ضعیت قدردانانهٔ که از ملت شجیع حق بین افغانستان مشاهده گردید و تماماً بپاس خدمات و فداکاری های متعددهٔ اعلیحضرت شاه شهید ، بخلف الصدق و فرزند رشید اوشان بیعت نمودند ، تشکر کنان میگویم که این امر دلیل بر سعادت و نیك بختی ملت و مملکت افغانستان است .

اگر چه از یکطرف فقدان شاه شهید که یکفرد فرید و بطل سیاست و کیاست و خیر خواه و نیك نیتی بود ، ضیاع جبران ناپذیری است ! اما از طرف دیگر این پیش آمد ملت و اتحاد و اتفاق و اطاعت مطلقهٔ شان بسلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر خان ، ظاهر میسازد که از فقدان آن شاه خبیر وبصیر نهایت متألم و متأثر و از جانشین شدن فرزند ار شدش در صلهٔ خدمات خدا و خلق پسندانهٔ آن شهریار فرزانه خیلی مسرور و شاکرند امید است که بفضل خدا و معاونت شما و مجاهدت شهریار جوان جوانبخت اعلیحضرت محمد ظاهر خان که ثمرهٔ حیات آن شاه شهیدند و فعالیت دیگر اولیای امور و مامورین حکومت ورشادت عساکر مظفر اردوی نادر شاهی ومعاونت و همراهی عامهٔ ملت ، تمام امور حیاتی جامعه بروفق مرام ملی انجام بگیرد .

مسلماً شما افراد ملت از ان اساسهائیکه اعلیحضرت شاه شهید برای ترقی و تعالی ملت و جریان امور مملکت محبوب خویش ، از خود باقی گذاشته اند عموماً مطلعید ـ و میدانم که همهٔ آن بروفق آداب اسلامی و مرام عمومی و مطابق عقائد و روحیات شما ملت است ، ماهم از خداوند متعال توفیق میخواهیم تابرهمان اساسهائیکه آن شاه فقید و شهریار شهید ماوشما آنرا در طول دقایق حیات خویش باتجربه های طولانی در امور مملکت وضع فرموده اند تحت ظل اعلیحضرت محمدظاهرخان فرزند ارجمند شان بکمال صداقت و امانت عمل پیرا گردیده خدمتی درین راه سعادت و بهبود مملکت نموده و شماملت را از خود خوشنود نمائیم .

امروز خدا را شکر گذارم که در اثر اجرآت صحیحه و اصولات موضوعهٔ پدر معنوی ما و شما اعلیحضرت شاه شهید نورالله مرقده و حسن مساعدت ملت باحکومت و شجاعتمداری

اردوی نادر شاهی ، با وجود وقوع این سانحهٔ کبری ، ذرهٔ در امور نظم و نسق مملکتداری سستی و بی نظمی مشاهده نمیشود - بجز ازینکه همهٔ ما و شما بهمچه یك فقدان عظیمی متألم و سر تا سر افغانستان و دوستان آن بواسطهٔ آن در یك رنج واندوه بی پایانی گرفتارند [بقول اعلیحضرت شهید که بمحضر وکلای دارالشورای ملی فرموده بودند] دگر از هیچ یك ناحیه هیچیك خدشه و اندیشهٔ عائد نیست بلکه به چشم سر مشاهده میفرمائید که از دور ترین نقاط افغانستان بسرعت زیاد و فود و مبعوثین ملی شب و روز مانند سیل خروشان جهت ادای فاتحه و تقدیم نمودن بیعت های شان بطرف مرکز در جریان است و تمام افراد مملکت بعبادت الهی و امور معیشت و کار و غربی خود مشغولند .

خداوند این نعمت وحدت واخوت ، و این عطیهٔ راحت و امنیت را زوال نکند که امروز خوشبختانه در اثر مجاهدات شاه شهید و حسن نیات ملت سعید بافغانستان حاصل است - و بما و شما و عموم مامورین و عسکر ها و عامهٔ ملت توفیق را رفیق گرداند تا هر کدام ما درحوزهٔ ماموریت و مشغولیت خود بر طبق نظریات خیر اندیشانهٔ حکومت اعلیحضرت محمد ظاهر خان برای سعادت و ارتقای مملکت خودخدمت وبذل مجاهدت و رزیم و این مؤسسه ها وتشکیلات امروزی افغانستان را بپایهٔ تکمیل برسانیم که اعلیحضرت شاه شهید بارتقا و اعتلای هر واحدی از آنها علاقمندی زیادی داشتند و همیشه میفرمودند :

« اگرچه فعلاً این‌مؤسسات من در انظارمحدود و ابتدائی و شبیه به نخستین برقهای‌دانهای توت بنظر میرسند ، ولی امید است که در آتیهٔ قریبی خدای برتر این برقهای مرا دارای شاخهای بلند و تنه های تنومند و سایه های انبوه و ثمر های شیرین گردانیده حلاوت بخش کام ملت عزیزم گرداند . »

درخاتمه ما و شما و تمام رعایای‌صادق و قدردان و اردوی مظفرو مامورین صادق اعلیحضرت شاه شهید محمد نادر شاه (که مقبول درگاه کبریاست و روحانیت او شان شامل حال ما و شماست) دل حرمان منزل خود ها را بصبر و شکیبائی و تاج پوشی اعلیحضرت محمد ظاهر خان که مرهم قلوب جراحت رسیده ونور دیدهٔ هجران کشیدهٔ ما و شما است ، تسلی داده همچنانیکه بامر و اشارهٔ آن شاه شهید بریزانیدن آخرین قطرات خون و فدا کردن مال و هستی خویش حاضر و منتظر بودیم ، در رکاب این شاه جوان جوان بخت خود نیز همچنان خدمت میکنیم و

در امتثال اوامر او که براحت و سعادت ما منتج میگردد ، بذل مجاهدت میورزیم و دعا میکنیم که خداوند ملت افغانستان را مسعود و مملکت را بآن مدارج بلند ترقی و بهبودی برساند که منظور نظر کبریائی و موجب خوشنودی روح حضرت رسالت پناهی و مقصود شاه شاه شهید بود و در راه انجام آن در طول حیات خود نفسی باستراحت نکشید و شب و روز در انجام و اتمام آن می طپید ، بخود و کابینهٔ وزراء و عموم مامورین ملکی و نظامی و افراد عسکری و رعایای صادق قدر دان حکومت اعلیحضرت محمد ظاهر خان توفیق خدمت و صداقت را می خواهیم .

تعزیتنامهٔ متعلمین و اهل عرفان بحضور

اعلیحضرت محمد ظاهر خان

اعلیحضرت جوان بختا !

حادثهٔ جگر خراشی که دیروز بسر و قلب دودمان جلیل شاهی وتمام ملت افغانستان واقع شد ممکن نیست که مشاهدهٔ آن دردل پیروبرنای ملت افغان زبانهٔ حسرت والم نینگیزد ! و از نزدیك و دور هر که را که حب دین و وطن دردماغ وروح آن جاداشته باشد بهیچ صورت از شنیدن واقعهٔ شهادت شاه شهید مغفور ماوشما امکان ندارد که لبش خشك وچشمانش تر وجگرش پردرد نشود تاچه رسد بما اولاد طلاب افغان که پدر مشفق تاجدار عدالت شعارخودرا امروز در میان نمی بینیم ، حکمدار استقلال بخش علم دوست خودمان اعلیحضرت محمدنادرشاه غازی را بمقام ملاء اعلی مشاهده مینمائیم .

وا اسفا ! واحسرتا !

چه این پادشا تاجدار ازروز خدمت بوطن تاسال غزا شرف وناموس ما ملت را ازخطر بدبختی رهانیده خصوصاً بسال وحشت وجهل وطن پریشان را ازدست ظلم واعتساف نجات بخشیده ملت پریشان را جمع واهالی ناتوان را قوی ساخته حدود وناموس فلاکت قرین این وطن را ازخطر حفاظت کرده بناهای مدنی واقتصادی را که بخاك افتاده بود ، سرازنو آباد ومزاد ساخته پیران وجوانان را ازخاك وخون مذلت بسینه ودوش خود برداشته ، مساجد و مدارس خراب وحقیر شده را احساسات عالمانه ودین دارانه اش ، معمور و معزز ساخته جهل و بی خبری که دشمنان شرافت

و افتخار ملی افغانستان بطرف ما پرتاب میکردند همه‌را سترده وشسته ، بیرق خمیدهٔ ملت و دولت بامجد وعظمت مارا برسرملل وپای تخت دول دوباره به‌ارتقا واهتزاز در آورده وحدت ملی و اتحاد فکری را تامین کرد .

وامصیبتا ! وامصیبتا !

رسوم ادب و اخلاق‌را تعلیم ، وآئین تربیه ودین‌را تلقین کرده ، علم‌را با اخلاق عقل‌را باشرع ، ودین را بادنیا توام نموده خوانین‌رؤسا وریش‌سفیدان وجوانانرا برادر وپدرویار وغمخوار ساخته بلده‌هارا به‌قصبات دشت‌هارا به‌صحاری مربوط وهمرنگ ، واراضی میته‌را احیاء شرف ومجد اسلاف‌را زنده نموده درترقی علم‌وفن وتاسیس مؤسسات عالی ومدنی کمر همت بربسته ودر آبادی و توانائی ، اجتماعی ، واقتصادی ازدل وجان کوشیده، ما نمیتوانیم نسبت به‌این واقعهٔ الیم وحادثهٔ کمرشکن جگرخون‌نباشیم واین‌ماتم جانکاه‌را بدبختی بزرگ وضیاع عظیم نشماریم‌چه وجود مسعود آن‌شهریار ، ماودنیای امروزه‌را بیکدیگر شناسا کرده بودند .

واحسرتا ! واحسرتا ! !

اعلیحضرتا ! شاه‌شهید تنها پدرتاجدار غمخوار شما نبود ، بل‌پدرهمهٔ مااولاد افغان ، پشت وپناه همهٔ‌ما طلاب بودند، تعلیم وطن پروری ومرشدی خودرا برای‌ما اولادوطن وبرای‌ماطلاب یتیم‌ثابت کرده‌بودند وجود علیل وخانوادهٔ جلیل‌خودرا در راه استخلاص ونجات وطن ودرراه مدنیت وترقی‌صحیح وبالآخره‌در راه مجد وشرف وحریت واستقلال مامات پس‌مانده قربان کرده ، باسرمایهٔ عزم واراده با استناد توکل و دیانت چهارسال‌و یکماه قبل با برادران عزیز و نجیب خود باستخلاص و اصلاح ما رسیده از دست ظلم و جهل و فسق و وحشت خلاص کرده بیرق‌شرف و عظمت ما را بلند داشته بشاهراه امن و سعادت رسانیده بودند ، حرمت کتاب و قرآن ، عزت محراب و منبر را دو بالا ساخته نجات سیاسی، استقلال اقتصادی و شرف دیانتی را نصیب‌ما گردانیده بودند ، هنوز شکرانهٔ آن را بدرستی ادا نکرده بودیم که دیروز از دست یك نفر ننگ اولاد وطنی وعار طلاب افغانی و لکهٔ سیاه جامعهٔ مسلمانی ، سینهٔ مبارك پدر مان ؛ حدف خیانت و عذر شده در قلب آرزو های دورهٔ مشعشع استقبال ما خنجر نا امیدی زده داغدار و سو گوار گردانید . ولی چون پدر مغفور ما و شما شب و روز خود را در خدمت دین و وطن مصروف و منحصر کرده شربت شهادت را چهار ونیم سال بل پانزده سال قبل تمنا نموده بمیه‌ان خلاص وطن در آمده بودند . دیروز ذات اقدس شان بمرام خویش که درجهٔ علیای بندگی و

جنازهٔ اعلیحضرت شهریار شهید افغانستان محمد نادر شاه غازی که بعد ادای نماز جنازه بطرف مقبر حمل می شود .

بهترین نمونهٔ (بل احیاء ولکن لاتشعرون) است بزندگانی جاوید فایز گردیدند (انالله وانا الیه راجعون)

فی الحقیقت ارادهٔ الهی این شربت شهادت صالحین را در پاداش خدمت مقدس شان که سالها است درین راه ابراز کرده اند ، در ازل بخشیده بود ما نیز تن بتقدیر و دل به تسلی داده اولاً به دودمان جلیل شاهی و ذات مبارك نجیب شما و والدهٔ عصمت مآب مان علیا حضرت ملکه صاحبه و والاحضرت صدر اعظم صاحب و والاحضرت سردار شاه ولیخان و والاحضرت سردار شاه محمود خان و باقی اولاد و احفاد نجیب و عامهٔ ملت محبوب شان عمر و صبر ، اجر و سعادت خواسته جاده پیمای همان شاهراه خدمات و مجاهداتی را که شاه شهید از بدو جوانی خویش تا آخرین نفس خود در ترقی و سعادت دینی و دنیوی این وطن باز کرده بودند ، از خداوند متعال استرحام میکنیم که شما و سایر اعضای جلیل و کبیر این خانواده را موفق به پیش برد آن بگرداند و این علم و شمشیر سلطنت مشروعه را که رضا و اخلاص بزرگان ملت مطابق ارادهٔ الهی بحضور شما بیعت نموده تقدیم کرده اند ، مبارك و میمون داشته عمر و توفیق مزید عطا کند که این داغ ناصور ماتم و الم محرومیت از شاه شهید را بواسطهٔ همان ، رفق، عدل، علم دوستی و استقلال پسندی نادری التیام بخشیده مقامی که ازفقدان و ضیاع بزرگ خودخالی گذاشته اند پر نموده آن نقشهٔ ترقیات عقلی و دینی را که شاه شهید بخط مشی صحیح خود بیادگار نهاده اند ، تطبیق کرده نام نامی این ملت را پایه دار خواهید ساخت .

ما هم از دل و جان بیعت کرده درضمن این بیعت نامه از خداوند بی نیاز می خواهیم بماتوفیق به بخشد تا خدماتی را که از علم و تربیه آموخته و به ایفای آن قدرت حاصل خواهیم کرد ـ جهت تحکیم سلطنت وخیالات سعادت مآل اعلیحضرت شما ازخود بعمل آورده به نزد خدا و خلق سرخ رو شویم و به این عهد خود بارفقای تعلیم و تربیه وهمه اولاد وطن ورهبری خادمان علم و معارف باصدق و صمیمیت پابندی نموده باعلم معقول و مشروع اندوختهٔ خودبه حفظ استقلال وترقی وطن ودوام سلطنت شاه جوان وارکان نیك خواه حکومت متبوعهٔ خود مصروف خواهیم بود .

خاصتاً به ارشادشما اعلیحضرت شاه جوان بخت که خلف ارشد ودست پروردهٔ آن شهید مغفور ونهال باثمر آن فقید سعید هستید . امیدواریم که این لکهٔ سیاه را ازدامن اولادافغان خواهیم شست وخیالات مفیدومصیب شمارا درقلب ودماغ خود تاابد زنده خواهیم داشت . زنده باد اعلیحضرت جوان ، جوان بخت ! پاینده باد اتحاد وسعادت ملت افغان . !

« محل امضای تمام طلاب مکاتب ومنسوبین وزارت معارف »

مفاد نطق جوابیهٔ ع ، ج ، ا ، ا ، نشان

وزیر صاحب حربیه غازی

برادران عزیزم طلاب مکاتب !

از استماع این احساسات شما که نسبت به‌ضیاع‌المناك اعلیحضرت شاه‌شهید به لهجه وآهنگ نهایت درد ناکی اظهار گردیدمتحسس شدم فقدان، اعلیحضرت شاه شهید ما و شما و عامهٔ ملت را چنان مضطر ومکدر نموده که بازبان وتحریر نمیتوان مراتب آنرا تصویر کرد وبه همین سبب در مواقع بروز سیلاب احساسات ملت ، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و من کمتر اظهار نمودیم زیرا مانند شما وسائر افراد ملت قدر دان افغانستان دل ماهم پرخون و چشمان ما از فرو ریختن اشك گلگون است .

« ازچینهٔ شکسته نه خیزد صدا درست »

اما دراینجا لازم می‌بینم تابه جواب این خطابهٔ شما که ترجمان حسیات جریحه دار تان است، به پردازم :

برادران من ! ما آن جانی بدبخت را بطوریکه شما اظهار کردید اززمرهٔ طلاب معارف وملت افغانستان نمیدانیم . واین فعل نهایت ننگینیکه ازو نشئت نموده ، ازعدم تربیه و صفوت اخلاقیه وکمال دنائت اوست مااولاد معارف را نهال های آرزو و آمال اعلیحضرت شاه شهید و مملکت دانسته ، و به تعلیم اساسیه و تربیه صحیحهٔ آن ها که حسن مآل مملکت باآن توأم است ، می پردازیم . من هم این جملهٔ شما را که از صمیم قلب اظهار کردید و جانی بدبخت را « ننگ اولاد وطنی وعار طلاب افغانی و لکهٔ سیاه جامعهٔ مسلمانی » گفتید ، تصدیق میکنم و میگویم که نقص و عیبی در معارف نیست ، معارف بچراغی می ماند که در فضای ظلمانی حوادث انسان را رهنمائی میکند ، یعنی شخص باتربیه و اخلاق در روشنی آن به تلاوت قرآن پاك و عبادت خدا و خدمت خلق‌الله ومملکت می‌پردازد البته اگر شخص پست فطرت وبی ناموسی بوده فروغ معارف را سوء استعمال نموده و آنرا وسیلهٔ اجرای آمال زشت خود قرار دهد ، این نقص به چراغ معارف متوجه نبوده بل مربوط به سرشت سوء وفطرت پست آن شخص است .

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس

درهر صورت اگرچه از یکطرف فقدان اعلیحضرت محبوب افغانستان شاه شهید که درطول حیات ذی مفخرت شان خدمات مهمه در راه عظمت و حصول مفخرت افغانستان نموده (وچون اعطای پاداش آنخدمات از عهدهٔ ماملت خارج بود خدای قدوس اعلیحضرت شانرا در راه خدمت مملکت اسلام شهادهٔ کبری نصیب نمود) ضیاع بس عظیم و تلافی ناپذیری بوده قلوب عامهٔ ملت را جریحه دار نموده است ، اما ازطرف دیگر باید مسروربود که ملت قدردان افغانستان به پاس آن خدمات فوق العادهٔ اعلیحضرت شاه شهید که در راه حصول ترقی و سعادت افغانستان در طول حیات ذی مفخرت شان نموده اند متفقاً به جوش و خروش زیاد وعلاقه مندی فوق العاده به اعلیحضرت محمد ظاهر خان بیعت نمودند . و این امر از کمال متانت اصولات موضوعه اساس های صحیحهٔ شاه شهید و منتهای علاقه‌مندی ملت افغانستان نسبت به‌اعلیحضرت شاه شهید وخاندان فدائی اوست که باظهور چنین حادثهٔ بزرگ کوچکترین خدشهٔ در نظام امور وارد نشده جزانکه تمام طبقات در گرداب غم و الم مشاهده میشوند .

شما عزیزان به آسوده‌گی تمام مشغول تحصیل وتعلیم خود بوده ومطمئن باشید که اعلیحضرت محمد ظاهر شاه مانند شاه شهید شما را نهال آرزوی شاه مغفور و مملکت میدانند .

حکومت اعلیحضرت محمد ظاهر خان به تمام ملت افغانستان خاطر نشان می نماید که همه ملت به خداوند کریم جل جلاله رجوع نموده به کمال خاطر جمی بکار و بار خود مشغول باشند . و مطمئن باشند که اعلیحضرت شاه شهید هزاران خدمت گاران فدائی پرورده اند که تاخون آنها هم مانند شاه شهید در راه حفظ استقلال و نظام و شئونات مملکت افغانستان باین خاك پاك نریزد به فضل خدا بقدر سرموئی در انتظام امور مملکت داری اختلالی و بقدر ذرهٔ به یکی از افراد ملت عزیز ما ضرری نخواهد رسید .

خلص بیانیهٔ حضرت نور المشائخ صاحب

بسم الله الرحمن الرحیم

صبت علی مصائب لوانها صبت عل الا یام صرن لیالها

یعنی برما چنان یك مصیبت بزرگ و مدهشی فروریخته که اگر این مصیبت بر روز فرو میریخت البته که روز نورانی ؛ شکل شبهای ظلمانی را بخود میگرفت .

برادران عزیزمن و فرزندان معنوی و اخلاص کیشان صمیمی اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید امروز ماو شما بچنان ضایعهٔ عظیمی مبتلاشده ایم که نظیر آن را دنیا کمتربخاطر دارد ، ما چنان پادشاه حقیقت آگاهی را از دست داده ایم که امروز مانند او در شرق و غرب کسی موجود نیست محمدنادری را فاقد شده ایم که وطن دوست و ملت پرور و خادم قوم و محب فقرا و مساکین و مایهٔ ناز شرق و مسلمین بود ، من حق دارم که بگویم که ما سیاه روز گار و بدبختیم ، مسلمین کم طالعند و شرق بد نصیب است .

مسند من فقراست و وظیفهٔ من دعا گوئی وترقی مسلمین خدایم شاهداست و کفی بالله شهیداً که من در طول این پنجاه سال ودر بین تداول سلاطین متعدد افغانستان در صدد جستجوی شاهی بودم که بایست من آنرا بصفت حقیقی اولوالامری بشناسم وتمام صفات و مزایائی را که لازم یك شاه اسلام و یك تاجدار با وقار شرقی باشد در روی جامعهٔ خود در یابم - وا اسفا که باین آرزوی خود که تمنای عموم مسلمین و اهالی مشرق زمین بود مایان بمدار انتظار بی پایانی واصل شدیم ، ولی قبل از آنکه از اصلاحات مادی و معنوی وخدمات بلند ترقی و تعای آن شهریار عالی متمع میشدیم خدایش از ما ، ربود ! و دروازهٔ جنات را برویش کشود ! .

محمد نادر بندهٔ خاص الهی (ج) و امت عقیدت مند محمدی (ص) و دوستدار خلفای را شده واو لیای عظام و یك مسلمان نیکنام بود ، محمدنادر شاه عسکر نواز و خیر اندیش بود - محمد نادر ذاتی بود که اززمان شباب تاشیب بجز ازعبادت خدای ذوالمنن وعشق وطن دگر آمال وآرزوی را بدل نمی پرورانید - محمد نادر چنان عسکر فدا کار افغانستان بود که چندین بار وجود خود را بقربانگاه فدویت برای حفظ افتخار و شرافت این ملت نثار کرده وباتفاق برادران رشیدش همواره سینهٔ خود را سپر تیر حوادث راجعهٔ وطن ساخته ، محمد نادر چنان یك مجاهد فهمیدهٔ بود که کارنامهای

مهمهٔ او درموقع جهاد استقلال باعث افتخار وطن است - من و او در موقع جهاد هم اطاق بودیم والله که محمد نادر از صبح تاشام مانند یك فرد عسکر سنگر بسنگر میگشت و هدایات میداد ورفع احتیاجات شانرا میکرد و شبانگاه بعد از ادای نماز عشا تا اخیر شب امور اداری سپه‌سالاری خود را ایفا ودو سه ساعت راحت وعلی‌الصباح پیشتر ازمن برسجاده ایستاده نماز صبح را بجماعت ادا میکرد - اگر من بعوض او میبودم و روز وشب اینطور سرگردانی میکشیدم گفته می توانم که نماز صبح را گاهی بجماعت اداء کرده نمی توانستم و امصیبتا که ازما ، شاه دل آگاهی رحلت کرد که بجان ناتوان ومریض خود بدون سر وسامان بعد از تفدیهٔ اهل وعیال و خانمان خود وکشیدن انواع مصاعب ومتاعب درطول نه ماه ، ما را از بلیات مدهشی نجات داد و در مدت متمادی این چهار سال ویکماه باهمان وجود مریض و ناتوان خود دمی براحت نکشید وشب و روز بفکر صفوت روحی ما و مرفه الحالی عمومی ما و ارتقای اخلاق ، مدنی و سیاسی ما کوشید ، همه میدانید که محمد نادر یك خادم جامع الاطراف ومجمع‌الاوصاف افغانستان بود - محمد نادر بهمه محاسن وفضائل متصف واز همه بدعات رذائل مجتنب بوده در طول عمر خود بااین عهد های بزرگی که داشت ، حرف زشت بکسی نگفت ، باحدی اذیت نرساند ، همواره خیراندیش و خیر خواه بود وبالآخر ببانگ بلند میگویم که محمد نادر معصوم بود ازآنجا که مکافات این خدمات بلندومجاهدات ارجمند محمد نادر معصوم از قوه و اقتدار ما فرزندان معنوی او از افراد ملت گرفته الی احاد عسکر بلند بود ، چه اگر ما بااو مکافات میدادیم و یا خدمت میکردیم ، فقط درمقاصد دنیوی او با او مساعدتی می نمودیم ولی نمیتوانستیم تا کاری کنیم که موجب سعادت ارتقای منزلت او در آخرت شود، ازین است که خدای برتر او را شهید اکبر ساخت و بلقای خود و دیدار پیغمبر خود او را مفخر ساخت ، خوشابحال محمد نادر، بدا بحال قاتل فاجر وافسوس بحال افغانستان ومسلمانان وشرقیان، داروی این درد ومرهم این زخم بجز ازاینکه ما به خلف‌الصدق ارشد محمد نادر معصوم شهید اکبر دست بیعت دادیم وبخاندان نجیب وشریف آن که تجارب بلند دیانت دوستی و وطنخواهی و ملت پروری و عسکر نوازی وترقی پسندی اوشان در همه ادوار بضمیر خورد و کلان افغانستان ظاهر و عیان است ؛ اعتماد کردیم ؛ نیست .

برادرانم این از علامت سعادت افغانستان است که امروز والا حضرت محمد هاشم خان صدر اعظم باآن محبوبیت ورسوخی که دارد در مزار شریف با اعلیحضرت محمد ظاهرخان بیعت وبرای او و وطن‌خود خدمت میکند و والاحضرت شاه محمود خان وزیرحرب با این‌هردلعزیزی

و نفوذی که دارد دست بیعت خود را به اعلیحضرت محمد ظاهر خان دراز و برای خیر و بهبود مملکت خود مجاهدت میکند وتمام امراء و اراکین وصاحب منصبان نظامی وافراد عسکری و عموم طبقات ملی بپاس خدمات محمد نادر شهید معصوم وباعتماد صداقت او وامانت دودمان نجیب شان با اعلیحضرت محمد ظاهرخان بیعت و اطاعت ودر امتثال اوامرشان یك بردگر سبقت میکنند - من بحیثیت یك فقیر ودعا گوی افغانستان از حسیات بلند اتحاد واتفاق ملت وحکومت و افراد ملکی ونظامی افغانستان ، مانند سائر سعادت خواهان افغانستان ، برخود میبالم و دعا میکنم که خداوند همیشه ماوشما را بمطالب مشروع دنیوی وتمام مقاصد اخروی‌مان کامیاب و فائز المرام گرداند وبیش از پیش بماوشما توفیق‌ارزانی فرماید تاخوبتر خیررا ازشرفرق کرده برای سعادت و افتخار خودتحت هدایات اعلیحضرت محمد ظاهر خان و اعمام نجیب شان و حکومت متبوع خود خدمت و مجاهدت کنیم واز درگاه الهی سوال کنیم که خدا یامارا در روز قیامت هم ازرعایای مطیع و وفاشعار محمد نادر شهید اکبر معصوم محسوب ودر زمرهٔ مخلصان او محشور و مبعوث فرمائی .

خائینی که درصدد ازهم گسیختاندن رشتهٔ وحدت وامنیت مابوده و خواهان ترویج بدعات و دهریت و فحاشی بوده می خواهند که این وطن حقیق اسلام و مسلمین واین باغچهٔ خلفای راشدین واین حدیقهٔ امام اعظم واین سواد اعظم دیانت راتباه کنند بفحوای (والله متم نوره ولو کره الکافرون) گاهی بمقصد خود کامیاب نخواهند شد و همواره خداوند همان طوریکه آن هارا در همه مواقع مخجول و مخذول و رو سیاه گردانیده درین مرتبه نیز شرمنده و سر افگنده ساخت - هرچه که واقعهٔ هائلهٔ شهادت محمدنادر معصوم شهیداکبر ، خیلی گلوگیر و جگر خراش است ولی‌امروز این مظاهر اخلاص ومحبت و وحدت وصمیمیتیکه درهر گوشه و هرناحیه و وطن مشهود است ازهر حیث و هرجهت موجب مسرت دوستانه وخجالت دشمنان است دنیا بداند که ملت افغانستان محمد نادرخان و خاندان اوراخادم و فدا کار حقیق اسلام و افغانستان میدانست و میدانند و بصمیمیت او را وبعد از شهادتش فرزند ارشد او را به اولو الامری خود قبول کرده واین عقد محبت و اخوت را که امروز خوشبختانه دربین ملت و حکومت حاضرهٔ افغانستان موجود است ، هیچ قوه وقدرت مقتدر عالم بفضل خدا از هم نمی گسلد زیراکه این ها پیرو قرآن و حامی اسلام و خواهان ترقی اساسی مسلمین و مظهر مجد و شرف افغانستان میباشند .

اعلان شرعی از طرف علمای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارك و تعالی ـ اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم .

بعموم برادران مسلمین ملت افغانستان اعلان شرعی اینکه :

اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه افغان پدر معنوی افغانستان که از بدو حیات خود تا این زمان لمحهٔ درخدمات دین ودنیای این ملت سعادت جبلت فرو گذاشت نکرده جانبازی ها و فدا کاری هائیکه در راه ترقی دین و دنیای مان ابراز نموده چه در وقت جهاد استقلال و چه در مجاهدات نجات وطن و چه در ترویج احکام دین مبین و چه اعلای کلمة الله و چه در عمرانات و حفر انهار و انسداد بند ها و حفظ ثغور اسلامی که تفصیل هر کدام آن دفتری بکار دارد و تاریخ افغانستان هرگز نظیر و مثیل آن را نشان داده نمیتواند و همهٔ آن در پیش رو ظاهر و بهر کدام ما و شما معلوم و هویدا است که منکر هم ازان انکار کرده نمیتواند، اشفاق انفرادی و اجتماعی بدرجهٔ افراط داشت ، هر فرد را بمنزلهٔ اولاد حقیقی دانسته به نقص یك سرموی جامعه از جان دریغ نمیکرد بعمل سه بجهٔ عصر روز چهار شنبه ۱۶ عقرب مطابق ۱۹ شهر رجب المرجب از دست یکنفر خائن دهری که وجود مبارك را مانع لادینی ولا مذهبی خود میدانست بغیر تفنگچه شربت شهادت چشید انالله و انا الیه راجعون و داغ حسرت وافسوس را بر جگر وضیع و شریف، اقارب و سائر ملت گذاشته و همان بیدین خائن در حال گرفتار و تحت جریان سیاست شرعی است .

چون نصب امام از جملهٔ ضروریات دین بود و تعطیل آن شرعا نا جائز ، فوراً اهل حل و عقد مملکت از اعیان و اشراف و علما و مشائخ هر سمت و ولایات و مامورین و وکلای شورای ملی و منصبداران وسائر نظامی که حاضر مرکز و پایتخت بودند اجتماع نموده بفحوای واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا باتفاق خاندان شاهی دست بیعت به اعلیحضرت محمدظاهر خان خلف الصدق اعلیحضرت غازی شهید سعید [که یك شخص حلیم و مهربان و عالم و متدین و رحیم و شجاع و صاحب درایت و وجدان بوده محاسن ذاتی و صفاتی او بهمهٔ شان چون

اسم مبارك شان ظاهر و هویدا و رعایا و برایا از جناب شان خوشنود و رضامند بودند] دادند ، جناب شان قبول بیعت کرده به نصوص قرآنی و احادیث نبوی همگنان مواعید و پیمان نمودند که نماند بعد ازین برای احدی از ملت افغانستان که سر از ربقهٔ اطاعت اوامر مشروع او پیچیده بتواند .

لذا برای شما برادران اسلامی اعلام شرعی شد که از شهادت پدر تاجدار معنوی خود ها و بیعت و سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر خان خلف الصدق شان مستحضر گردیده بشهادت پدر معنوی خود ها اظهار حسرت و در حق شان تحفهٔ دعا و رحمت را اهدا نمائید و بصدق نیت وحسن طویت خود ها را منقاد اوامر شرعی اعلیحضرت موجوده دانسته از مضمون فیض مشحون حدیث شریف من یطع الامیر فقد اطاعنی خود ها را مستفید و از وعید من یعصی الامیر فقد عصانی خویشتن را مستعید گردانید .

(محل امضای علمای مرکز)

سواد تلگرام والاحضرت صدراعظم صاحب

حضور اعلیحضرت محمد ظاهر شاه !

من و رفقای سفرم به ساعت ۸ بجهٔ شام روز جمعه از میمنه وارد مزار شریف شدیم . از از حادثهٔ جانکاه شهادت اعلیحضرت غازی در میمنه خبر یافتم ومحمدگل خان رئیس تنظیمیهٔ ولایات شمالی را قبل از خود بمزار شریف فرستادم و هم عبدالرحیم خان نائب سالار را که به میمنه آمده بود بهرات روان کردم درمزار شریف از حادثهٔ جانکاه شهادت اعلیحضرت غازی درعسکری وکشوری فریاد غم و اندوه بلند شد وازصمیم قلب باعلیحضرت محمد ظاهرشاه بیعت نمودند تقریب بیعت نامه ها بواسطهٔ طیاره ونصرالله خان بکابل فرستاده میشود امارت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه باعث تسلی و تشفی قلب مجروح ماشد - بیعت تحریری خود ورئیس تنظیمیه و رفقای سفر خود را هم تقدیم می نمایم - بعداز ختم فاتحه انشاءالله روز دوشنبه عازم کابل میشویم .

مزار شریف لیل ۱۹ عقرب ۱۳۱۲ « محمدهاشم »

تلگرام تعزیت و تهنیت

والاحضرت شاه ولیخان فاتح کابل

« از واقعهٔ مدهش اسفناك شهادت پادشاه شهید سعید ، صدمهٔ نهایت سختی را برداشته از خدای مهربان برای آن شهید راه وطن آمرزش وبرای خود و اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و اهالی افغانستان صبرجمیل میخواهم ، خداوند کریم سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه را بالای خودش وما وتمامی اهالی افغانستان مبارك کند، خودم واعضای سفارت وطلاب برضیاع بزرگ اعلیحضرت محمد نادر شاه اظهار غم و به جلوس اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تبریك عرض میکنیم.

ورود مسعود ج ، ع ، ج والاحضرت

صدراعظم صاحب بمرکز

عصر روز چهار شنبه ۲٤ عقرب ج ، ع ، ج صدراعظم صاحب بارفقای همسفر شان وارد کابل گردیدند قرار معلوم در عرض راه اهالی اطراف و نواحی جوق ، جوق با تمائل شدید و جذبات بلند بحضور ایشان مشرف و نسبت بسانحهٔ شهادت شاه شهید اظهار تأثر و اندوه مزید و از جلوس فرزند ارشد شان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه شکر گذاری و بخاندان جلیل وفائی « نادری » ابراز خلوص و عقیدتمندی مینمودند ، والاحضرت صدرعظم صاحب این احساسات اهالی را پذیرفته بالمقابل آن ازین همدردی و قدردانی اهالی اظهار شکر گذاری میکردند این وضعیت الی وصول بمرکز دوام داشت .

با اینکه ورود والاحضرت صدراعظم صاحب حسب خواهش خود اوشان خصوصی و بصورت غیر رسمی قرار گرفته بود ، با اینهم حضرتعالی افخم والا حضرت وزیر صاحب حربیه و جمی از وزراء و مامورین معظم ملکی و نظامی و معاریف تا حدود کوتل خیرخانه از اوشان استقبال و مقدم پراز افضال شانرا بایك عالم آه و فغان و گریه و زارئیکه قلوب را میشگافت ، پذیرائی و از لقای فرحت انتما و بیانات پدرانهٔ اوشان دلهای حرمان منزل خود ها را تسلی دادند ، بشهرکابل در حین ورود شان یك هیجان گلوگیر و تاثرات خارج از حد تقریر حکمفرما بود .

والاحضرت صدراعظم صاحب مستقیماً بر مزار فیض آثار شاه شهید شتافتند و بایك تاثر و تألم بی پایانی بعد از قرائت چند آیات بینات قرآنی فاتحهٔ پر سوزی را بر روح پر فتوح شاه شهید با قطرات اشك بحضور آن خلد آشیان اهدا نمودند بعد ازان از راه مهمانخانهٔ شاهی که در آنجا اعزه و معاریف ولایات و حکومات افغانستان جهت ادای مراسم تعزیت وتهنیت اقامت دارند ، وارد و از لقای خود عموم حضار را تکرار بیك آه وفغان خارج از حد و بیان مبتلاساختند ، بعد ازآن مستقیماً بحضور اعلیحضرت محمد ظاهر خان شتافتند .

تعزیت شاه خلد آشیان وتهنیت سلطنت اعلیحضرت

محمدظاهرخان بحضوراشرف افخم والاحضرت صدراعظم صاحب

بمناسبت ورود ج ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب از ناحیهٔ شمالی مملکت به مرکز بروز پنجشنبه ۲٤ عقرب باز مراسم فاتحه داری اعلیحضرت شاه شهید با یك جوش و خروش و ناله و افغان و احساساتیکه که تماماً مظاهر منتهای اخلاص و ارادتمندی افراد ملت را بخاندان نجیب و فدائی نادری نشان میداد ، در عمارت وسیع و عالی سلامخانهٔ عمومی از صبح الی پیشین در حالیکه تمام وزراء ، معین ها ، اعضای مجلسین شورای ملی و اعیان و جمعیت العلما و مدیرهای عمومی و علماء و مشایخ و سادات و صاحب منصبان بزرگ عسکری به یمین و یسار والاحضرت نشسته بودند اجراء گردید ، عموم مامورین وزارات و دوائر مستقله و صاحبمنصبان نظامی و جمعیتهای معاریف اهالی و وفود بیعت که بعد از وقوع شهادت شاه شهید الی الآن متواتراً بکابل وارد و در مهمان خانهٔ شاهی مقیمند ، بعد ازتشرف بحضور فیض ظهور اعلیحضرت محمدظاهرخان وا داری مراسم فاتحه و سو گواری اعلیحضرت شاه شهید و تقدیم بیعت نامه جوق جوق ، فوج فوج ، دسته دسته گریان و نالان به این مجلس فاتحه گیری حاضر گردیده سر تا سر سلامخانه را بآن طول و عرض زیادی که دارد باندازهٔ از اجتماع خویش امتلاء میدادند که بقدر یك شبر هم از هجوم نفری جای خالی نمی ماند ، بعد از اینکه عموم عزا کنندگان بجا های خود می نشستند یکنفر قاری قرآن کریم چند آیهٔ کریمهٔ فرقان حمید را قرائت مینمود و در ختام آن تمام حاضرین با نهایت خاطر های پر حزن و اندوه و با چشمهای گریان و دلهای بریان بروح پاك

اعلیحضرت شهید سعید ادعیهٔ خالصانه را نثار و مراتب آلام و جراحات قلبی خویش را با تأثر وتألم مزید ملت از سانحهٔ شهادت اعلیحضرت شاه شهید تماماً بیك زبان ، بیان و اظهار ارادتمندی و اخلاص کیشی بلا نهایهٔ خود ها را بخاندان شریف و نجیب و فدائی نادری و اطاعت صمیمی و فرمان برداری مطلق بفرزند ارشد شان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه با وضعیت مخصوصی (که تحریر و تقریر از شرح آن عاجز است) تصویر می نمودند ، و فعل جانی شقی را تماماً تلعین و برین جسارتش نفرین و از حکومت خواهان قتل او و محرکین آن و اجرای سیاست بر منافقین را بالحاح و زاری تمنا میکردند تا بدست ملت سپرده شوند که عموم وکلای تمام ولایات وحکومات افغانستان بیخ و بن آنها را کنده صفحهٔ مقدسهٔ افغانستان را از وجود شان پاك گرداند ، والاحضرت صدراعظم صاحب بجواب این اظهارات قدر دانانه دیگر و همدردی و اظهارجزبات حقیق عموم ملت در هر مرتبه به پا ایستاده نطق های غرائی را ایراد می فرمودند و به تسلیت قلوب عزا کنندگان به وجه احسن می پرداختند و با تشکر نمودن از آنها اوشان را مرخص می نمودند و جمعیت دیگری را بحضور اسلامیت ظهور خویش بار میدادند .

در آخر ج ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب دران محفل قیام فرموده نطق غرای آتی را ابراز فرمودند :

مفاد نطق والاحضرت مفخم ج، ع، ج صدر اعظم صاحب

برادران عزیزم !

سانحهٔ شهادت اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید برای افغانستان چنان مصیبتی است که بتوان با گریه ، غم ، فغان وناله آنرا تلافی ویا بوجه من‌الوجوه نسبت باین ضیاع المناك دل‌های حرمان منزل خود ها را تسلی بدهیم اما باید بدانیم‌که ما همه بنده هستیم ، وناگزیریم که بامر پروردگار خود و بارادهٔ آن ذات مقدسی‌که آفرینندهٔ ما وجمیع کائنات است ، شاکر وصبور باشیم ، چه گفته اند که « رضای مولی از همه اولی . »

برادران عزیزم ! منهم مانند شما یکی از برادران و خدمت گاران اعلیحضرت شاه شهید و افراد افغانستان هستم ـ در طول حیات اعلیحضرت شاه شهید سرا و علناً من مشاهد و ناظر اوضاع و احول شان بودم ، بخدا اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید چنان بندهٔ صالح و

مطیع اوامر ذات اقدس الهی و شریعت مطهر محمدی صلی‌الله‌علیه‌وسلم بودند ، که من نظیرش را ندیده ام، اگر بگویم که اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید بندهٔ خاص خدا و عاشق ترقی مملکت افغانستان و عالم اسلام بودند - باز هم مطابق علو نظر و افکار خدا پسندانهٔ آن شهید راه اسلامیت سخنی نه گفته ام زیرا آن پادشاه خرد مند و بصیر بالاتر از مرتبهٔ عشق و محبت به حصول مجد و سعادت این مملکت اسلامی اظهار علاقهٔ شدید ومیل مفرطی می‌فرمودند و همواره ورد لسان ذات همایون شان بود که « من آرزو دارم افغانستان بترقیات بلند مادی و معنوی و سعادت سر مدی نائل گردد - اگر درین راه حیات من وخاندانم از بین برود هیچ باکی نیست » .

آن پادشاه بزرگوار و شهید بر روی همین آمال مقدس خدا و خلق پسندانهٔ خود در طول حیات ذی مفخرت شان برای حصول فلاح و نجات ، و بهبود و سعادت افغانستان حیات ذی قیمت خویش را بار ها به قربانگاه حقیقت و فدویت تقدیم کردند - چون آنهمه قربانی ها و مجاهدات آن فدائی راه اسلامیت از منبع احساسات اسلامیت خواهانه و عشق ترقی افغانستان نشئت کرده بود - حضرت کردگار آنرا مقبول درگاه خود قرار داده حیات پر افتخار دوباره باوشان عطا و کرامت فرموده وجود مسعود آنها را مکرراً وسیلهٔ نجات و حصول مفخرت و راحت افغانستان قرار داد ، من یقین دارم که حضرت ایزد متعال و روحانیت رسول‌الله (ص) آن خدمات و مجاهداتی را که اعلیحضرت شاه شهید در راه مجد و علو و افتخار وطن و حصول سعادت ملت اسلام و قوام دین حضرت سیدالانام انجام داده بودند مقبول درگاه خود قرار داده آنوجود مبارك را به درجهٔ رفیعهٔ شهادت کبری (که مرتبهٔ آن بعد از انبیاء علیهم‌السلام است) نایل و مخفر گردانید .

درین عالم بجز ذات اقدس خدای قدوس باقی تمام کائنات محکوم مرگ و فنا هستند - اشخاص عاقل و آنهائیرا که خداوند خواسته است ، در طول حیات خود کوشش و مجاهدت می کنند تا بر طبق اوامر او تعالی کار های نیکی نموده - و همیشه مصدر افعالی می شوند که رضای خالق متعال و راحت مخلوق و مسلمانان در آن توام باشد - ارتحال اینطور اشخاص را ازین دار فانی مرگ نمیتوان نامید - زیرا این اشخاص با ذکر خیر و محامد و محاسن و باقیات صالحات شان زندگی جاودانی را کمائی می نمایند . ازین رو نمیتوان گفت که اعلیحضرت

محمد نادرشاه شهید از دنیا رحلت کرده اند بلکه با آن همه مجاهدات و فدا کاری هائیکه در راه حصول سعادت و مفخرت مملکت اسلام انجام داده و خدماتی که در راه اعلای کلمةالله و شرع غرای احمدی کرده اند ـ و اصلاحاتیکه در صفحات وطن خود چه مدنی و عمرانی ـ و چه ادبی و اجتماعی و عسکری و عرفانی پدید آورده اند ، زندگی با مفخرت جاودانی را تحصیل فرموده اند ، البته برای ما و شما ملت خادم نواز قدر دان افغانستان که چنان یك زمامدار خبیر و بصیر و خیر اندیش و مصلحی را فاقد شده ایم موجب بسی تأثر و اندوه و مصیبت است ـ در هر صورت باید بر امر و ارادهٔ ذات اقدس کبریائی صبور باشیم و بدرگاه اوتعالی اظهار شکران نمائیم که از آن وجود مقدس فرزند ارشد و صالحی چون اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که از هر حیث در مزایای عالیهٔ اخلاق و دیانت پروری و عشق ترقی مملکت ـ مشابهت تامی به اعلیحضرت شاه شهید دارند ـ باقی مانده است . خداوند قدوس برکات و فضل خود را شامل حال اعلیحضرت محمد ظاهر شاه داشته ـ و ما را توفیق ارزانی فرماید که بزیر لوای این پادشاه جوان و جوان بخت با صمیمیت و اخلاص زیادی برای حصول سعادت مملکت اسلامی خود خدمت نمائیم وتماماً اوامر وهدایات شان‌را ازدل وجان بیشتر ازپیشتراطاعت نمائیم وسر ومال وجان خود را بیك امر واشاره شان نثار کنیم تا باین وسیله رضای خدا ورسول وخشنودی‌روح شاه شهید را حاصل نمائیم !

برادران ! امروز جای خیلی مسرت است که ملت قدر دان و وفا شعار افغانستان بخوبی بیدار گردیده ـ خیر و شر خود را از هم تمیز میدهند ـ دوست و دشمن خود را می شناسند . این تأثرات و اظهار غم شریکی تمام طبقات ملت عزیز نسبت بشهادت اعلیحضرت شهید ـ و سبقت و سرعت جستن شان حتی از دور ترین نقاط وطن در بیعت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بهترین منظرهٔ یك دلی و علاقمندی و قدر شناسی ملت وفادار افغانستان را بدنیا اعلام میدارد .

من در صفحات شمالی مملکت باندازهٔ صمیمیت ، صداقت ، وفا ، قدردانی و خلوصیت عامهٔ ملت را نسبت بحکومت اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید دیدم ـ که الفاظی برای تعبیر و تفسیر آن نمی یابم .

حتی مهاجرینیکه در آن سامان متمکن گردیده اند ـ و اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید را چون اهالی افغانستان نمی شناختند بمحض استماع خبرشهادت آن پادشاه بزرگوار در عالم اضطراب واندوه اندر شده ناله ها و فغان ها می کردند و بایك احساسات مملو از صمیمیت به اعلیحضرت

محمد ظاهر شاه فرزند والا گهر آن شاه شهید مانند سائر اهالی وفا شعار آنسمت و سائر نقاط افغانستان اظهار اطاعت می نمودند خداوند این وضع را که موجب سعادت و حصول ترقی و مجد مملکت است ، از ملت افغانستان نگیرد و قلوب اهالی آنرا به نور ایمان و حس و حدت فکر و عمل که باعث فلاح و نجاح است ، روشن و منور نماید . (فریاد و غلغلهٔ عمومی . آمین)

بار خدایا ! اگر به نثار جان و هستی ما رضای تو وسعادت مملکت اسلامی افغانستان حاصل میشود مارا به این مزیت نایل گردانی - بار الاها ! تو حیات افغانستان را که امروز چشم و چراغ عالم اسلام است ، از اضمحلال و دستبرد دشمنان شرف و عزت افغانستان مامون و مصئون و ملتش را تقویت و حمایت فرمائی - و مارا تحت ظل اعلیحضرت محمد ظاهر شاه توفیق ارزانی نمائی تادر راه حفظ مجد مملکت وشعائر اسلامی - جان و مال خود را مانند اعلیحضرت شاه شهید ایثار کرده - رضای ترا به کف آریم .

پروردگارا ! تومنافقان و بدخواه هائی را که راحت و امنیت و سعادت این مملکت اسلام خار چشم شان گردیده - به غضب خود گرفتار نمائی - وشاد کام نسازی - (عموم : آمین)

خدایا ! - بعظمت وجبروت خویش و روحانیت پاك صاحب اولاك و پیشوایان دین و بروحانیت محمدنادرشاه شهید (که درراه رضاجوئی تو وقوام شریعت محمدی صلی الله علیه وسلم ، حیات خود را نثار نمود) حافظ و ناصر این مملکت اسلامی بوده ، ومسلمین را به سعادت و راحت سرمدی نایل گردانی . (آمین) راجع به جانی شقی که درخواست مجازات آنرا می نمائید - من بشما توصیه می کنیم - که شدید ترین مجازات ها برای دشمنان راحت و سعادت شماهمین است که اتحاد واتفاق خود را از دست نداده در راه اعلای کلمةالله وترقی مملکت خود بکوشید - و روح اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید را که ناظر احوال و اوضاع شماست با مزید اتفاق واتحاد ملی خوشنود نمائید . مفسدین باچنین اقدام های سوء خائنانه میخواهند هرج ومرجی درافغانستان تولیدوملت قدردان وقدرشناس آنرا بدنام نمایند - وافکار بد خواهانهٔ خویش را ازپیش ببرند اما الحمدلله ملت افغانستان ملت زنده وباناموس است ، وعلی الرغم آرزوی بدخواهان خود بطرف ترقی و حصول مجد ملی خود پیش میرود - امروزمن باجرئت اظهار می نمایم که ملت غیور افغانستان باوضاعی که نسبت به فقدان پادشاه غم خوار خویش بروز دادند به دنیا ثابت ساختند که این ملت ملت زنده و وفا شعار است ، ودسیسه کاری اشخاص مفسد وفتنه انگیز هرگز نمیتواند به بنیان وحدت واتفاق ملی شان لطمهٔ وارد کند - من ازخداوند مزید توفیق تشئید اتحاد واتفاق

ملی را به عموم طبقات ملت افغانستان خواسته و بشما توصیه مینمایم که راز موفقیت و کامیابی دروحدت واتفاق ملی است - باید تمام شما ملت باین دستور مهم زندگانی ملتفت بوده - در مزید تحکیم وحدت ملی خود بکوشید وهمین وضع شما کافیست که دشمنان سعادت و راحت تان را مایوس ومتفعل ومعدوم نماید .

درخاتمه ازین مراتب غم شریکی واظهارهمدردی وخلوصیت شما و کلاء ومعاریف واعزه، علما، مشایخ سادات و عموم ملت قدردان افغانستان که درین سانحهٔ المناك با صمیمیت زیادی شرکت نمودید، ازته دل تشکر نموده ، ازخداوند متعال به پیروی شرع غرای محمدی تحت ظل اعلیحضرت محمد ظاهرشاه سلامتی وحیات شمارا توام باسعادت و راحت میخواهم ، خداوند افغانستان عزیز ماوشما را زنده وقرین راحت و سعادت بدارد - باکی نیست اگر ماوشما به مقتضای وظایف دینی واجتماعی خویش حیات وهستی خود هارا در راه حفظ شئونات ومجد آن مانند شاه شهید نثار میکنیم درحقیقت مرگ واقعی ما وشما (خدا نخواسته) وقتی است (بقول اعلیحضرت شاه شهید که در موقع فاتحه گیری والاحضرت محمد عزیز خان شهید می فرمودند) که ضعف و فتوری درحیات ملی پدید آید ، خدا این روح وحدت و یگانگی را که خوش بختانه در بین ملت عزیز تولید شده — همیشه داشته و بما توفیق دهد که در تقویهٔ حیات ملی خود خون های خود را بریزیم وآن راحفظ نمائیم و در حقیقت حیات جاودانی همین است که در راه خدمت مملکت اسلامی خود بمیریم و تحصیل نام نیك و مفخرت نمائیم .

تلگرام اعلیحضرت جارج شاه انگلستان

بعنوان اعلیحضرت محمد ظاهر خان

نسبت بخبر مسرت آمیز تاج پوشی اعلیحضرت شما بحیث پادشاه افغانستان می خواهم تبریکات صمیمانه وخواهشات نیك پرحرارت خود را برای خوش بختی سلطنت اعلیحضرت شما وسعادت مملکت و ملت تان تحت حکمرانی و رهنمائی شما تقدیم بنمایم آرزوی قلبی من است که مناسبات نیك و دوستانهٔ که خوشبختانه بین حکومتین ما موجود است به تائیدات مفیدهٔ اعلیحضرت شما نگاهداری و تشئید خواهد شد . « جارج آر . آی »

تلگرام جوابیهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر خان

بعنوان اعلیحضرت جارج شاه انگلستان

از تبریکات پر حرارت و خواهشات نیك آن اعلیحضرت که راجع به جلوس ما بر تخت شاهی افغانستان فرستاده اند کمال تشکر داشته احساسات نیك و صمیمانهٔ خود مارا نسبت بسعادت شخصی اعلیحضرت ومملکت شان ابرازودر عین حال آرزو هائی را که برای تائید وبرقراری مناسبات موجودهٔ بین الدولتین میپرورانیم بآن اعلیحضرت اظهار می نمایم. « محمد ظاهر پادشاه افغانستان »

تعزیت وتبریك نامهٔ انجمن ادبی کابل

بحضور اعلیحضرت جوان بخت افغانستان

هوالقدیر

اعلیحضرتا !

اجازه بفرمائید کلمات آشفتهٔ چندی حاکی از ارادات و تأثر ، مملو از صداقت و سوز و گداز قلبی خود ها را به نسبت این سانحهٔ درد آلود و شهادت و فقدان اسفناك و تالم انگیز تاجدار نامور و معارف پرور خویش بآستان اقدس همایونی بعرض رسانیم .

اعلیحضرتا ! واقعهٔ روح گداز شهادت و ضیاع المناك آن حکمدار شهید سعید و آن شهریار غم خوار ما از آن تلفات جبران ناپذیر و تحمل فرسائی است که از آن نه تنها امروز ما و ابنای این سر زمین ، بل همهٔ عالم اسلام و شرق دچار یك عالم حزن وتاثرات رقت افزائی گردیده و در ورطهٔ چنان یك کدورت و تالمات جانگدازی فرورفته اند که بیان آن از دائرهٔ اقتدار خامهٔ شکسته و نا توان ما بیرون است وما آن را جز اینکه بشأمت طالع واقبال ناساز گار خود حمل نمائیم چیز دیگری نمیتوان گفت .

اعلیحضرتا ! هرچندیکه مرگ حق است و کائنات از ذره تا خورشید ، از جماد تا انسان درین ساحهٔ پر از نشیب و فراز گیتی ، درین هامون اسرار آلود زندگانی ؛ درین محنت کدهٔ پر آشوب روز گار همگی به اقتضای تقدیر لم یزلی محکوم فنا وزوال بوده وکس را ازان امانی نیست ، ولی خوشابحال چنان اشخاص که مانند اعلیحضرت شهید سعید بانام نیك و یك جهان سعادت و استراحت و جدان ، این جهان فانی را وداع گفته و تذکار نیکی از خود تا ابد بیادگار بماند .

اعلیحضرتا ! هرچندیکه آن شهید راه وطن از فقدان خویش مارا یتیم ساخت خود رفت وما را با ناله ها وضجه های جهان‌سوز درین دنیای پراندوه بیکس گذاشت اگر درین قضیهٔ

اسف آور بجای قطرات شور اشك ، سیل گلگون خون از دیده روان شود و بجای ناله دود سیاه متراکم ازسوزش سینه بیرون آید باز هم صدم حصهٔ جان بازیها ، خدمات وفدا کاری هائی را که به نسبت اعتلای نام و شئونات ملی در راه نجات ورفاهیت ما کرده بود نمی تواند تلافی نماید ، پس جزانکه بر مدفن مقدس آن تاجدار مظلوم فریاد و شیون نموده بگوئیم : ای تمثال شرف و تقدس جاوید ای ساکن عالم قدسیت ! ای هم نشین ملائکه و مقر بین الهی ای محشور عالم ملکوتی ! ای شهید راه وفا ! ای روح مخلد و فنا ناپذیر ! هر چند که مقبرهٔ مقدس تو درعالم مادی قرار گرفته باشد لا کن بهترین مکانی را در عالم علیین و اعماق قلوب حسرت زدهٔ ما احراز کرده است و اسم « نادر » تو اوراق برجسته تاریخ شرف و شان ما را برای همیشه مزین ساخته و در آن تا ابد مخلد و جاوید خواهد ماند و این ملت و ابنای وطن هیچگاه آن قائد شهید خود را فراموش نخواهند کرد و تنها چیزیکه در بین این همه تراکم اندوه و کلفت در بحبوحهٔ این همه تأثر و مزلت خاطر های غمدیده را تسلی بخشا گردیده ، مایهٔ مسرت مارا فراهم نموده است و ما را بآمال و آرزو های نوینی بشارت میدهد وجود ذیجود خلف الرشید آن تاجدار شهید (اعنی ذات خجسته صفات اعلیحضرت شهریاری شما است) که امروز بجای آن بانی مجد و شان و شوکت افغانیان ؛ اریکه آرای سلطنت شاهی این خطه گردیده اید و خدا شاهد است که هردم تشرف بدیدار اعلیحضرت وسیلهٔ ضیاء دیدهٔ رمد رسیده گردیده و بمسرت و تشفی قلوب افسرده و ناتوان ما می افزاید .

اعلیحضرتا ! شما که یگانه فرزند رشید و خلف الصدق آن شهریار خلد آشیانید امید ها و آمالی را که ما خدام صمیمی در دل خود می پرورانیدیم امروز مرجع آن آرزو های خود ذات همایون اعلیحضرت شما را می دانیم .

درخاتمه از درگاه احدیت و ایزد توانای خودتسلیت و صبر جمیل برای دودمان جلیل الشان شاهی و بازماندگان آن شهید راه وطن خواستگار گردیده طول عمر و شعشعهٔ روز افزون اقبال اعلیحضرت شما را با توفیق خدمت برای خود و کافهٔ خدمتگذاران این سرزمین تمنا و استرحام می نمائیم .

مراثی اعلیحضرت شهید رضوان آرامگاه

وتهنیت جلوس مبارك اعلیحضرت محمد ظاهر خان شاه افغانستان

از طبع جناب قاری عبدالله خان

نظر بند عقل است اهل نظر را — چگویم حوادثگهٔ خیر و شر را
خرد مهره اش ششدر حیرت آمد — شگفت آوریهای دار دو در را
زنیرنگ دهر مشعبد مپرسید — که بس عبرت افزاست اهل بصر را
به پیش خرد پرده های عجائب — کشد سینمایش فریب نظر را
بیکدم دوصد پرده بیرون برآرد — که مانا نباشد یکی مرد کر را
گهی جنگ جوید گهی صلح سازد — باین خوی ماند بت فتنه گر را
گه از مژدهٔ میکند دلنوازی — که از وقعهٔ میگدازد جگر را
درخت کهن سالی از پا در آرد — بنوخیز نخلی به بخشد ثمر را
سمومش نماید چوآتش فشانی — بسوزد بیکباری کی خشك وتر را
نسیمش چوگاهی کند جانفزائی — برو یاند از شمله گلهای تر را
گه از سیل طوفان کند موج خیزی — که لرزاند از بیم کوه و کمر را
گهٔ از ابر رحمت کند آ بیاری — که از خاك و خاره کشد سبزه سر را
گهی می شود سرمهٔ چشم بینا — گهی پنبه افزون کند گوش کر را
گه از خنجر تیز زهر آب داده — زهم میدرود لخت لخت جگر را
گه از مرهم نافع سود مندی — مداوا کند زخم پر از خطر را
گهی برشهی چون پدر غمکساری — دهد موقعی نا کس بی پدر را
گهی از تدراك کند چاره سازی — بتخت پدر بر نشاند پسر را
جهان و همین حرف سودو زیانی — که توام نمودند نفع و ضرر را
درین خوان الوان همین نوش نیشست — غم و فرحت آمد زپی یکدگر را
صفابی کدورت کدربی صفا نیست — عیار سخن گیر شام و سحر را
سروری اگر میکند دلکشائی — هموی بجوش آورد مغز سر را
بهائی ندارد متاع غرورش — ولیکن فریبنده آمد نظر را
حیات ایدریغ از عقب مرگ دارد — بزهر آخر آمیزش است این شکر را
بهاران اگر حله بندی نماید — زمستان هم افسرده سازد شجر را
خلائق حروف از کتاب حوادث — پذیر است هر حرف زیر و زبر را

تغیر پذیرند این روشنان هم — کسوف و خسوفی است شمس و قمر را
اگر وحشت افزای این شام تیره است — وگر دلکشائی است باد سحر را
گر از عیش خندان و راز درد نالان — نمودند از ینگونه نوع بشر را
اگر دلدهی مینماید امیدی — وگر بشکنند نا امیدی کمر را
بسوك و سرور اندوه و شادمانی — بود حکم جاری قضا و قدر را
کواکب درین اختیاری ندارند — چه تهمت به بندیم دور قمر را
غلط زور و زرچارهٔ هر چه گویند — که بیچاره سازد قضا زور و زر را
مصیبت دل عالمی آب میکرد — کشایش نبودی گر از پی‌خبر را
کدامین مصیبت که از درد جانکاه — حدیث غمش پاره سازد جگر را
کدامین مصیبت که از اشك خونین — کند دجله زا چشمهٔ چشم تر را
کدامین مصیبت که کرب کشایم — نفس در رك جان زند نیشتر را
کدامین مصیبت کزو آب می‌شد — اگر دل همی بود چون ما حجر را
کدامین مصیبت که دردش نموده است — کنون مطرب بزم ما نوحه‌گر را
کدامین مصیبت که ازمرك شاهی — جهان شد سیه در نظر دیده ور را
شهٔ نادر ما که دوران نیارد — چنان شاه دانای نیکو سیر را
شهی کز نخستین رهٔ خیر پوئید — از آغاز دانست چون خیر و شر را
فراموش نسازد زمان تا زمان است — فتوحات آن خسرو تاجور را
هنوز از تل و منکل آثار فتحش — بگوش جهان میرسانند خبر را
ز اصلاح او در امور نظامی — گشوده است تاریخ باب دگر را
نجات وطن را کمر بست نه مه — جدا گشته یکبارگی خواب خور را
زتدبیر والا واز رأی صائب — بشد ریشه کن مادهٔ شور و شر را
چو فکرش بآبادی مملکت شد — نماند ازخرابی بکشور اثر را
ز معماری رای عمران پسندش — عمارت بهر سو برافراخت سر را
ره سخت یك ماه بلخ از درازی — که سودی سم مرکب رهگذر را
دو منزل شد اکنون چو هموار نمود — چنین راه دشوار بی پا و سر را
وطن راحت چار سالش نیابد — قیاس ار کند دوره های دگر را
رسانید ناگه بعز شهادت — چنین مهربان خسرو دادگر را
بوقتیکه کردی باطفال مکتب — مدارا و انعام بیش از پدر را
خباثت سرشتی که از بس رذائل — بخود برگشوده است راه سقر را

نه تنها شهید آن شهٔ نامور شد — که از پیکر ما فگندند سر را
چرا ایشیا طالع خوش ندارد — که زود از کف خویش داد این گهر را
چرا اینچنین فتنه زائی نماید — نداند زمانه مگر خیر و شر را
نگویم که آن سینه خست از طپانچه — که آئینه هرگز نه بیند گدر را
نظر از جهان بست شاه یگانه — که سازد بفردوس اعلی مقر را
شهیدان بنزد خدا زنده باشند — کتاب الهی رساند این خبر را
دران فتنه زا وقعهٔ سخت هائل — که بگداختی زهرهٔ شیر نر را
درآندم کز اندوه بسیار گم شد — رهٔ چاره اندیشهٔ چاره گر را
وزیر شجاعت نشان شاه محمود — که پیمان باوهست فتح و ظفر را
روان داد باپور شه دست بیعت — بشاهی گزید آن مبارك اثر را
به تبعش ازان پس نظامی و ملکی — سبق جسته در بیعتش یکدگر را
سپردند از روی صدق وارادت — به شاه جوان تخت و تاج پدر را
سر خاندان صدر اعظم که گیرد — ازو مملکت رونق کر و فر را
دران موقع تنگ بسیار نازك — که دشوار می آمد اهل نظر را
ز یك ماهه ره دور بیعت فرستاد — به بسیار زودی شه دادگر را
ز هر چار سمت ممالك رساندند — رعایا مکاتیب بیعت اثر را
دول تلگرافی تسلی پیامند — نشد حاجتی طائر نامه بر را
جلوس همایون شاه جوان بخت — ز دلها برون کرد و هم خطر را
ندانم عزایا تهانی سرایم — بسوك و سرور این شهٔ تاجور را
ولی خامه سوی دعا میل دارد — که شاید دعا رام سازد اثر را
خدا یاز فضل تو توفیق خواهیم — که جز حق نپوئیم راه دگر را
تو توفیق بخشا تو تائید فرما — به بهبود ملك این شه نامور را
تو از حضرت فضل خود رهبری کن — که روشن کند رسم و راه پدر را
نهال برومند شاه شهید است — از و چشم داریم نیکو ثمر را
پدر گر ز شاهی کنون دست برداشت — مبارك کن این پادشاهی پسر را

شه آمد سپر (۱) از برای رعیت
خدا یا تو محکم بدار این سپر را

(۱) تلمیح است بلفظ (جنه) بمعنی سپر درحدیث شریف که : عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من اطاعنی فقد اطاع الله ومن عصانی فقد عصی الله ومن یطع الامیر فقد اطاعنی ومن یعص الامیر فقد عصانی وانما الامام (جنه) یقاتل من ورائه و یتق به فان امر بتقوی الله و عدل فان له بذلك اجروان قال بغیره فان علیه منه . متفق علیه (مشکوة) باب الامامة .

مسدس

از طبع جناب میرغلام حضرت خان (شایق)

چرا به گوش دلم نالهٔ حزین آید چرا ز سینه مرا آه آتشین آید
چرا بچشم من این مملکت غمین آید چرا هوا و فضا در نظر چنین آید
هوای بیرق شاهی چرا دگرگون است
ترنگ ساعت مینار ناله مضمون است

زغصه داغ دل شیخ و شاب شد افسوس جهان بآتش حسرت کباب شد افسوس
چرا که خانهٔ ملت خراب شد افسوس به زیر خاك سر آفتاب شد افسوس
بروی ناجیٔ افغان زدند گلهٔ کین
هزار غوطه بخون خورد تخت و تاج و نگین

ببار خون دل از دیده ای قلم امروز بداغ سینه بکن صفحه را رقم امروز
بنه به ساحهٔ ماتم دگر قدم امروز که پهن گشته بهرجا گلیم غم امروز
به خاك و خون پدر تاجدار ما غلطید
به ضرب گله شهٔ نامدار ما غلطید

روا بود که بنالم به ناله های حزین هزار بار سر خویش را زنم به زمین
که هست کوه و بیابان و دشت و در غمگین خموش گشت عزیزان چراغ ملت و دین
تمام عالم اسلام بی پدر شد حیف
محیط ما همه گی خوار و دربدر شد حیف

چسود اگر همه از چشم ما ببارد خون دعای ما به اجابت نمی شود مقرون
به ناسپاسی ما طعنه میزند گردون به تیره بختی ما گریه میکند مضمون
که قدر خدمت مولای خود ندانستیم
به قیمت در یکتای خود ندانستیم

نداشت نهضت ما را فلك روا داری نبود بخت وطن را هوای بیداری
ندانم از که بدانیم این ستم گاری مگر سپهر ندارد به ما سر یاری
ز دست دامن اقبال را یگان دادیم
به پیش غیر ز نادانی امتحان دادیم

اگرچه رحلت آن نادر جهان وفا نمود بر سر ملت قیامتی بر پا
رسید پرتو لطفی ز عالم بالا که شکر آن نتوانیم تا به حشر ادا
بناسپاسئ جاهل خدای ما نگرفت
خدای قادر مشکلکشای ما نگرفت

نهال نورس باغ امید شاه شهید که نور سلطنت از روی شان همی تابید
به تاج پوشئ او مادر وطن بالید جبین بپای وی اقبال همچو من سائید
بیا که تهنیت اکنون بدوستان گویم
دعای دولت این شاه نو جوان گویم

همیشه تا که بود عزت سخن افزون همیشه تا که بود لفظ پیکر مضمون
همیشه تا که براید دراز عدن بیرون همیشه تا که بود نظم شایق موزون
زند بنام خوشت سکهٔ نشاط زمان
که ظاهراست جلوس تواز (رگ افغان)
۱۳۵۲

ترجیع بند

از طبع جناب قاری عبدالله خان

آرامی جان ناتوان رفت آوخ که ز دست ما عنان رفت
کرد است بنای صبر ویران سیلی که زچشم خونفشان رفت
شد صبر وقرار و داغ برجاست ماند آتش ولیك کاروان رفت
ما پخته امید سود در دل وز دور فلك بما زیان رفت
می شد دل سنگ پاره پاره زین جور بما کز آسمان رفت

سرمنزل مرگ طرفه راهی است — خوابیده بجاده اش توان رفت
مانده است وطن چو جسم بیجان — در پیکرش آنکه بود جان رفت
از غم قد ما خمید کانشه — چون تیر ز خانهٔ کمان رفت
چندان به سریر پادشاهی — ننشسته و زود از میان رفت
آن صاحب خانهٔ وطن حیف — زود از چه برنگ میهمان رفت

آن شاه که شد شهید اکبر
خود رفت و گذاشت ملك ولشکر

در دا که زمانه را وفا نیست — با هیچکسی دلش صفا نیست
با شاه و گدا فریب ورزد — یکذره بچشم او حیا نیست
خلق حسن و سلوك نیکو — در مشرب او مگر روا نیست
با خلق خدای بد سلوکی — می‌ورزد و ترسش از خدا نیست
یکروز ندیده ام که بر خلق — از گردش او دوصد بلا نیست
عالم ز جفای او زبون است — جور و ستمش همین به ما نیست
کس نیست به این بلا بگوید — اینها که تو میکنی روا نیست
هر جا ز تو محشریست بر پا — عالم همه دشت کربلا نیست
ای مرگ علاجت از که جوئیم — در پیش طبیب این دوا نیست
بیرق نبود بلند امروز — گویا شهٔ ما بدل کشا نیست

آن شاه که شد شهید اکبر
خود رفت و گذاشت ملك ولشکر

افسرده چمن ز مهرگان است — گل رفته که این چنین خزان است
نی در چمن است سایهٔ بید — نی رونق باغ و بوستان است
گوئی که صدای شرشر آب — آواز حزین نوحه خوان است
زین سانکه به چشم تر نشسته — شبنم بعزای مهرگان است
بنشسته به ماتم گلستان — سنبل که پریش و موکنان است
چمن برگ کنون دل صنوبر — در لرزه زصر صر خزان است

رنگ ازرخ عالمی پریده طورد گری کنون خزان است
بینید که ؟ کوچ کرده یاران نالان جرسی بکار وان است
گل قافله بسته از گلستان یاشاه شهید هم روان است

آن شاه که شد شهید اکبر
خود رفت و گذاشت ملك و لشکر

ای تودهٔ خاك محنت آباد داغم ز تو خاك بر سرت باد
دلگیری و تنگ همچو محبس ای غمکدهٔ خراب آباد
در ساحهٔ تو سراغ کردیم کم یافته ایم خاطر شاد
با آنکه ترا عزیز دارند خصمی تو چرا ؟ باآدمی زاد
بستانیش از چه جان شیرین هرکس که تراشده است فرهاد
تکلیف تو بیش و راحتت کم ای سخت جفای سست بنیاد
افسون تو چشم بند عاقل نیرنك تو پای بند آزاد
اینهم زفریب تست کآیند در چشم خرابهٔ توآباد
در حبس تو وای ماندهٔ تا چند بندد دل تنك راه فریاد
آن غم که زمرگ شاه رفته است بر ما دل سنك هم مبیناد
درلرزه دل است چون زمین لرز کان کاخ بلند ملك افتاد

آن شاه که شد شهید اکبر
خود رفت کذاشت ملك و لشکر

درگوش همین صدای گریه است دل خسته زهای های گریه است
باران تو ستاده باش دیگر کاندر سرما هوای گریه است
بکشود هزار عقدهٔ اشك انده که کرهکشای گریه است
یکدم نکند سر شکش آرام چشم ترما برای گریه است
گوئید زما بمردم چشم از دیده برا که جای گریه است
غم راه گلو گرفته زود آی ای خون جگر بنای گریه است
مژکان ترم بچشم مردم هم لشکرو هم لوای گریه است .

امروز چرا بمرکب شاه موزیکهٔ از صدای گریه است
غلطید بسر سرشک ماتم امروز روش بپای گریه است
شه رفت و سپه یتیم گردید گرییم ازان که جای گریه است

آنشاه که شد شهید اکبر
خودرفت و گذاشت ملك لشکر

گلگون کفن است شاه غازی یا گریه بود بخون طرازی
دردا که زمانه سینه اش خست هر چند که داشت دلنوازی
یکباره زتخت و تاج بگذشت بگرفت طریق بینیازی
خود رفت و گذاشت عالمی را در ماتم خود بجان گدازی
در راه ترقی وطن کرد اینگونه بخون خویش بازی
او گشت شهید ومشك خونش از گفت پیمبر حجازی
سر بهر وطن بداد نگذاشت از دست طریق چاره سازی
اندر غم او بسوز بسیار ماو دل و طرح نوحه سازی
تا چند جنایت ای زمانه دامان توکی شود نمازی
کردی تو بجرأت و جسارت ناگاه شهید شاه غازی

آن شاه که شد شهید اکبر
خود رفت و گذاشت ملك و لشکر

ای مام وطن بیا بگرئیم بر طالع نارسا بگرئیم
در راه ترقی تو سر داد بر این شهٔ باوفا بگرئیم
فرزند رشید نادرت رفت سخت آمده ماجرا بگرئیم
در ماتم او جدا بنالیم بر طالع خود جدا بگرئیم
دل مرده ز خند های بیجا یك چند بیا بجا بگرئیم
هر چند که غم گلو گرفته تا هست کمی صدا بگرئیم
بر محنت شرق نوحه داریم بر ماتم ایشیا بگرئیم

ما و تو درین غم جهانسوز با هم شده همنوا بگریئیم
تا راه جنازه آب پاشی گردد ز سر شك ما بگریئیم
خود رفت وگذاشته است مارا بی چاره و بینوا بگریئیم

آن شاه که شد شهید اکبر
خود رفت وگذاشت ملك و لشکر

وله قطعه تاریخ

تا کسی کشت شاه غازی را آخر ظهر نوزدهم ز رجب
سال تاریخ زد رقم خامه (به چهارشنبه شانزدهٔ عقرب) (۱)

ترکیب بند

از طبع جناب مستغنی

آه این چه‌ماتم است که‌عالم بخون نشست باز از شفق بخون فلك نیلگون نشست
پیر و جوان نمود ببر جامهٔ سیاه این قوم برگلیم غم ایوای چون نشست
بر گشت بخت ملت افغان چه شد چرا نقش مراد اهل وطن واژگون نشست
تا روز مرگ محو ز خاطر نمیشود داغ غمی که بر دل زار وزبون نشست
از دست ناله کوه گران از کمر فتاد فرهاد رفت و در غم او بیستون نشست
شور و فغان ملت افغان بلند شد نتوان چومن‌دوباره بصبر وسکون نشست
این قوم را چه شدکه بیکباره این چنین بر خاك پست تیره ز اقبال دون نشست

گوئی مگر که نادر افغان شهید شد
آن حق پرست شاه مسلمان شهید شد

از قتل شاه ملك بود اشکبار چشم از گریه گشته‌است چو ابر بهارچشم
زین درد جانگداز بود داغدار دل خون ریخت‌زین‌بلیه مرا درکنار چشم
بیدرد اشك چیست‌که ریزی بماتمش ازروی مردمی همه‌دم‌خون ببار چشم

(۱) مصرع آخر کامل تاریخ‌شمسی سال شهادت است (۱۳۱۲) وچون میمی بلفظ شانزده الحاق‌نموده و شانزدهم خوانده شود (۱۳۵۲) تاریخ قمری سال شهادت بر می آید .

آن بحرجود خفت که تادرکنار خاك کرد است هر کنارروان جویبار چشم
در خون نشاندتا فلك آن آفتاب ملك گردیده همچو شام ازین دردتار چشم
آن رتبه اش دهی که شهیدان بدررا دارم چنین زلطف توای کردگار چشم
آن کورباطنی که شداین قتل را سبب ای کاش بودی ازازلش پرده دار چشم
زین درد خون شد است مرا درکنار دل
گردیده زین جفا و ستم بیقرار دل

شد خاك برسرم زغم تاجدار ملك شاه بلند مرتبهٔ نامدار ملك
آن شاه باوقار که رای زرین او معمار این دیار شد و آبیار ملك
گردید سر بسر همه آبادی وطن تا در کفش نهاد قضا اختیار ملك
زانسان نزاده مادر گیتی یکی پسر نادر بود مثال چنان شهسوار ملك
او رفت و ملت از غم او بیقرار ماند زو بوده است راحت قوم و قرار ملك
آمد بروی کاروطن آب و رنگ ازو او بود آبروی وطن اعتبار ملك
تدبیر او نشاند چنان انقلاب را گز وی فتاد زلزله در کوهسار ملك
شاهی چنان سزاست برای چنین وطن
بی او خراب وخاك بسر شد ببین وطن

رفتی بخاك و شد ز غمت خاکدان وطن آگاه نیست بیتو زسودو زیان وطن
گردیده است بیتو خراب آنچنان که خلق باور نمیکنند که باشد همان وطن
آخر ترا که گفت که تنها بروز ملك در خون ز درد و داغ فراقت بمان وطن
کردی پی نجات وطن ترك زندگی بی سر چرا گذاشتهٔ این زمان وطن
بودی تو جان ملت و روح و روان ملك دایم ترا عزیز شمردی چو جان وطن
گلزار شد بعصر تو این کهنه خاکدان هرگز ندیده بود چنین باغبان وطن
گشتی شهید راه وطن صد هزار حیف یارب شود بکام دل دوستان وطن
افغان ز دوری توسیه پوش گشته است
با شور و آه ناله هم آغوش گشته است

رفتی واهل ملك ز غم خوار ساختی قصر شکوه قوم نگونسار ساختی
رفتی که باد جنت فردوس جای تو کاین مملکت چو جنت و گلزار ساختی

رفتی و ساختی ز غمت مملکت خراب — کار تمام ملك بیکبار ساختی
رفتی وساختی دلت از رنج وغم خلاص — ما را بدرد و رنج گرفتار ساختی
خود را ز بار غصه سبکدوش کردهٔ — غمهای دهر بر دل ما بار ساختی
رفتی و از شکنجهٔ جانکاه زندگی — ملت تمام خسته و بیمار ساختی
بودی عزیز ملت و اقبال مملکت — اقبال ما چرا همه ادبار ساختی

رفتی چو گل ز گلشن وکل بیقرارماند
ما را چو لاله داغ غمت در کنار ماند

ای چرخ فتنه تیغ ستم آختی چرا — ای بد قرار نرد دغا باختی چرا
شمشیر کین بشاه دلاور کشیدهٔ — چون سایه اش بخاك رهانداختی چرا
ای کشته بیخبر پدر تاجدار ما — این قوم را یتیم چرا ساختی چرا
در ماتم شهید سعید وطن چو شمع — دلهای جمع غمزده بگداختی چرا
یغما قرار و صبر نمودی ازین وآن — ترکانه بر دیار وطن تاختی چرا
بیدرد چند بار وطن ساختی خراب — باز ازبرای کین علم افراختی چرا
زین غم نصیب قوم که گوید باآن شهید — رفتی بحال قوم نپرداختی چرا

گشتی ز حال ملك چرا بیخبر بگو
زینگونه غافل از چه نمودی سفر بگو

ای چرخ دون زجورتودل را الم رسید — باری برای دیدهٔ خونبار نم رسید
شادی نصیب ما نشد ایوای در جهان — قسمت برای این دل ناشاد غم رسید
بود آرزوی ما که بما شهد میرسد — اما ز دور گردش افلاك سم رسید
زخمی بما ز مرگ عزیزی رسیده بود — زخمی چنین دو باره با هل ستم رسید
تا ای سپهر سفله کمانی کشیدهٔ — تیر غم تو بردل ما دمبدم رسید
اضداد را نگر که بهم جمع گشته اند — شادی و غم بمملکت ما بهم رسید
از قتل شهریار بما گر رسیده غم — شادی زتاج پوشی شهزاده هم رسید

کردی بزیر خاك نهان تاجدار قوم
شاه شهید با شرف نامدار قوم

چشمم زدردو داغ وفاتش پر آب شد — دل گفت آه آه که ملت خراب شد
ای چرخ دون بداغ دگر سوختی مرا — بردار زآتش این دل پرخون کباب شد
چون برملا شهید شد آن شهریار ملك — بدخواه قوم گفت که باز انقلاب شد
این امن و عافیت همه از دست رفته بود — آخر دعای اهل وطن مستجاب شد
ادبار شام غم همه کشور گرفته بود — گز شرق بخت صبح دمید آفتاب شد
چون از نظر نهفت شه آن چهر نازنین — از غیب شاه ظاهر مقبل خطاب شد
الطاف کردکار باین قوم ظاهر است — کاندر چنین بلیه فزون از حساب شد

تاریخ این وقوع چنینم رسید قوم
از شام تار صبح منور بدید قوم

۲ ۱ ۳ ۱

گر رفت شاه ملك ازو یادگار ماند — از وی نشان نیک بملك و دیار ماند
او رفت در غمش همه باچشم اشکبار — خون شد دل و جگر زغمش داغدار ماند
گرشاه شد شهید بملك و دیار ازو — پور نجیب با شرف با وقار ماند
با فال نیك و بخت بتخت شهی نشست — نقش تسلی بدل بیقرار ماند
صدر معظم آنکه زشاه زمان بما — بهر علاج جان غمین فگار ماند
دیگر وزیر حرب جهان حیا و حلم — بهر تشفی دل ریش نزار ماند
آن نامدار شاه ولی خان که در وطن — کردار های عمده از و بیشمار ماند

ملت تمام خوشدل ازین و ازان همه
کوشند بهر خدمت هر یك بجان همه

بی او تشفی دل بیمار ظاهر است — مرهم گذار خاطر افگار ظاهر است
بی دیدن جمال تو ای چشم مردمی — منظور این دو دیدهٔ خونبار ظاهر است
بلبل که روی گل شود از دیده اش نهان — دل بستنش بگلبن گلزار ظاهر است
بیدل شد از فراق توای شهریار قوم — در این گروه دلشده دلدار ظاهر است
پنهان اگر زدیدهٔ ملت شدی چرا — گویند خلق شاه جهاندار ظاهر است

رفتی و بهر ملت بیمارت ای طبیب درمان درد و رنج وپرستار ظاهر است
در ماتم تو ناله و آه است کار ما خود کار اهل ماتم و کردار ظاهر است

بی شهریار عشوهٔ دولت که میخورد
ظاهر بگو بمن غم ملت که میخورد

ای شهریار ملك خدا یار و یاورت تا هست دور چرخ بود تاج بر سرت
خواهم ز کردگار جهان تا دم حیات بر فرق مخلصان چو هما سایه گسترت
بادت همیشه بخت و سعادت کمین رهی باشد همواره عزت و اقبال چاکرت
قانع نیم بکشور افغان که مرتر است بخشد خدای ملك ازین هم فزون ترت
بر هر چه عزم و قصد نمائی ز کار ملك اندر زمان دهد کرم و لطف داورت
سیاره تا گهی بحضیض و گهی باوج تابان همان ز برج شرف باد اخترت
بخشید کردگار ز فضل عمیم خویش بر زورق شکسته این ملك لنگرت

ملك و دیار جمله به فرمان بود ترا
ملت ز روی صدق ثنا خوان بود ترا

یاران چه شد که مرثیه تکرار میکنم ظاهر بود که درد دل اظهار می کنم
هر حرف را بخون جگر می کنم رقم شرح و بیان این دل افگار می کنم
این درد تا به مردم دانا عیان کنم دایم حدیث دیدهٔ خون بار می کنم
در ماتم شهید وطن نوحه بار بار گر کرده باشم آه دگر بار می کنم
دیگر درین مصیبت عظمی کنم چه کار چون نیست کار دیگرم این کار می کنم
بسیار دیده ام ستم از روزگار دون زان رو فغان و نالهٔ بسیار می کنم
آخر رسیده است به دل زخم کاریم معذورم آه و ناله به ناچار می کنم

گردید تیره بخت من و روزگار من
مستغنی این چنین پس ازین است کارمن

مسدس

ازطبع آقای محمد سرورخان « صبا »

پرآه و ناله گشت گلستان و لاله زار　　خون میرود زدیدهٔ بلبل چو آبشار
از پافتاده سروسهی بادل فگار　　قمری بسوخت درغم و شد تیره روزگار
تنها نه آه و ناله به گلزار و گلشن است
در هر طرف که می‌نگرم شورو شیون است

وا حسرتا که جور فلك بود در کمین　　عقرب زدست در دل ما سخت نیش کین
بالاشد از نهاد وطن ناله حزین　　گردون بود کمال و فای تو اینچنین ؟
پردرد و داغ کشور آباد گشته است
چون نی زبان ناله و فریاد گشته است

در غم شده است ملت ما مبتلا چرا　　آتش شراره میکشد از سینه ها چرا
این سرزمین چراشده چون کربلا چرا　　ماتم سراست کشور ما ایخدا چرا
سنگ ستم به شیشهٔ ما خورد ناگهان
چون شمع زآب دیده ما سوخت استخوان

یك دم زاشك نیست جدادیده گان ما　　محشر بپاشده است ز آه و فغان ما
شد لاله داغدار دل خون چکان ما　　پرحسرت است حال قیامت نشان ما
ای روزگار سخت جفا کردهٔ چرا
کار خطابحق خدا کردهٔ چرا

این ما جرا و عالم غم از برای چیست　　این نوحه و نغان و الم از برای چیست
پرداغ سینه دیده به نم از برای چیست　　بیتابیٔ لوا وعلم از برای چیست
از زخم چشم چرخ دنی زار گشته ایم
با آه وناله دیدهٔ خونبار گشته ایم

از بس هجوم غم همه ازهوش رفته ایم　　گل پوش داغ گشته ورنگ پریده ایم
همچون جرس زناله خود خود رمیده ایم　　آشفته روزگار غم و درد گشته ایم
شد چهره ها بمد نظر زعفران چرا
شد دیده‌ها چومنظرهٔ ارغوان چرا

آن ای زمانه سخت جفا کار بود ئی بیرحم و بیوفا و ستمگار بوده ئی
کردم یقین که در پی آزار بود ئی ای سفله کار شعبده آثار بوده ئی

آخر بگو چه‌شد پدر تاجدار ما
شاه سریر کشور امید وار ما

واحسرتا که تاب و توان رفت از کفم یك لحظه اشك می ندهد وقت و فرصتم
ای وا چسان کنم رقم این داستان غم پر داغ گشته کاغذو خونبار شد قلم

سوزم چوشمع اشك بکاغذ روان کنم
چون‌لاله این بیان بدل‌خون چکان کنم

در وقت ظهر ابر بلا شد به آسمان گر دید روز گار وطن تیره نا گهان
از یك پلید نا کس مردود بی نشان فیر تفنگچه شد به‌سر شاه مهر بان

خورشید تخت عظمت مشرق بخون طپید
زین ما جرا بناله شفق پیرهن درید

ای دل کشا برای خدا شاه ما چه‌شد آئینه محبت و صدق و صفا چه شد
سر دفتر کمال و جلال و وفا چه شد سر چشمه سعادت و عزو علا چه شد

خون میرود زدیده‌ات ای‌قصر ازچه رو
ای خاك غم به سرچمنت ریخت آبرو

وا حسرتا که نادر غازی شهید شد چون برق در دمی ز نظر نا پدید شد
پر آه و ناله مملکت پر امید شد گردون بناله آمد و ماتم شدید شد

دردا که شد مصیبت جان سوز آشکار
ملت ز فرط ناله و غم گشت بیقرار

ای در غم تو ملت افغان گریسته بر تو به نوحه اهل مسلمان گریسته
در ماتم تو زهره و کیوان گریسته با آه و ناله کوه و بیابان گریسته

ای نادر زمانه که مثل تو نیست کس
از رفتن تو دردل ما داغ ماندو بس

آخر چه شد که فکر غریبان نمیکنی نطق نکو به ملت افغان نمیکنی
یك دم علاج این دل سوزان نمی کنی شا ها چه شد که یاد گدایان نمی کنی
نی یاد ما کنی و نه از یاد میروی
نی یك دمی ز خاطر ناشاد می روی

آخر چه شد برای خدا شهریار ما وا حسرتا چه شد پدر غمگسار ما
تا شد چو لاله غرقه به خون تاجدار ما ای داغ جای تست دل بی قرار ما
با داغ دل بسازم و با چشم اشکبار
با خاطر فسرده و با سینهٔ فگار

ای صلح ساز فتنهٔ منگل کجا شدی ای فاتح مجاهده تل کجا شدی
ای در بی عدیل مجلل کجا شدی ای ناجیٔ وطن شه افضل کجا شدی
بیتو دم نشاط باین روزگار نیست
کو آن دلی که از غم تو داغدار نیست

عسکر نواز خسرو عالی نژاد کو شاه وفا سرشت بهار و داد کو
صیقل نمای آئینه اتحاد کو شاهنشهٔ معظم با عدل و داد کو
ازخون اطهرش سرورویش خضاب شد
پر شعله از الم جگر آفتاب شد

شاهی که داد نعمت آزادی وطن فکرش همیشه بود به آبادی وطن
کوشش همی نمود به دل شادی وطن میخواست اوج معنوی و مادی وطن
واحسرتا که رخت بدار البقا کشید
برمیل خویش اوج وطن را چرا ندید

یاران چه شد شهنشهٔ ملت نواز ما ای وا کجاست قائد دشمن گداز ما
آخر چه شد مدار همه فخر و نازما ایدل برفت واقف هر گونه رازما
گردیده است ازنظر ملتش نهان
بگرفته است بجنت فردوس آشیان

ای بانیئی حکومت ملیت وطن (شاه ادب نواز) دل وجان انجمن
اندر غم تورفته زکف رشته‌سخن بی نور شد یماتم تو چشم ماو من

رفتی تو از جهان بخدا بی پدر شدیم
افسوس بیتوای شهٔ والا گهر شدیم

زین‌درد جان گدازبه‌شیون گریستم در خانه وبه مسجد وگلشن گریستم
با چاك سینه و دل‌و دامن گریستم در عالم قیام و نشستن گریستم

باری تسلیٔ دل ناشاد میکنم
خاك‌مزار شاه‌بسر باد میکنم

ازبس گریستم شدم از خویش نا امید در بحر اشك گوهر دیگر بکف رسید
دادم نوید عاطفتی (نادر شهید) کز این نوید درتن ما روح نو دمید

گفتا که من بخلد برین کرده آشیان
باشد برای کار وطن ظاهرم روان

ظاهر بشد بزخم وطن مرهم نکو ظاهر شده است چاك دل قوم را رفو
شهزاده معظم بگزیده خلق و خو ذاتی که‌است درخور او رنگ ملك او

بنشست برسریر وطن همچو آفتاب
ملت بداد بوسه بدستش علی الحساب

شاه جوان کشورآزاد کهسار ای مرهم جراحت دل های داغدار
ای گوهر نجابت وای معرفت شعار فرخنده باد طالع و باکام روزگار

تبریك تخت‌و تاج‌تو گویم زجان‌و دل
بادا همیشه دشمن تو زار و منفعل

شاه جوان ماشهٔ باعلم‌و رافت است رادو رشیدو عاقل‌و باعزم وغیرت است
عالی نژاد با هنرو ذی درایت است نیکو خصال وفاضل ویار شریعت است

اوج وطن یگانه مآل جمیل اوست
فائز به‌مطلب است خدایش وکیل اوست

همچون پدر برای وطن کار میکند　　تربیت قشون وفادار می کند
همت باوج کشور کهسار میکند　　این ملك را یقین که ضیا بار میکند
دارد بعلم و تربیت او الفت زیاد
میخواهد اوج کشور خود را زاتحاد

شاه رشید مائل حسن زراعت است　　خواهان علم ودانش و بهبود صنعت است
منظور شان یگانه عروج تجارت است　　خوش نیت و جوان و فداکارملت است
ملت به شوق کرده قبول امارتش
جاوید باد سلطنت و شان و شوکتش

یارب همیشه کشور ما بادکامگار　　دیگر بدرد و غم نشود خاطرش فگار
(ظاهر)شود بهار عروجش بروز گار　　گوید (صبا) ترانهٔ مجدش بافتخار
پرنور باد روح شهٔ (نادر) وطن
جاوید باد سلطنت (ظاهر) وطن

تصحیح

ای در طلب کمال سرگرم شتاب — در صورت کس مبین و معنی دریاب
هر چند عقیق است با آتش همرنگ — دارد به دهان تشنه خاصیت آب

چون قفل گرفتگی اگر گیری پیش — آخر دلت از تیغ جفا گردد ریش
دادند چو صورت کلید ابرو را — پیوسته کشاده دار پیشانی را

رباعیات فوق در شمارهٔ (۲۹) در پاورق صفحه (۹۰) مندرج و باسم (قاری) ثبت آمده رباعیات مذکور نه از قاری بلکه از (غنی) کشمیری است .

КЛ